

وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال ۲۰۲۵

مارچ ۲۰۲۶



Photo (C) Mahshad Jalalian / Alamy

رواداری یک نهاد مستقل و غیرجانبدار است که با هدف نظارت بروضعیت حقوق بشر، توسعه فرهنگ حقوق بشری در افغانستان و تلاش برای تأمین فرهنگ حساب‌دهی و عدالت قربانی‌محور تأسیس شده است. بنابراین، این نهاد با رعایت کامل اصل بی‌طرفی و احترام به تمامی اصول و معیارهای پذیرفته شده‌ی جهانی حقوق بشر، کار و فعالیت می‌کند که گزارش حاضر نیز در همین راستا و به منظور بازتاب واقع‌بینانه رویدادهای نقض حقوق بشر آن‌گونه که واقع شده است، منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	روش جمع‌آوری معلومات
۵	محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات
۷	بخش نخست- وضعیت حقوق مدنی و سیاسی
۸	نقض حق حیات
۹	۱. تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی نیروهای نظامی پاکستان
۱۱	۲. تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انفجاری و انتحاری
۱۲	۳. تلفات ملکی ناشی از انفجار ماین و مهمات باقی‌مانده از منازعات مسلحانه
۱۳	۴. قتل‌های هدفمند، مرموز و فراقضایی
۱۴	محدودیت‌های مستندسازی قتل‌های هدفمند، مرموز و فراقضایی
۱۶	اقدامات طالبان برای پی‌گرد مرتکبان قتل‌های هدفمند، مرموز و فراقضایی
۱۷	الف- قتل سازمان‌یافته کارمندان حکومت پیشین
۲۰	ب- قتل افراد غیر نظامی متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف
۲۱	ج- قتل مرموز و فراقضایی سایر شهروندان غیر نظامی
۲۳	ناپدید سازی اجباری
۲۷	بازداشت خودسرانه و غیر قانونی
۲۸	عاملان بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی
۲۹	الف- بازداشت خودسرانه کارمندان حکومت پیشین
۳۱	ب- بازداشت خودسرانه فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر
۳۳	ج- بازداشت خودسرانه افراد به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان
۳۴	د- بازداشت خودسرانه و غیر قانونی به دلیل سرپیچی از قانون امر به معروف
۳۶	نقض حق کرامت انسانی
۳۶	الف- شکنجه و بدرفتاری با زندانیان
۳۷	انواع و شیوه‌های شکنجه در محلات سلب آزادی طالبان
۳۷	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۳۹	قتل زندانیان
۴۲	نبود مکانیسم مؤثر نظارت بر زندان‌های طالبان
۴۳	ب- اجرای مجازات ظالمانه و غیرانسانی

۴۴	۱. مجازات سنگسار و قصاص
۴۵	۲. تنبه بدنی
۴۶	۳. سایر اشکال مجازات غیر انسانی
۴۷	سرکوب تجمعات و گردهمایی اعتراضی مسالمت‌آمیز
۴۹	بخش دوم- وضعیت حقوق بشری زنان
۵۰	۱. تشدید محدودیت‌ها بر حق آموزش
۵۱	الزام حجاب و محرم شرعی برای کودکان دختر
۵۲	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۵۳	بازداشت آموزگاران به خاطر ارائه خدمات آموزشی به زنان
۵۴	۲. شرایط تبعیض‌آمیز کار
۵۴	اجبار زنان به ترک وظیفه از بخش‌های صحتی و آموزشی
۵۵	۳. چالش‌های دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی
۵۷	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۵۹	۴. نقض حق گشت و گذار آزادانه
۶۰	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۶۱	۵. عدم دسترسی به عدالت
۶۱	عدم رسیدگی به موارد خشونت علیه زنان
۶۴	بخش سوم- وضعیت حقوق بشری گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر
۶۵	۱. تبعیض علیه گروه‌های قومی و مذهبی در ارائه خدمات دولتی و پروژه‌های انکشافی
۶۶	۲. تبعیض در استخدام
۶۷	۳. اعمال محدودیت بر آزادی‌های مذهبی
۶۹	بخش چهارم- نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۷۱	نتیجه‌گیری
۷۲	پیشنهادات

مقدمه

گزارش حاضر بر اساس اطلاعات و شواهد بدست‌آمده از منابع اولیه از جمله مصاحبه‌های مستقیم با قربانیان، بازماندگان، شاهدان عینی و دیگر منابع مطلع محلی تدوین شده است که به بررسی وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال ۲۰۲۵ می‌پردازد. وضعیت حقوق مدنی و سیاسی، حقوق زنان و وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر در بازه زمانی یادشده، از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی این گزارش می‌باشد.

اطلاعات و شواهد گردآوری‌شده نشان می‌دهد که موارد نقض حقوق بشر در این دوره، نه تنها ادامه یافته بلکه در بسیاری حوزه‌ها تشدید و ابعاد سازمان‌یافته‌تری پیدا کرده است. چنانکه قتل‌های هدفمند و فرا قضایی، بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه و تحقیرآمیز، در مقایسه با سال ۲۰۲۴ به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. همین‌طور، بر اساس یافته‌های این گزارش کارمندان حکومت پیشین، خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر و افرادی که به همکاری با گروه‌های مخالف متهم شده‌اند، هم‌چنان هدف قتل‌های فرا قضایی، بازداشت، ناپدیدسازی اجباری و دیگر اقدامات انتقام‌جویانه قرار گرفته‌اند.

وضعیت حقوق بشری زنان نیز طی این مدت، به دلیل تداوم محرومیت از حق آموزش، اشتغال، آزادی رفت و آمد، دسترسی به عدالت و اتخاذ رویکرد سخت‌گیرانه‌تر از سوی مقامات حاکم، در ابعاد مختلف وخیم‌تر و نگران‌کننده‌تر شده است. شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که با اجرای قانون موسوم به «امر به معروف و نهی از منکر» تبعیض، محدودیت و کنترل اجتماعی علیه زنان شکل سازمان‌یافته‌تری پیدا کرده و به این ترتیب عرصه‌های بیش‌تری از زندگی فردی و اجتماعی آنان را در بر گرفته است؛ وضعیتی که می‌تواند مصداق تعذیب مبتنی بر جنسیت و جنایت علیه بشریت تلقی شود.

هم‌زمان، دادگاه‌های طالبان در این دوره گزارش‌دهی، طیف گسترده‌ای از مجازات‌های بدنی از جمله شلاق و سایر اشکال مجازات تحقیرآمیز را اعمال یا تایید کرده‌اند؛ مجازات‌هایی که با اصول ناظر بر ممنوعیت شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز در تعارض قرار آشکار قرار دارد. اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز طی این مدت با تبعیض در دسترسی به فرصت‌های شغلی و اقتصادی، منابع و خدمات عمومی و محدودیت در آزادی اجرای مناسک مذهبی مواجه بوده‌اند.

فقدان سازوکارهای مستقل نظارتی و استمرار مصونیت مرتکبان نقض حقوق بشر از مجازات و پاسخ‌گویی، منجر به تداوم و افزایش اشکال گوناگون نقض حقوق بشر و محرومیت قربانیان از دسترسی به عدالت شده است. انتظار می‌رود، یافته‌ها و پیشنهادات مندرج در این گزارش، مورد توجه جامعه جهانی، سازمان ملل متحد، مقامات حاکم و سایر نهادهای ذیربط قرار گرفته و اقدامات عملی برای حمایت از حقوق بنیادین مردم افغانستان اتخاذ و اجرا شود.

روش جمع‌آوری معلومات

رواداری در جریان سال ۲۰۲۵ به جمع‌آوری اطلاعات و مستندسازی موارد نقض حقوق بشر در افغانستان پرداخته و ناظران این نهاد به صورت مستمر با قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، شاهدان عینی، مدافعان حقوق بشر، فعالان مدنی، خبرنگاران، آموزگاران مکاتب و استادان دانشگاه‌ها، کارمندان ادارات دولتی، وکلای مدافع، وکلای گذر، بزرگان محلی، کارمندان بخش‌های صحتی و سازمان‌های ذیربط ملی و بین‌المللی در ۳۰ ولایت کشور مصاحبه انجام داده‌اند.^۱ اطلاعات گردآوری‌شده پس از تحلیل و راستی‌آزمایی، در قالب گزارش‌های ماهوار تنظیم و در یک سیستم ذخیره‌سازی الکترونیکی امن، ثبت و نگهداری شده است.

روند جمع‌آوری اطلاعات، اسناد و شواهد مرتبط با موارد نقض حقوق بشر توسط ناظران محلی رواداری و تحت نظارت مستقیم تیم تحقیق این نهاد صورت گرفته است. این اقدامات شامل مصاحبه‌های منظم با منابع یاد شده با استفاده از پرسش‌نامه‌ها، و نیز جمع‌آوری شواهد تکمیلی مانند مکاتبات رسمی، اسناد قضایی، تصاویر، فایل‌های صوتی، اسناد شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها، گزارش‌ها و اطلاعات منتشرشده توسط نهادهای تحت کنترل طالبان، بوده است. هم‌چنین، به منظور تضمین اعتبار، دقت و کیفیت اطلاعات گردآوری‌شده، تیم تحقیق رواداری در طول سال، آموزش تخصصی، مشوره‌های فنی و رهنمودهای لازم را به ناظران محلی ارائه نموده‌اند.

با این وجود، آنچه در گزارش حاضر ارائه شده، مجموعه‌ای از اطلاعات مستند و تأیید شده می‌باشد که به صورت مستقیم از منابع اولیه بدست‌آمده است. مواردی که به دلیل محدودیت‌ها و چالش‌های موجود، امکان تأیید یا دسترسی به شواهد کافی در مورد اعتبار آن‌ها فراهم نبوده شامل گزارش نشده است.

اطلاعات بدست‌آمده با استفاده از روش تحلیلی کیفی و تطبیقی، مورد بررسی قرار گرفته و موارد ثبت شده در سال ۲۰۲۵ با داده‌های مربوط به سال ۲۰۲۴ و سال ۲۰۲۳ مقایسه و ارزیابی شده است. این کار با هدف ارائه یک تصویر روشن از الگوهای برجسته نقض حقوق بشر، نوع و ماهیت نقض‌های ثبت شده، و نیز ویژگی‌های قربانیان و گروه‌های هدف انجام شده است.

با این حال، با توجه به محدودیت‌های سازمان‌یافته در زمینه دسترسی به اطلاعات و موانع موجود در روند مستندسازی نقض حقوق بشر، کاهش آماری که در بخش‌هایی از این گزارش مطرح شده، لزوماً به معنای بهبود وضعیت نیست، بلکه ممکن است بازتابی از محدودیت‌های اعمال شده و چالش‌های موجود در فرایند جمع‌آوری و راستی‌آزمایی اطلاعات باشد.

بخش نخست گزارش به ارزیابی وضعیت حقوق مدنی و سیاسی اختصاص یافته و در بخش‌های بعدی وضعیت حقوق بشری زنان و گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر بررسی شده است. از آن‌جا که رواداری گزارش وضعیت حقوق بشر در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ را قبلاً منتشر کرده است، نمونه‌ها و مثال‌های تشریح شده در بخش‌های مختلف این گزارش، عمدتاً شامل موارد ثبت شده در شش ماه دوم سال می‌باشد.

۱. هرات، نیمروز، فراه، غور، دایکنندی، خوست، پکتیا، پکتیکا، کابل، پروان، پنجشیر، میدان وردک، سمنگان، غزنی، بدخشان، تخار، ننگرهار، کنر، قندهار، ارزگان، زابل، هلمند، بامیان، لوگر، فاریاب، بلخ، جوزجان، نورستان، لغمان و سرپل.

محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات

بر اساس یافته‌های این گزارش، مقامات حاکم در افغانستان نه تنها به اجرای محدودیت‌های قبلی بر حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات ادامه داده‌اند، بلکه در جریان سال ۲۰۲۵، تدابیر و اقدامات محدود کننده‌تری را نیز اتخاذ و اجرا کرده‌اند. شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که نهادهای استخبارات، امر به معروف و اطلاعات و فرهنگ طالبان، حتی فعالیت کاربران شبکه‌های اجتماعی را نظارت نموده و در موارد متعدد به اعمال فشار، تهدید، بازداشت، شکنجه و بدرفتاری با این افراد که در زمینه انتشار اطلاعات مرتبط با موارد نقض حقوق بشر فعالیت داشته، اقدام کرده‌اند.

هم‌چنین، بر اساس یافته‌های این گزارش، مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران و رسانه‌های محلی بدون اجازه کتبی اداره اطلاعات و فرهنگ نمی‌توانند درباره رویدادهای امنیتی، کم‌کاری‌های مقامات حاکم و به‌خصوص موارد نقض حقوق بشر، اطلاعات جمع‌آوری و منتشر کنند. چنان‌که رواداری در جریان سال ۲۰۲۵ مواردی را مستند کرده است که نشان می‌دهد طالبان مدافعان حقوق بشر و خبرنگارانی را که بر خلاف این دستور عمل نموده، به اتهام «جاسوسی برای خارجی‌ها» یا «تبلیغ علیه نظام» بازداشت و شکنجه کرده‌اند. این وضعیت موجب خودسانسوری گسترده و پنهان ماندن بخشی از رویدادهای نقض حقوق بشر در کشور شده و نیز تأثیر مستقیم بر آزادی و امنیت شخصی مدافعان حقوق بشر و خبرنگاران گذاشته است. چنان‌که شماری از خبرنگاران محلی در جریان سال ۲۰۲۵ ناگزیر به ترک محل اقامت خود شده و به ولایت‌های دیگر نقل مکان کرده‌اند.

از سوی دیگر، تهدید و اعمال فشار بر قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، شاهدان عینی و دیگر منابع مطلع محلی، هم‌چنان ادامه دارد. طالبان در باره رویدادهای مهم نقض حقوق بشر از جمله شکنجه، ناپدیدسازی اجباری و قتل‌های هدفمند و فراقضایی، اعضای خانواده و بستگان قربانیان را به‌طور مستقیم تهدید کرده‌اند که از ارائه هرگونه معلومات در این زمینه خودداری کنند. گزارش‌هایی نیز وجود دارد که طالبان در برخی موارد مرتبط با قتل‌های فراقضایی و مشکوک، به خانواده‌های قربانیان گفته‌اند که روایت‌های دروغین و خلاف واقع را با رسانه‌ها شریک سازند.

اطلاعات دریافتی نشان می‌دهد که طالبان از تمامی زندانیان و به‌ویژه افرادی که در دوران بازداشت مورد شکنجه یا سایر اشکال بدرفتاری قرار گرفته‌اند، تعهد می‌گیرند که در مورد تجارب یا مشاهدات خود در بازداشتگاه‌ها با هیچ شخص یا نهادی صحبت نکنند؛ وضعیتی که دسترسی به شهادت‌های مستقیم و آزادانه را به شدت محدود کرده و خطر اقدامات تلافی‌جویانه علیه این افراد را افزایش داده است. علاوه‌براین، سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای ناظر مستقل به زندان‌ها و محلات سلب آزادی دسترسی ندارند و نیز مسئولان این مراکز از ارائه هرگونه معلومات به رسانه‌ها، نهادهای حقوق بشری و سایر افراد به‌طور جدی منع شده‌اند.

هم‌زمان، تمامی ادارات تحت کنترل مقامات حاکم، از شریک‌سازی معلومات به رسانه‌ها و یا سایر افراد، بدون اجازه قبلی مراجع ذیصلاح منع شده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در برخی مناطق از جمله حوزه جنوب غرب کشور، استفاده از تلفن‌های هوشمند و مجهز به دوربین برای کارمندان دولتی و نیز انجام مصاحبه یا هرگونه همکاری با رسانه‌هایی که در تبعید فعالیت می‌کنند، به‌طور جدی ممنوع شده است.

در همین راستا، ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در ولایت‌های پروان و ننگرهار به رسانه‌ها و خبرنگاران محلی هشدار داده است که در صورت هرگونه همکاری با رسانه‌های که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند، توسط اداره استخبارات بازداشت و زندانی خواهند شد.

همزمان با محدودیت‌های یاد شده، اجرای «قانون امر به معروف و نهی از منکر» نیز منجر به گسترش هرچه بیشتر فضای عمومی ترس در میان شهروندان و پنهان ماندن بخش قابل توجهی از اطلاعات و شواهد مرتبط با نقض حقوق بشر شده است. این قانون با ممنوعیت صحبت مردان با زنان نامحرم، منع انتشار صدای زنان و تصاویر «موجودات زنده»، هم‌چنین رسانه‌ها را انتشار هرگونه مطالبی که «خلاف قوانین و دستورات طالبان» باشد یا به «تحقیر و توهین مسلمانان» بی‌انجامد به‌طور جدی منع کرده است.

قطع سراسری خدمات اینترنتی در ماه سپتامبر ۲۰۲۵ نیز، در ادامه همین سیاست‌ها و با هدف اعمال محدودیت گسترده بر جریان آزاد اطلاعات صورت گرفته بود. از این رو، طالبان به‌صورت سازمان‌یافته برای کنترل اطلاعات و جلوگیری از افشای موارد نقض حقوق بشر در سال ۲۰۲۵ اقدام نموده‌اند؛ وضعیتی که از یک سو موجب محدود شدن دسترسی قربانیان به سازوکارهای عدالت و دادخواهی شده و از سوی دیگر، به خودسانسوری گسترده و امتناع برخی منابع از ارائه معلومات منجر شده است. با این وجود، یافته‌های گزارش حاضر ممکن است تمامی ابعاد موارد نقض حقوق بشر را در سال ۲۰۲۵ به‌طور کامل منعکس نکند.

بخش نخست

وضعیت حقوق مدنی و سیاسی



Photo (C) Sayed Habib Bidell / Alamy

حقوق مدنی و سیاسی، از بنیادی‌ترین حقوق بشری افراد به شمار می‌رود که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه^۳ و اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ به رسمیت شناخته شده است. بر مبنای اسناد مذکور، دولت‌های عضو وظیفه دارند که ضمن حمایت از این حقوق، شرایط بهره‌مندی کامل از آن‌را برای شهروندان فراهم سازند.^۵ با این حال، بر بنیاد شواهد و اطلاعات بدست‌آمده، موارد متعدد نقض حقوق مدنی و سیاسی از جمله قتل‌های فرا قضایی، ناپدیدسازی اجباری، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و سایر اشکال بدرفتاری و نیز مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در سال ۲۰۲۵ افزایش یافته است.

نقض حق حیات

حق حیات از حقوق غیر قابل تعلیق افراد به شمار می‌رود که دولت‌ها تحت هیچ شرایطی، حتی در زمان جنگ، مخاصمات مسلحانه یا سایر وضعیت‌های اضطراری عمومی، مجاز به تعلیق آن نیستند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق حیات را به عنوان یکی از مصادیق حقوق غیر قابل تعلیق افراد به رسمیت شناخته است.^۶

یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در جریان سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۱۱۵۴ نفر بر اثر حملات هدفمند انفجاری و انتحاری، حملات هوایی نیروهای نظامی پاکستان، انفجار ماین و مهمات برجا مانده از جنگ‌های گذشته و یا به صورت هدفمند، مرموز و فرا قضایی کشته و زخمی شده‌اند.^۷ از این میان ۶۱۷ نفر کشته شده و به تعداد ۵۳۷ نفر دیگر زخمی شده‌اند. جان‌باختگان شامل ۴۷۳ مرد، ۵۳ زن، و ۹۱ کودک می‌باشند. همین‌طور، زخمی‌ها شامل ۴۰۵ مرد، ۵۶ زن و ۷۶ کودک می‌باشند. کارمندان حکومت پیشین و اعضای خانواده‌های آنان، خبرنگاران و فعالان مدنی، معترضان، زنان، کودکان، بزرگان قومی و افراد متهم به ارتباط با گروه‌های مخالف طالبان مشمول قربانیان هستند.

رواداری در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۷۶۷ مورد نقض حق حیات را ثبت نموده بود.^۸ مقایسه آمار نشان می‌دهد که میزان نقض حق حیات در این دوره گزارش‌دهی، حدود ۵۰.۴ درصد افزایش یافته است. همین‌طور، این رقم در مقایسه با داده‌های مربوط به سال ۲۰۲۳ که ۷۷۲ مورد بود، افزایش ۴۹.۴ درصدی را نشان می‌دهد.^۹

تلفات غیر نظامی ناشی از حملات نظامی نیروهای پاکستان بر بخش‌هایی از افغانستان، از برجسته‌ترین عوامل نقض حق حیات در این دوره گزارش‌دهی به شمار می‌رود که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

2 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)، مواد ۶، ۹، ۱۰ و ۲۱.

3 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴)، ماده ۱.

4 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)، مواد ۳، ۵، ۹ و ۲۰.

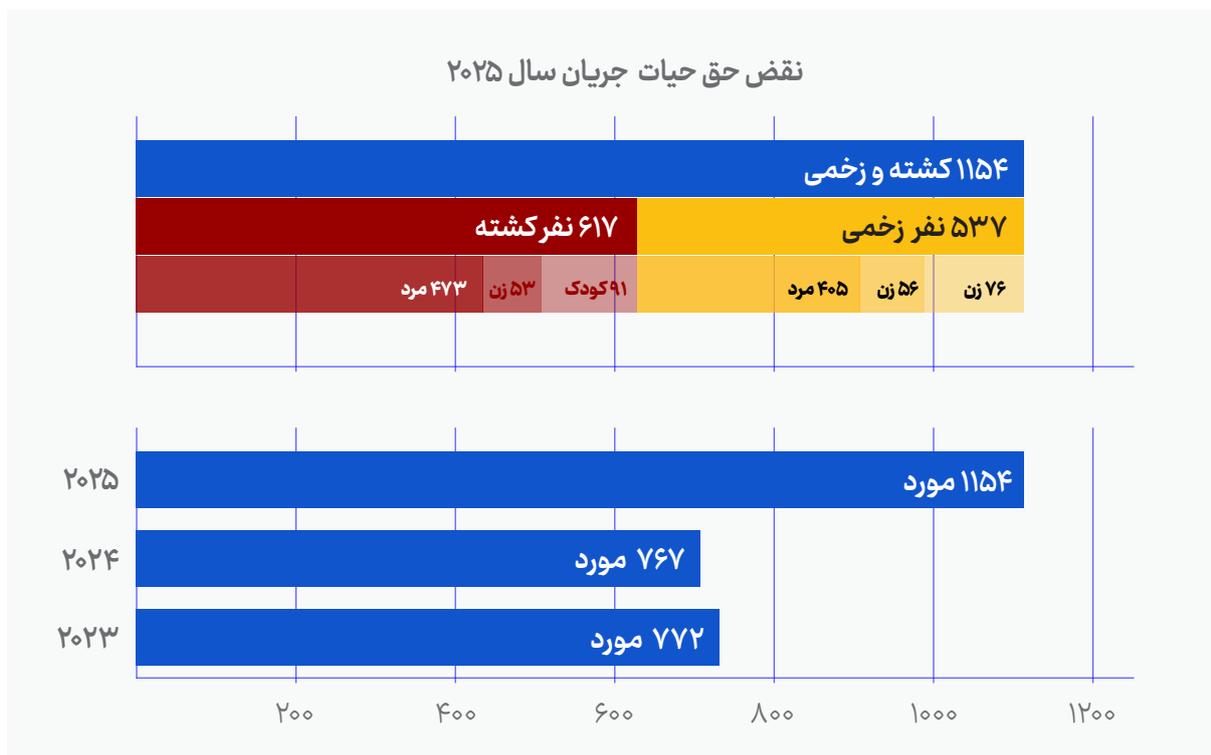
5 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲

6 . همان، ماده ۶.

7 . آمار قضایای نقض حق حیات مربوط به ولایت‌های هرات، نیمروز، بادغیس، غور، فراه، خوست، پکتیا، پکتیکا، کابل، پروان، پنجشیر، میدان وردک، کاپیسا، غزنی، بدخشان، تخار، فاریاب، سمنگان، بغلان، ننگرهار، کنر، نورستان، قندهار، ارزگان، زابل، هلمند، لوگر، بلخ و جوزجان می‌باشد.

8 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، مارچ ۲۰۲۵، ص ۷. https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/04/RW_Annual_Report_Human_Rights_Report_2025_Dari.pdf

9 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۳، مارچ ۲۰۲۴، ص ۴. https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/03/RW_Annual_Report_2023_Dari.pdf



۱ - تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی نیروهای نظامی پاکستان

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش میزان تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۲۵، تشدید منازعات مسلحانه میان نیروهای نظامی طالبان و نیروهای نظامی پاکستان و حملات هوایی این کشور بر بخش‌های از ولایت‌های قندهار، هلمند، پکتیا، پکتیکا و خوست بوده است.

اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد این که این حملات اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از جمله اصل تفکیک، اصل تناسب و اصل احتیاط را نقض کرده و منجر به تلفات گسترده غیر نظامیان به‌شمول کودکان و زنان و تخریب اماکن عمومی و منازل مسکونی شده است.

بر اساس یافته‌های این گزارش، در پی درگیری‌های مرزی و حملات هوایی نیروهای پاکستانی، دست‌کم ۳۲۴ فرد غیر نظامی در ولایت‌های قندهار، هلمند، پکتیا، پکتیکا و خوست کشته و زخمی شده‌اند. از این جمله به تعداد ۹۰ نفر شامل ۵۷ مرد، ۱۳ زن و ۲۰ کودک جان باخته و به تعداد ۲۳۴ نفر شامل ۱۷۷ مرد، ۳۵ زن و ۲۲ کودک زخمی شده‌اند.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرده است که در سه ماه پایانی سال ۲۰۲۵، ۷۰ مورد کشته و ۴۷۷ مورد زخمی شدن افراد غیرنظامی را که به نیروهای پاکستانی نسبت داده می‌شود، مستند کرده است.^{۱۰}

با این حال، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که در ماه‌های سپتامبر، اکتبر و دسامبر ۲۰۲۵، در نتیجه حملات هوایی نیروهای نظامی پاکستان بر ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار و مناطقی از ولایت هلمند، دست‌کم ۲۷۰ نفر کشته و زخمی شده‌اند که از این میان ۵۷ نفر کشته و ۲۱۳ تن دیگر زخمی شده است. هم‌چنین، در تاریخ ۲۷ آگست ۲۰۲۵ حوالی

10. هیأت معاونت سازمان ملل متحد، تلفات ملکی در امتداد سرحد در افغانستان، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۵، فبروری ۲۰۲۶، ص ۲.
<https://unama.unmissions.org/prs/document-library/tifat-mlky-dr-amtdad-srhd-dr-afghanistan-aktwbr-dsmbr-2025>

ساعت ۱۰ بجه قبل از ظهر، نیروهای نظامی پاکستان یک منزل مسکونی را در ولسوالی «سپیره» ولایت خوست هدف حمله هوایی قرار دادند که در نتیجهی آن ۷ عضو یک خانواده کشته و زخمی شدند. جان باختگان شامل ۳ کودک و زخمی‌ها شامل ۳ زن و ۱ مرد می‌باشند.

در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۵ نیروهای نظامی پاکستانی چهار حمله هوایی را در ولسوالی‌های برمل و ارگون ولایت پکتیکا انجام دادند که براساس اطلاعات بدست‌آمده، دست‌کم ۸ غیرنظامی به‌شمول ۳ بازیکن کریکت کشته و ۷ تن دیگر زخمی شدند. نخستین بمب در بازار ولسوالی ارگون فرود آمد و دومین حمله، یک منزل مسکونی را مورد هدف قرار داد. زمانی‌که باشندگان محل برای کمک‌رسانی به قربانیان تجمع کرده بودند، حمله سومی صورت گرفت که منجر به تلفات بیشتر گردید. با این وجود، مقامات پاکستان اعلام کردند که هدف این حملات جنگجویان تحریک طالبان پاکستان بوده که ۷۰ تن آن‌ها را در این حملات به قتل رسانده‌اند.

علاوه‌براین، در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۵ حوالی ساعت ۱۲ بجه شب، یک طیاره نظامی منتسب به نیروهای پاکستانی یک منزل مسکونی را در روستای «مغولگی» ولسوالی گریز ولایت خوست هدف بمباران قرار داد که در نتیجه تمامی اعضای این خانواده کشته شدند. در میان کشته‌شدگان، ۹ کودک و یک زن شامل بوده و ۳ عضو دیگر این خانواده زخمی شده‌اند. یک باشنده محل در توصیف این رویداد گفته است که:

«وقتی صدای انفجار را شنیدیم از دور ناله و فریاد کودکان به گوش می‌رسید. همه اهالی روستا در حالت سراسیمه‌گی و وحشت قرار داشتند. وقتی به محل رویداد رسیدیم خانه با خاک یکسان شده بود و در میان دود و باروت اجساد کشته‌شدگان به درستی قابل تفکیک نبودند.»

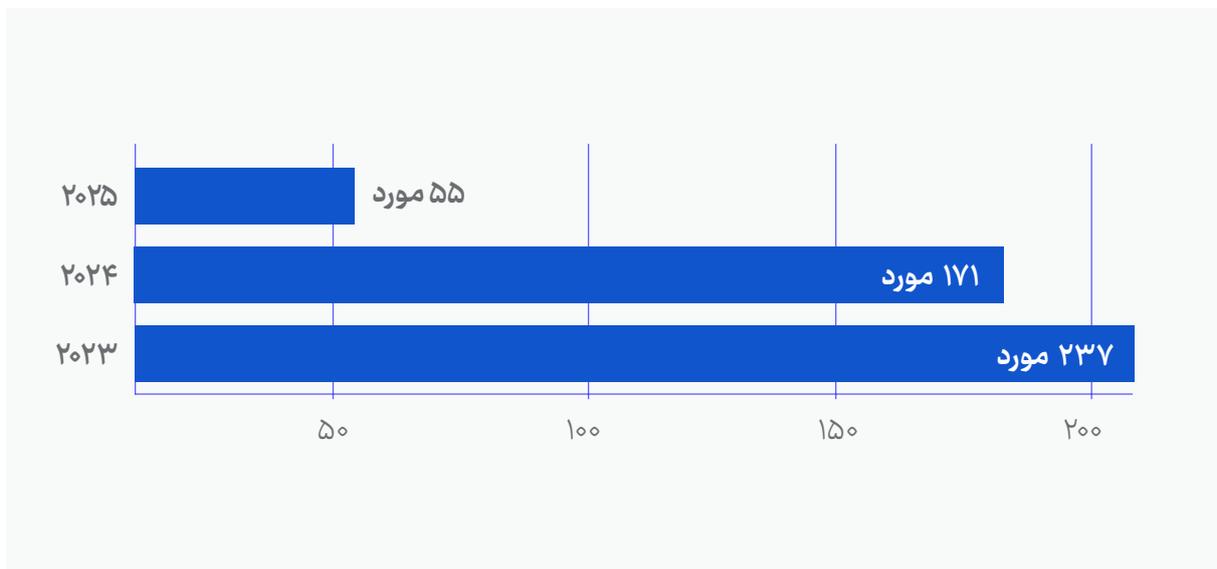


Photo (C) Aljazeera

۲. تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انفجاری و انتحاری

بنابر یافته‌های این گزارش، در سال ۲۰۲۵، حداقل ۵۵ تن در نتیجه حملات هدفمند انتحاری و انفجاری در ولایت‌های قندوز، بلخ، پکتیکا، کنر، ننگرهار و نورستان کشته و زخمی شده‌اند. از این میان، ۱۱ نفر جان باخته و ۴۴ تن دیگر زخمی شده‌اند. جان‌باختگان شامل ۱۰ مرد و ۱ زن هستند و تمامی ۴۴ زخمی مرد می‌باشند.

رواداری در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۷۱ مورد نقض حق حیات غیرنظامیان در اثر حملات هدفمند انتحاری و انفجاری را ثبت کرده بود.^{۱۱} مقایسه هر دو آمار نشان می‌دهد که میزان تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انتحاری و انفجاری حدود ۶۷.۸ درصد در این دوره گزارش‌دهی کاهش یافته است. هم‌چنین این آمار نسبت به داده‌های ثبت شده در سال ۲۰۲۳ که ۲۳۷ مورد بود چهار برابر کاهش را نشان می‌دهد.^{۱۲}



تمامی این حملات در شش ماه نخست سال ۲۰۲۵ رخ داده که منجر به تلفات غیر نظامیان در بخش‌های مختلف کشور شده است. به‌طور مثال، در تاریخ ۱۵ جنوری ۲۰۲۵، در اثر انفجار مواد منفجره جاسازی‌شده در یک کراچی دست‌فروشی ولایت بلخ، دست‌کم ۲ نفر از شهروندان غیر نظامی کشته و ۶ تن دیگر زخمی شدند. مسئولیت این انفجار را تا کنون هیچ‌کس یا گروهی بر عهده نگرفته است.

هم‌چنین، در تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۲۵، در نتیجه یک انفجار دیگر، در نزدیکی مسجد شیعیان در منطقه «سه دکان» شهر مزار شریف، حد اقل سه تن به‌شمول ۱ زن کشته و ۶ مرد دیگر زخمی شدند. مسئولیت این رویداد را نیز کسی یا گروهی بر عهده نگرفته است.

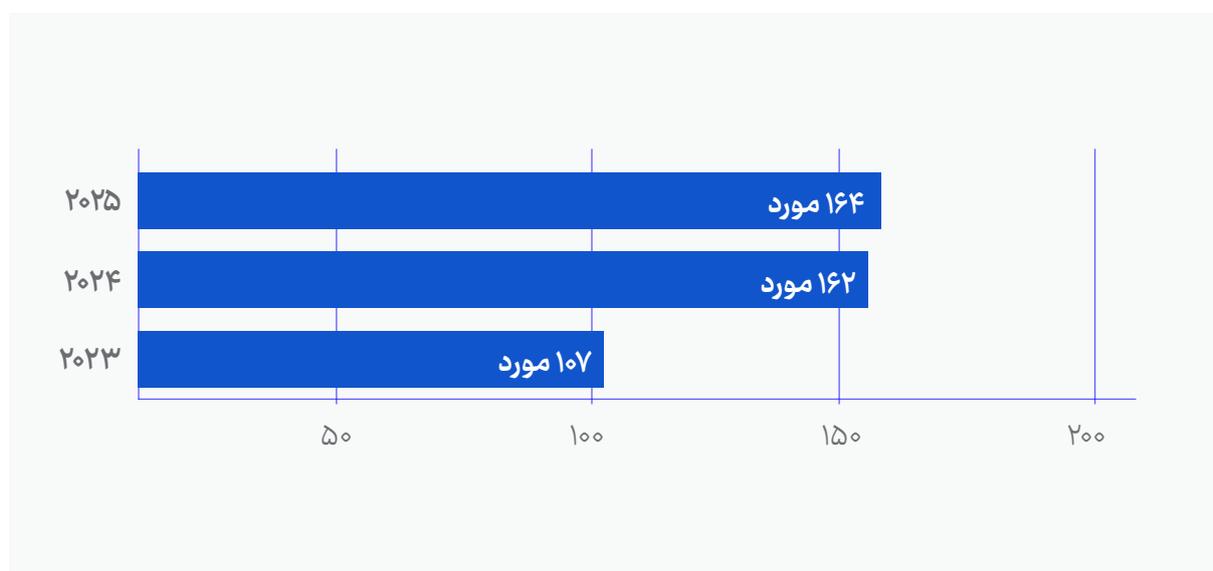
۱۱. رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۷.

۱۲. رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۳، ص ۵.

۳. تلفات غیر نظامی ناشی از انفجار ماین‌ها و مهمات منفجره ناشده

در جریان سال ۲۰۲۵ حداقل ۱۶۴ تن در نتیجه‌ی انفجار ماین‌های جاسازی‌شده، سرگلوله‌ها و دیگر مهمات به‌جا مانده از جنگ‌های گذشته، کشته و زخمی شده‌اند. از این جمله به تعداد ۷۹ نفر شامل ۳۰ مرد، ۶ زن و ۴۳ کودک کشته شده و ۸۵ نفر دیگر شامل ۴۷ کودک، ۳۲ مرد و ۶ زن زخمی شده‌اند. این آمار در مقایسه با سال ۲۰۲۴ که ۱۶۲ مورد بود^{۱۳}، ۱.۲ درصد افزایش یافته است. هم‌چنین این رقم در مقایسه با سال ۲۰۲۳ که ۱۰۷ مورد بود حدود ۵۳.۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد. رویدادهای ثبت شده، عمدتاً در روستاها و بخش‌های از کشور رخ داده است که قبلاً محل منازعات مسلحانه بوده است.

مقایسه آمار سه ساله در این بخش نشان می‌دهد که اقدامات مؤثر و کافی برای پاک‌سازی مناطق آلوده با ماین‌ها و مهمات منفجره ناشده صورت نگرفته و این تهدید هم‌چنان به‌طور جدی جان غیر نظامیان و به‌ویژه کودکان را در معرض خطر قرار می‌دهد.



در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵، یک مرد ۳۵ ساله باشنده ولسوالی شیندند ولایت هرات در نتیجه انفجار یک ماین به‌جا مانده از جنگ، جان باخت. همین‌طور، در ماه نوامبر ۲۰۲۵، در منطقه دره ولسوالی خاکریز ولایت قندهار، در پی برخورد یک موتر با ماین کارگذاری شده، ۲ مرد کشته و ۴ مرد دیگر زخمی شدند. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که این رویداد در یک مسیر تردد عمومی رخ داده است.

در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۲۵، در نتیجه انفجار یک ماین، در ولایت بدخشان ۲ تن کشته و ۷ تن دیگر زخمی شدند. بر اساس اعلامیه مطبوعاتی قوماندانی امنیه طالبان در این ولایت، قربانیان شامل مردان، زنان و کودکان هستند. افزون بر این، در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ در اثر انفجار یک سرگلوله در ولسوالی نهرشاهی ولایت بلخ، ۳ کودک جان باخت و دو کودک دیگر زخم برداشتند.

۱۳ . رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۸.

همین‌طور، در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۵ در نتیجه انفجار یک حلقه نارنجک در ولایت فراه، ۳ کودک کشته شدند. در یک رویداد دیگر در همین ولایت، در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۵ در اثر انفجار بر یک خانه مسکونی در ولسوالی بالابلوک پنج عضو یک خانواده شامل پدر و مادر و دو کودک کشته شدند.

در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵ یک سرگلوله هاوان در روستای شیر خانی ولسوالی چارچینو ولایت ارزگان منفجر شد که موجب کشته شدن سه برادر گردید. هم‌چنین در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۵ در پی انفجار یک بمب دستی در ولسوالی قره باغ ولایت غزنی، یک پسر نوجوان کشته شد. این رویداد در منطقه باران قلعه ولسوالی قریباغ رخ داده است.

افزون براین، در تاریخ ۲۳ آگست سال ۲۰۲۵ در اثر انفجار یک مرمی کهنه هاوان در روستای «لور خوات» از مربوطات ولسوالی چک ولایت میدان وردک، یک دانش‌آموز مکتب که ۱۵ سال عمر داشت کشته شد و چهار کودک دیگر بین سنین ۱۲ تا ۱۶ ساله زخمی شدند. این رویداد زمانی رخ داد که دانش‌آموزان مکتب با سرگلوله هاوان بازی می‌کردند.

موارد یاد شده نشان می‌دهد که آلودگی بخش‌های وسیع از کشور با ماین‌ها و مهمات منفجر نشده هم‌چنان به مثابه تهدید جدی برای امنیت و حیات غیر نظامیان و به‌ویژه کودکان به‌شمار می‌رود. بنیاد هلوترست (The HALOTRUST) در گزارشی گفته است که ۶.۴ میلیون نفر در افغانستان، در معرض خطر مهمات منفجر نشده هستند و کودکان ۸۰ درصد قربانیان و مجروحان این انفجارها را تشکیل می‌دهند.^{۱۴}

۴. قتل‌های هدفمند، مشکوک و فرا قضایی

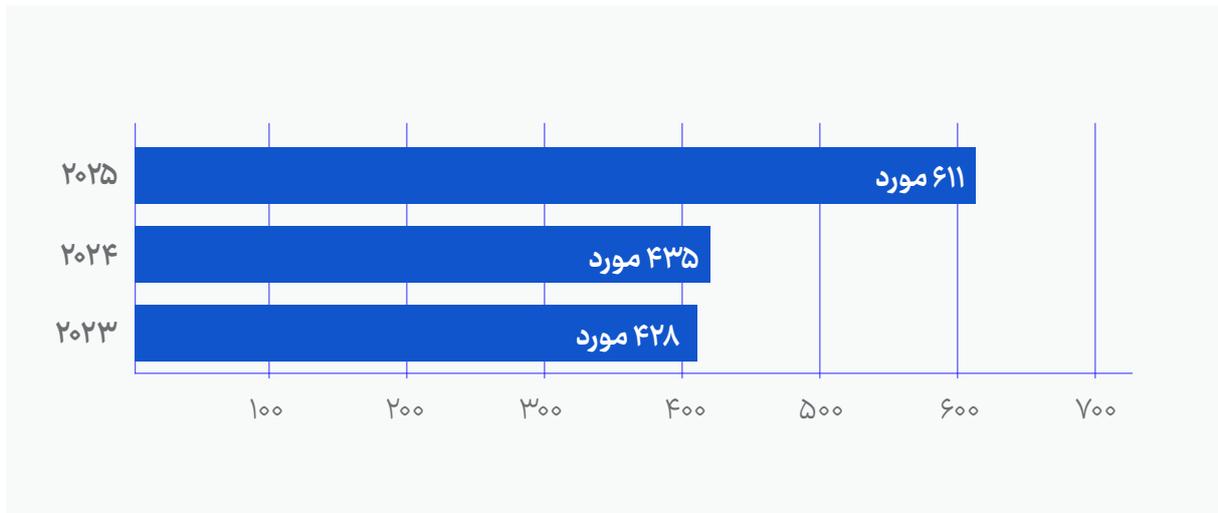
بر اساس داده‌های این گزارش، در جریان سال ۲۰۲۵ حداقل ۶۱۱ تن شامل ۵۲۸ مرد، ۴۸ زن و ۳۵ کودک به‌صورت هدفمند، مرموز و فرا قضایی توسط طالبان و افراد ناشناس کشته و زخمی شده‌اند. این آمار نسبت به سال ۲۰۲۴ که ۴۳۵ مورد بود،^{۱۵} حدود ۴۰.۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد. هم‌چنین رقم مذکور در مقایسه با داده‌های به ثبت رسیده در سال ۲۰۲۳ که ۴۲۸ مورد بود، حدود ۴۲.۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

بر بنیاد شواهد بدست‌آمده، افرادی که هدف قرار گرفته‌اند عمدتاً شامل کارمندان حکومت پیشین، متهمان به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف طالبان، معترضان، بزرگان قومی و متنفذان محلی بوده‌اند. شماری از افرادی که قبلاً با طالبان خصومت‌های شخصی داشته نیز مشمول قربانیان هستند.

روش‌های به‌کار گرفته شده برای قتل این افراد، شامل فیر مرمی، استفاده از سلاح سرد، سربریدن و به آتش کشیدن بوده است. هم‌چنین، شماری از آن‌ها قبل از به قتل رسیدن، اختطاف، بازداشت، تهدید یا مورد بازجویی قرار گرفته و برخی نیز پس از رهایی از بازداشت، به‌صورت مشکوک کشته شده‌اند.

14 . بنیاد هلوترست، «از هر پنج افغان یک نفر در معرض خطر مین‌های زمینی و مواد منفجره است»، ۱۰ جون ۲۰۲۵، <https://www.halotrust.org/news/one-in-five-afghans-at-risk-of-landmines-and-explosives/>

15 . رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۹.



افزایش قابل توجه آمار در این بخش در مقایسه با داده‌های ثبت شده در دو سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، نشان می‌دهد که گروه‌های مشخصی از شهروندان افغانستان از جمله کارمندان حکومت پیشین و سایر افراد منتقد یا مخالف، هم‌چنان به‌صورت هدفمند و با انگیزه‌ی انتقام‌جویانه در معرض قتل‌های مشکوک و فرا قضایی قرار دارند. با این وجود، تداوم مصونیت مرتکبان از پاسخگویی که در بخش‌های بعدی به تفصیل بررسی خواهد شد، خطر استمرار چنین اقداماتی را افزایش داده است.

محدودیت‌های مستندسازی قتل‌های فرا قضایی

قتل‌های هدفمند، مشکوک و فراقضایی از پیچیده‌ترین اشکال نقض حق حیات در افغانستان تحت کنترل طالبان به شمار می‌رود. پیچیدگی این موارد به دلیل نسبت دادن این قتل‌ها به افراد یا گروه‌های ناشناس از یک‌سو و تلاش‌های سیستماتیک مقامات حاکم برای پنهان سازی یا کتمان اطلاعات مرتبط با آن از سوی دیگر است.

شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که طالبان از طریق تهدید، ارباب و اعمال فشار، خانواده‌های قربانیان و سایر منابع محلی را از ارائه معلومات درباره چگونگی وقوع این رویدادها، منع می‌کنند. به همین دلیل مستندسازی قتل‌های فرا قضایی، به‌ویژه در شهرها و مراکز ولایات با دشواری‌های جدی مواجه بوده و در برخی موارد عملاً ناممکن شده است. در برخی روستاها و مناطق دور افتاده، هرچند سطح ترس و نظارت مستقیم، کمتر گزارش شده است اما دسترسی به قربانیان و شاهدان عینی به دلیل نبود خدمات خبراتی، محدودیت‌ها و موانع دیگر، با چالش‌های قابل توجهی مواجه است.

بر اساس یافته‌های گزارش حاضر، بستگان قربانیان و شاهدان عینی تحت نظر اداره استخبارات قرار داشته و به دلیل نگرانی از اقدامات تلافی‌جویانه از ارائه معلومات یا اظهار نظر درباره این رویدادها خودداری می‌کنند. علاوه بر این، رواداری در برخی از مناطق مواردی را مستند کرده است که نشان می‌دهد طالبان از این افراد خواسته‌اند یا به‌صورت کامل سکوت اختیار کنند یا روایت‌های تحریف‌شده و همسو با روایت آن‌ها را در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار بدهند.

از سوی دیگر، تهدید و اعمال فشار بر رسانه‌ها و خبرنگاران نیز برای خودداری از نشر چنین رویدادهایی ادامه دارد. به طور مثال

در تاریخ ۲۳ دسامبر، یک باشنده ولایت قندهار توسط افراد مسلح نا شناس سوار بر موتورسایکل به قتل رسید. تا زمان تهیه این گزارش کسی بازداشت نشده؛ اما نهادهای امنیتی طالبان ضمن تأیید این رویداد با یک رسانه محلی، تأکید کرده که این رسانه گزارش مرتبط با آن را با اصطلاحات گنگ و مبهم نشر نموده و از ارائه جزئیات دقیق خود داری کند.

در ماه‌های نخست بازگشت طالبان به قدرت، رسانه‌های محلی، فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر نقش مهمی در مستندسازی و بازتاب این رویدادها ایفا می‌کردند. اما در حال حاضر همان‌گونه که مطرح شد فضای فعالیت‌های رسانه‌ای و مدنی به طور چشمگیری محدود شده است.

افزون بر موارد یاد شده، در برخی از ولایت‌ها در قضایی که نشانه‌های قابل توجهی از دخالت نیروهای طالبان در این گونه قتل‌ها وجود داشته، اجساد قربانیان به شفاخانه‌های نظامی منتقل شده و طالبان با اتخاذ تدابیر شدید امنیتی، مانع دسترسی به معلومات مربوط به هویت قربانیان و چگونگی وقوع رویدادها شده‌اند. همین‌طور، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که سایر شفاخانه‌ها و مراکز صحتی نیز از انتشار یا ارائه معلومات به رسانه‌ها و خبرنگاران در خصوص هویت قربانیان یا جزئیات این رویدادها منع شده‌اند.^{۱۶} در حوزه جنوب غرب کشور، تعدادی زیادی از این قتل‌ها را شفاخانه‌ها ثبت نمی‌کنند. به دلیل همین محدودیت‌ها، رواداری در جریان سال ۲۰۲۵ در این حوزه نتوانسته است به شواهد کافی در مورد هویت دقیق شماری از قربانیان دست پیدا نموده و آن را به گونه کامل مستندسازی کند.

نکته قابل ذکر دیگر، شیوه‌های به کار گرفته شده در این‌گونه قتل‌ها می‌باشد. در سال‌های گذشته، افرادی که هدف قرار می‌گرفتند، در برخی موارد تنها زخمی می‌شدند یا از مرگ جان سالم بدر می‌بردند؛ اما در سال ۲۰۲۵ این قتل‌ها سازمان یافته‌تر و با شیوه‌های خشن‌تری انجام شده است. به‌طور مثال در حوزه جنوب غرب، مرتکبان ابتدا قربانیان را اختطاف نموده و سپس با به قتل رساندن آن‌ها اجسادشان را در جاهای دور انداخته‌اند. در مواردی، حتا قربانیان سر بریده شده و یا به آتش کشیده شده‌اند.

با این وجود در موارد مربوط به قتل کارمندان حکومت پیشین و افرادی که به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف متهم شده‌اند، شواهد معتبر حکایت از دست داشتن طالبان دارد. طالبان با استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های گوناگون و با انگیزه‌های انتقام‌جویانه این افراد را به قتل رسانده‌اند که در بخش‌های بعدی این گزارش به تفصیل بررسی خواهد شد.

اقدامات طالبان برای پیگرد مرتکبان قتل‌های هدفمند، مرموز و فرا قضایی

بر مبنای مفاد و مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله ماده ۲ و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها موظفاند که نه تنها از وقوع نقض حق حیات و قتل‌های خودسرانه افراد جلوگیری کنند بلکه موارد ارتکاب یافته را به صورت مؤثر، بی‌طرفانه و مستقل، تحقیق و عاملان آن را پاسخ‌گو سازند.^{۱۷} خودداری از چنین مسئولیتی، موجب نهادینه شدن فرهنگ مصونیت از مجازات و استمرار نقض حقوق بشر می‌گردد.

با این حال، طالبان به عنوان مقامات حاکم بر افغانستان که به لحاظ حقوقی مسئولیت حفاظت از شهروندان، تطبیق قانون و اجرای عدالت را دارند اما در چهار سال گذشته در مورد محاکمه و مجازات عاملان قتل‌های هدفمند، مشکوک و فرا قضایی اقدام شفافانه انجام نداده و به مردم در مورد اجراءات خود اطلاع‌رسانی نکرده‌اند. به همین دلیل، این پرونده‌ها بدون هرگونه رسیدگی قانونی باقی مانده است؛ امری که از یک سو به تداوم چرخه انتقام و خشونت‌های جاری منجر شده و از سوی دیگر، حق خانواده‌های قربانیان برای دسترسی به عدالت را نقض کرده است.

هم‌چنین، از میان ۶۱۱ مورد قتل هدفمند، مشکوک و فرا قضایی که در جریان سال ۲۰۲۵ ارتکاب یافته است، طالبان تنها ۴ تن را در ولایت‌های هلمند، قندهار بامیان و هرات دستگیر نموده که در مورد چگونگی محاکمه و مجازات این افراد معلوماتی در دست نیست.

طالبان قتل کارمندان حکومت پیشین، بزرگان قومی و مخالفان سیاسی و فکری خود را هم‌چنان به افراد مسلح ناشناس نسبت می‌دهند و پس از وقوع این رویدادها از پیگرد و مجازات عاملان سخن می‌گویند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که با گذشت زمان هیچ اقدامی در این زمینه صورت نمی‌گیرد و آن‌ها نه تنها تحقیقی انجام نمی‌دهند بلکه مانع هرگونه تحقیق، جمع‌آوری معلومات و تهیه گزارش توسط رسانه‌ها یا افراد دیگر نیز می‌شوند. هم‌چنین با شیوه‌های مختلف بر خانواده‌های قربانیان فشار وارد می‌کنند تا از هرگونه دادخواهی صرف نظر کنند.

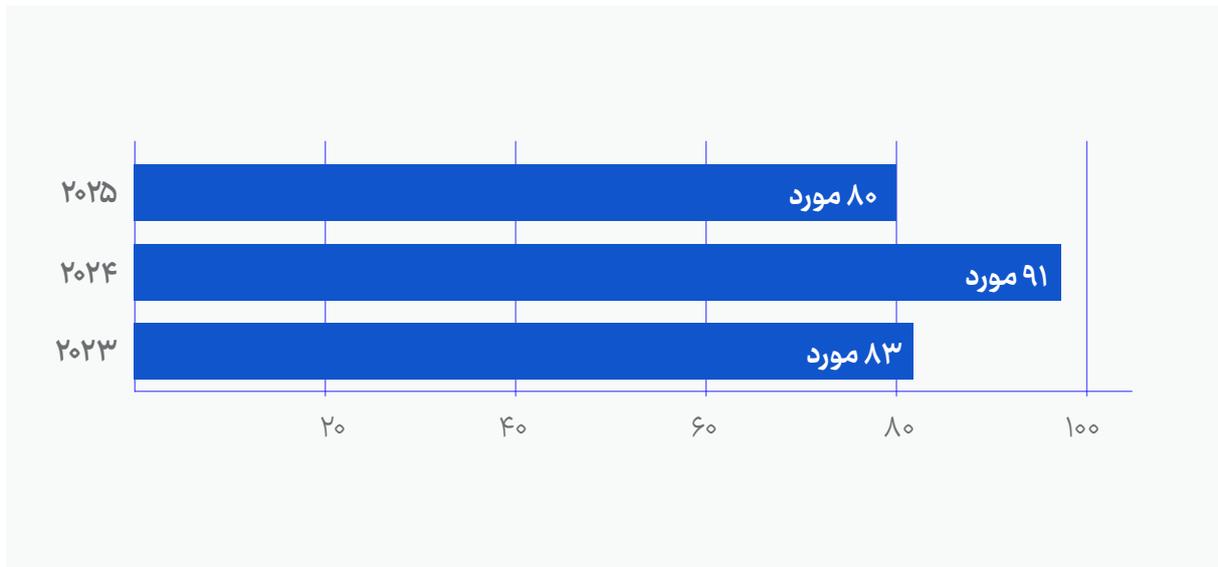
بر بنیاد یافته‌های این گزارش، شواهد معتبر درباره دست داشتن استخبارات طالبان در این گونه قتل‌ها وجود دارد و حتا در مواردی که کسانی به مستندسازی این رویدادها و تهیه معلومات اقدام نموده، بلافاصله از سوی طالبان بازداشت و زندانی شده‌اند. این در حالی است که آن‌ها در مورد رسیدگی به قتل‌های که در نتیجه خصومت‌های شخصی، منازعات خانوادگی یا منازعه بر سر زمین و موارد دیگر اتفاق می‌افتد، فوراً اقدام و رسیدگی می‌کنند.

عدم رسیدگی قانونی و مؤثر به این پرونده‌ها افزون بر آن که بیانگر عدم پابندی طالبان به انجام مسئولیت‌های حقوقی‌شان در زمینه تأمین امنیت و مصئونیت شهروندان است، هم‌چنین به تداوم معافیت از مجازات و استمرار فضای رعب و ترس نیز منجر شده است.

17. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲ و ۶.

الف- قتل سازمان یافته کارمندان حکومت پیشین

داده‌های این گزارش نشان می‌دهد که در جریان سال ۲۰۲۵ دست کم ۸۰ تن از کارمندان حکومت پیشین به صورت هدفمند، مشکوک و فرا قضایی کشته و زخمی شده‌اند. این رقم نسبت به اطلاعات ثبت شده در سال ۲۰۲۴ که ۹۱ مورد بود حدود ۱۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد. هم‌چنین آمار مذکور در مقایسه با سال ۲۰۲۳ که ۸۳ مورد ثبت شده بود، کاهش معادل ۳.۶ درصد را نشان می‌دهد.



همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، با توجه به محدودیت‌های فزاینده در زمینه دسترسی به اطلاعات، روند مستندسازی قتل‌های فرا قضایی، با چالش‌های جدی و قابل توجهی مواجه بوده است. از این رو کاهش آمار به ثبت رسیده در این بخش، الزاماً به معنای بهبود وضعیت یا کاهش واقعی قتل‌های فراقضایی کارمندان حکومت پیشین تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند بازتاب‌دهنده محدودیت‌های موجود در دسترسی به منابع، نبود نظارت مستقل، ترس از تلافی‌جویی و فشار بر شاهدان و خانواده‌های قربانیان باشد.

اطلاعات بدست‌آمده حاکی از آن است که طالبان و به‌ویژه اداره استخبارات آن‌ها با استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های گوناگون، کارمندان حکومت پیشین را هدف حملات انتقام‌جویانه قرار می‌دهند. به‌طور مثال، در ماه فبروری ۲۰۲۵ یک نظامی سابق در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار، پس از یک مشاجره لفظی با شلیک مرمی توسط طالبان به قتل رسید. نزدیکان این نظامی سابق به رواداری گفته‌اند که او شغل دکانداری داشت و پس از یک مشاجره لفظی با طالبان، کشته شد. اما طالبان با نشر اعلامیه‌ای در مورد این قضیه گفتند که یک سارق در درگیری با آن‌ها به قتل رسیده است.

هم‌چنین، در تاریخ ۲۱ آگست ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین در ولایت پکتیکا، در نزدیکی یک پوسته امنیتی طالبان با شلیک گلوله به قتل رسید. شاهدان عینی گفته‌اند که این فرد تنها نان‌آور خانواده خود بود که در بازار ولسوالی خیرکوت این ولایت، در برابر چشمان مادر و کودکانش کشته شد. عاملان این رویداد افراد مسلح سوار بر موتور سائیکل بودند که پس از تیراندازی، فرار کردند. هم‌چنین، افراد مسلح ناشناس در ۱۰ آگست ۲۰۲۵ یک نظامی سابق در مرکز ولایت خوست را به قتل رساندند. در مورد هویت و انگیزه عاملان این رویداد اطلاعی در دست نیست و طالبان نیز برای تعقیب و مجازات این افراد ناشناس تاکنون اقدامی نکرده‌اند.

در یک رویداد دیگر، در ۲۶ آگست ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین پس از بازگشت از ایران به افغانستان، در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر توسط افراد مسلح ناشناس کشته. او مدت چهار سال در صفوف نیروهای امنیتی حکومت پیشین خدمت کرده بود و پس از سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به ایران پناه برده بود. معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که یک برادر این نظامی پیشین نیز قبلاً توسط افراد مسلح ناشناس کشته شده بود.

هم‌زمان، در تاریخ ۲۵ آگست ۲۰۲۵ جسد یک کارمند پیشین امنیت ملی، پس از حدود چهار سال از داخل یک چاه در ولایت میدان وردک کشف شد. این فرد باشنده اصلی ولسوالی عنابه ولایت پنجشیر بود و در ماه آگست ۲۰۲۱ پس از اعلام همکاری با طالبان به میدان وردک رفته بود. بر اساس اطلاعات دریافتی، اعضای خانواده وی طی این مدت چندین بار برای دریافت معلومات در مورد سرنوشت او به طالبان مراجعه کرده بودند اما پاسخ روشنی دریافت نکرده بودند. با این حال، طالبان اعلام کرده که عامل این رویداد را بازداشت نموده‌اند؛ اما خانواده قربانی گفته که تا کنون هیچ معلوماتی در این مورد در اختیار آن‌ها قرار نگرفته است.

در تاریخ ۲۷ جولای، ۲۷ دسامبر و ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵ یک عضو پیشین شورای ولایتی و دو نظامی سابق در شهر میمنه، ولسوالی بلچراغ و ولسوالی خواجه سبزیوش ولایت فاریاب به قتل رسیدند. بر اساس معلومات بدست‌آمده، مقامات محلی برای شناسایی و پیگرد عاملان تا کنون اقدامی نکرده‌اند.

هم‌چنین، در ماه جولای ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین باشنده اصلی مرکز ولایت پنجشیر، در شهر کابل و در مقابل دروازه خانه اش هدف تیراندازی افراد مسلح ناشناس قرار گرفت و کشته شد. به گفته یکی از بستگان این نظامی پیشین، او با هیچ کس یا گروهی دشمنی نداشت. با این حال طالبان قبلاً چندین بار او را تهدید کرده و از وی سلاح خواسته بودند.

از سوی دیگر، یک سرباز اردوی ملی پیشین در منطقه کوز آسیاب ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار در ۱۵ آگست ۲۰۲۵ توسط افراد مسلح ناشناس با فیر مرمی کشته شد. او سرباز «قول اردوی ۲۰۵ اتل» بود و اخیراً به عنوان واکسیناتور کار می‌کرد. در مورد هویت و انگیزه عاملان این رویداد نیز اطلاعی در دست نیست. هم‌چنین، در تاریخ ۱۹ آگست ۲۰۲۵ یک نظامی سابق در روستای بدیع آباد ولایت لغمان از سوی افراد مسلح ناشناس مورد تیراندازی قرار گرفت و کشته شد. او در دولت جمهوری اسلامی افغانستان آمریک حوزة امنیتی در شهر لشکرگاه ولایت هلمند بود که پس از بازگشت طالبان به قدرت به عنوان نگهبان یک باغ در ولایت لغمان وظیفه اجرا می‌کرد.

افزون بر این، در ۱۹ دسامبر ۲۰۲۵ یک نظامی پیشین در ولایت بدخشان توسط افراد ناشناس سربریده شد. بر اساس معلومات بدست‌آمده از منابع محلی، این فرد باشنده اصلی شهر فیض آباد این ولایت بوده و در حکومت پیشین در بخش مبارزه با جرایم جنایی فعالیت می‌کرد. او در ماه‌های اخیر به تکسیرانی مشغول بود. طبق گزارش‌ها، این فرد ابتدا ناپدید شده و دو روز بعد جسدش در منطقه یفتل پائین با سر قطع شده از بدن، کشف شد.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان نیز در گزارشی اعلام کرده است که در فاصله زمانی ۱ اکتبر تا ۳۱ دسامبر حد اقل ۱۴ مورد قتل اعضای پیشین نیروهای امنیتی و دفاعی را ثبت کرده است.^{۱۸}

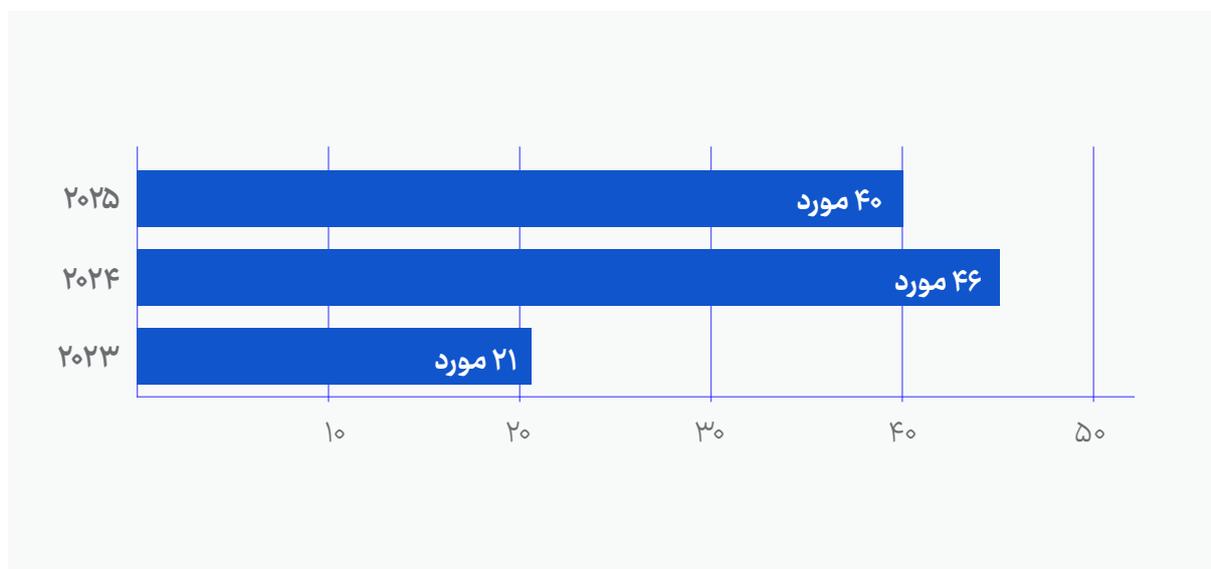
در ۲۶ آگست ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین پس از بازگشت از ایران به افغانستان، در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر توسط افراد مسلح ناشناس کشته شد. او مدت چهار سال در صفوف نیروهای امنیتی حکومت پیشین خدمت کرده بود و پس از سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به ایران پناه برده بود. معلومات بدست آمده نشان می دهد که یک برادر این نظامی پیشین نیز قبلاً توسط افراد مسلح ناشناس کشته شده بود.



مواردی که در این مبحث مطرح شد، نمونه‌هایی از قتل‌های فرا قضایی کارمندان حکومت پیشین است که دست‌کم دو ویژگی مشترک در تمامی آن‌ها قابل مشاهده می‌باشد؛ نخست قربانیان توسط افراد مسلح ناشناس هدف قرار گرفته‌اند؛ و دوم این که تا کنون اقدامی برای انجام تحقیقات مؤثر، شناسایی عاملان یا تعقیب و پیگرد عدلی آنان از سوی مقامات حاکم انجام نشده است. این دو ویژگی مشترک علاوه بر استمرار قتل‌های فرا قضایی کارمندان حکومت پیشین طی چهار سال گذشته، در واقع ماهیت سازمان‌یافتگی و هدفمند بودن حملات علیه این افراد را نشان می‌دهد که نگرانی‌های جدی را برانگیخته است.

ب- قتل فرا قضایی افراد غیر نظامی متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، طالبان در جریان سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۴۰ تن از افراد غیر نظامی را به اتهام همکاری و داشتن ارتباط با گروه‌های مخالف خود، به قتل رسانده‌اند. این آمار نسبت به داده‌های مربوط به سال ۲۰۲۴ که ۴۶ مورد بود حدود ۱۳ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین، آمار ثبت شده در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۲۱ مورد بود حدود ۹۰.۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.



مقایسه آمار سه سال گذشته حاکی از آن است که طالبان هم‌چنان مخالفان سیاسی و فکری خود را بدون توجه به اصول محاکمه عادلانه و سازوکارهای مؤثر پاسخگویی، هدف حملات انتقام جویانه قرار می‌دهند؛ وضعیتی که نگرانی‌های جدی را در خصوص عدم مسئولیت شهروندان و تداوم نقض حق حیات ایجاد می‌کند.

در ماه مارچ ۲۰۲۵، ماموران استخبارات طالبان یک باشنده ولسوالی انجیل ولایت هرات را به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف خود، بازداشت و پس از سه روز، جسدش را به خانواده وی تسلیم کردند. این فرد بعد از سقوط حکومت پیشین، به ایران رفته بود که ۱۰ روز بعد از بازگشت به زادگاهش، از سوی طالبان بازداشت و سپس به قتل رسید. هم‌چنین،

در تاریخ ۲۲ آگست ۲۰۲۵، یک باشنده دیگر ولایت هرات به اتهام عضویت در یک گروه مخالف از سوی طالبان بازداشت و سپس تیرباران شد. جسد این فرد در «دروازه قندهار» شهر هرات در منطقه ای پررفت و آمد بر روی لوله یک تانک کهنه آویزان گردید و بر اساس ویدیویی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده شماری از افراد طالبان با لگد به جسد این فرد می زدند.

یک عضو طالبان این رویداد را با ترور آمر حوزه دهم امنیتی این گروه در شهر هرات مرتبط می داند. زیرا مسئولیت آن ترور را گروهی به نام «نهیض آزادی بخش اسلامی مردم افغانستان» بر عهده گرفته بود و ادعا شده است که فرد کشته شده با این گروه ارتباط داشته است. بر اساس گزارش ها، نوشته ای با مضمون «مرگ بر گروه نهیض آزادی بخش» بر پشت جسد نصب شده بود. با این وجود، فرماندهی پولیس طالبان در هرات در پیامی اعلام کرده بود که این فرد به دزدی متهم بوده و در جریان یک عملیات نظامی بازداشت و کشته شده است.

در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵، یک تن از باشندگان ولایت پنجشیر به اتهام همکاری با «جبهه مقاومت ملی» توسط طالبان تیرباران شد. منابع نزدیک به این فرد گفته اند که او به دهقانی و مالدار مشغول بود و هیچ گونه ارتباطی با هیچ گروه سیاسی و نظامی نداشت. معلومات بدست آمده نشان می دهد که طالبان حتا اجازه برگزاری مراسم جنازه و فاتحه را ندادند و پیکر او توسط چند تن از اقارب نزدیک اش به خاک سپرده شد.

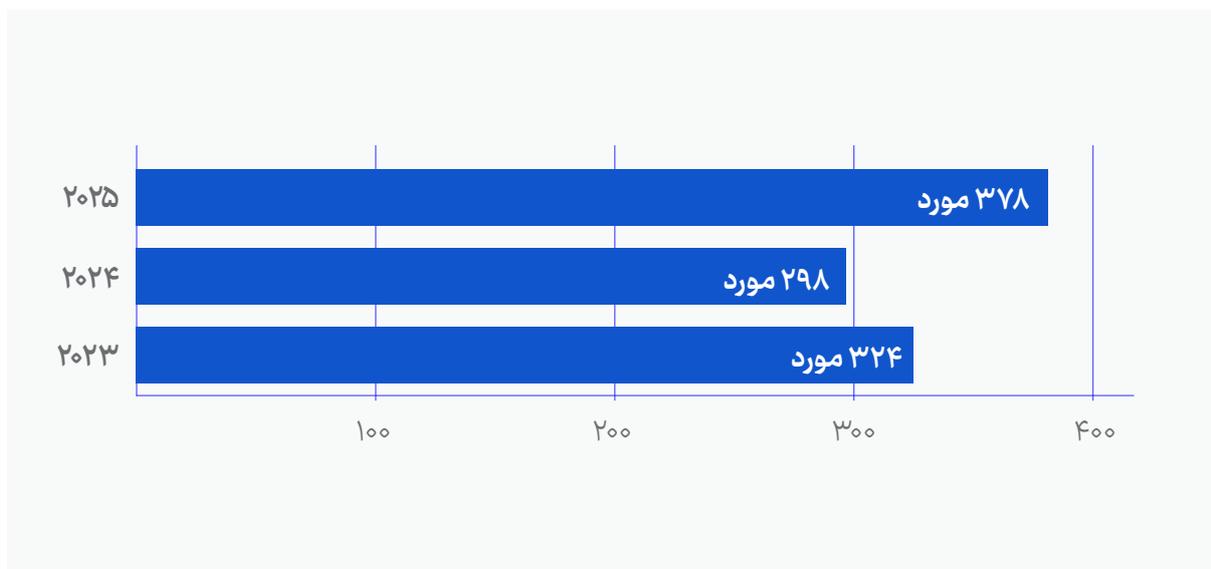
هم چنین، در تاریخ ۲۶ جون ۲۰۲۵، دو تن از کارمندان حکومت پیشین در مربوطات ولسوالی بازارک ولایت پنجشیر به اتهام عضویت در یکی از جبهات مخالف طالبان (روند سبز) بازداشت و به زندان منتقل شدند. این افراد به مدت یک هفته در بازداشت بسر می بردند. سر انجام در تاریخ ۵ جولای ۲۰۲۵ طالبان آنان را در ولسوالی رخه، در حالی که دستان شان بسته بوده، تیرباران کردند.

ج- قتل های مرموز و فرا قضایی سایر شهروندان غیر نظامی

در این دوره گزارش دهی، دست کم ۳۷۸ تن از شهروندان غیر نظامی عمدتاً شامل فعالان مدنی، خبرنگاران، معترضان، حامیان و طرفداران حکومت پیشین، بزرگان قومی و علمای دینی به صورت مشکوک و فرا قضایی توسط طالبان و افراد مسلح ناشناس کشته و زخمی شده اند. از این میان به تعداد ۲۵۷ نفر شامل ۲۱۷ مرد، ۲۴ زن و ۱۹ کودک کشته شده و ۱۲۱ نفر دیگر شامل ۱۰۷ مرد، ۷ زن و ۶ کودک زخمی شده اند. هم چنین، این آمار شامل قتل ۳۹ تن از معترضان نیز می شود که در بخش مربوطه توضیح داده خواهد شد. کودکانی که در این بخش شامل آمار شده، هدف حملات مستقیم نبوده بلکه در جریان حملات هدفمند یا عملیات علیه اعضای خانواده های شان کشته شده اند.

در سال ۲۰۲۴ به تعداد ۲۹۸ تن از افراد مربوط به گروه های یاد شده در رویدادهای مشابه کشته و زخمی شده بودند.^{۱۹} بنابراین، مقایسه هر دو آمار نشان می دهد که در این دوره گزارش دهی، تعداد سایر افراد غیر نظامی که به طور فرا قضایی و مشکوک به قتل رسیده اند ۲۶.۸ درصد افزایش یافته است. هم چنین این آمار در مقایسه با اطلاعات ثبت شده در سال ۲۰۲۳ که ۳۲۴ مورد بود، ۱۶.۶ درصد افزایش را نشان می دهد.

۱۹. رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال ۲۰۲۴، ص ۱۱.



افزایش قابل توجه آمار نقض حق حیات در این بخش در مقایسه با سال های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، نشان می‌دهد که خشونت‌های هدفمند علیه غیر نظامیان، به‌ویژه چهره‌های با نفوذ محلی و بزرگان قومی و مذهبی هم‌چنان ادامه دارد. بر بنیاد یافته‌های این گزارش انتقام‌جویی، عدم پاسخ‌گویی و استمرار مسئولیت مرتکبان از مجازات از مهم‌ترین عوامل افزایش چنین مواردی می‌باشد. زیرا طالبان نه برای شناسایی و مجازات این افراد اقدامی می‌کنند و نه درباره هویت آن‌ها به خانواده‌های قربانیان و مردم گزارش می‌دهند.

به‌طور مثال، در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵ یک خبرنگار و فعال مدنی باشنده ولسوالی سید کرم ولایت پکتیا، توسط افراد ناشناس به قتل رسید. بر اساس اظهارات منابع نزدیک به این فرد، او شب هنگام پس از دریافت یک تماس تلفنی از خانه خارج شده و صبح روز بعد جسدش در یک ساختمان مخروبه در نزدیکی خانه اش پیدا شد. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که آثار شکنجه بر بدن قربانی وجود داشته و تا زمان تهیه این گزارش، درباره انجام تحقیقات یا شناسایی و پیگرد عاملان قتل، معلوماتی از سوی مقامات حاکم منتشر نشده است.

در یک رویداد مشابه در ولایت بدخشان، یک فعال مدنی و عضو جامعه اسماعیلیه نیمه‌شب داخل خانه‌اش توسط افراد مسلح ناشناس کشته شد. او قنسول بنیاد انکشافی آقا خان رهبر مذهبی شیعیان اسماعیلی در ولایت بدخشان بود. معلومات نشان می‌دهد که طالبان این فرد را چند روز قبل پس از آن که او در یک سخنرانی عمومی از اعمال محدودیت بر آزادی مذهبی اسماعیلیان انتقاد نموده بود، وی را تهدید کرده بودند.

علاوه بر این، در ۲۳ جولای ۲۰۲۵ یک تن از بزرگان محلی و از فرماندهان جهادی در ولایت هرات، توسط افراد مسلح ناشناس در روستای قفسلان ولسوالی انجیل کشته شد. در مورد عاملان این رویداد نیز معلوماتی وجود ندارد.

از سوی دیگر، در ماه آگست سال ۲۰۲۵ یک تاجر در ولایت قندهار، توسط افراد ناشناس با ضرب چاقو به قتل رسید. بر اساس اطلاعات موجود، او از قراردادی‌های «قطعه ۰۳» و یک قول اردوی مربوط به حکومت پیشین در این ولایت بوده است. تا کنون در مورد هویت یا انگیزه عاملان این رویداد، معلوماتی در دست نیست. اعضای خانواده فرد مذکور نیز از هرگونه اظهار نظر یا ارائه معلومات خود داری می‌کنند.

بر بنیاد اطلاعات بدست آمده، در مواردی که شواهدی روشن مبنی بر دخالت مستقیم افراد طالبان در چنین قتل‌هایی مطرح است، نیز اقدامات مؤثری برای تعقیب عدلی، محاکمه یا مجازات عاملان صورت نمی‌گیرد. به طور مثال،

در ۲۰ آگست ۲۰۲۵ یک باشنده ولایت خوست توسط افراد طالبان در ملا عام هدف تیراندازی قرار گرفت و به قتل رسید. یک تن از شاهدان عینی گفته است که: «ما در حال خریداری مواد غذایی بودیم که افراد مسلح طالبان این مرد را تیرباران کردند و سپس بدون هیچ‌گونه نگرانی محل را ترک نمودند.» معلومات نشان می‌دهد که پس از وقوع این رویداد، طالبان بزرگان محلی را به خانه قربانی فرستاده تا عاملان قتل را عفو کنند. هم‌زمان، گزارش‌ها حاکی از آن است که بر اعضای این خانواده فشار وارد شده است تا موضوع را رسانه‌ای نکرده و آن را از طریق مکانیسم‌های غیررسمی حل و فصل کنند. با این وجود، در حالی که هویت عاملان کاملاً مشخص است، اما مسئولان محلی به جای محاکمه و مجازات آن‌ها به میانجی‌گری محلی متوسل شده‌اند.

در یک رویداد مشابه در تاریخ ۲۱ آگست ۲۰۲۵ برادرزاده والی اسبق طالبان در خوست، یک مرد را که چاپ‌خانه داشت حوالی شام در پارک ببرک خان به قتل رساند. او سپس بدون هیچ مانعی محل را ترک نموده و بعداً اعلام کرد که سهواً بر این فرد تیراندازی کرده است. بر اساس معلومات بدست آمده، مرتکب این قتل به خانواده قربانی مبلغ دو صد هزار افغانی فرستاده تا این موضوع را فراموش نموده و او را عفو کند.

ناپدید سازی اجباری

ناپدیدسازی اجباری، به بازداشت، توقیف، اختطاف یا هرگونه محروم‌سازی افراد از آزادی توسط مأموران دولت یا اشخاص یا گروه‌هایی گفته می‌شود که با رضایت، حمایت یا سکوت دولت صورت می‌گیرد. ویژگی اصلی این عمل خودداری عمدی از اطلاع‌رسانی درباره دلایل بازداشت، سرنوشت و محل نگهداری قربانیان می‌باشد.^{۲۰} با این وجود، تحقق ناپدیدسازی اجباری، تابع مدت زمان مشخص نیست، بلکه از زمان ربودن یا بازداشت آغاز می‌شود و تا زمانی که سرنوشت و محل نگهداری فرد ناپدیدشده مشخص نشود و او هم‌چنان خارج از حمایت‌های قانونی قرار داشته باشد، ادامه پیدا می‌کند.^{۲۱} اساسنامه دادگاه جزایی بین‌المللی ناپدید کردن اجباری افراد را در زمره شدیدترین نقض حقوق بشر و به عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته است.^{۲۲}

با این حال، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در جریان سال ۲۰۲۵ حداقل ۶۶ تن در ۱۲ ولایت افغانستان^{۲۳} پس از بازداشت توسط طالبان و افراد ناشناس ناپدید شده‌اند. این آمار در مقایسه با سال ۲۰۲۴ که ۵۱ مورد بود^{۲۴}، حدود ۲۹.۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد. هم‌چنین، مقایسه آمار ناپدیدسازی اجباری مربوط به این دوره گزارش دهی نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۳۰ مورد بود بیش از ۲ برابر افزایش را نشان می‌دهد.

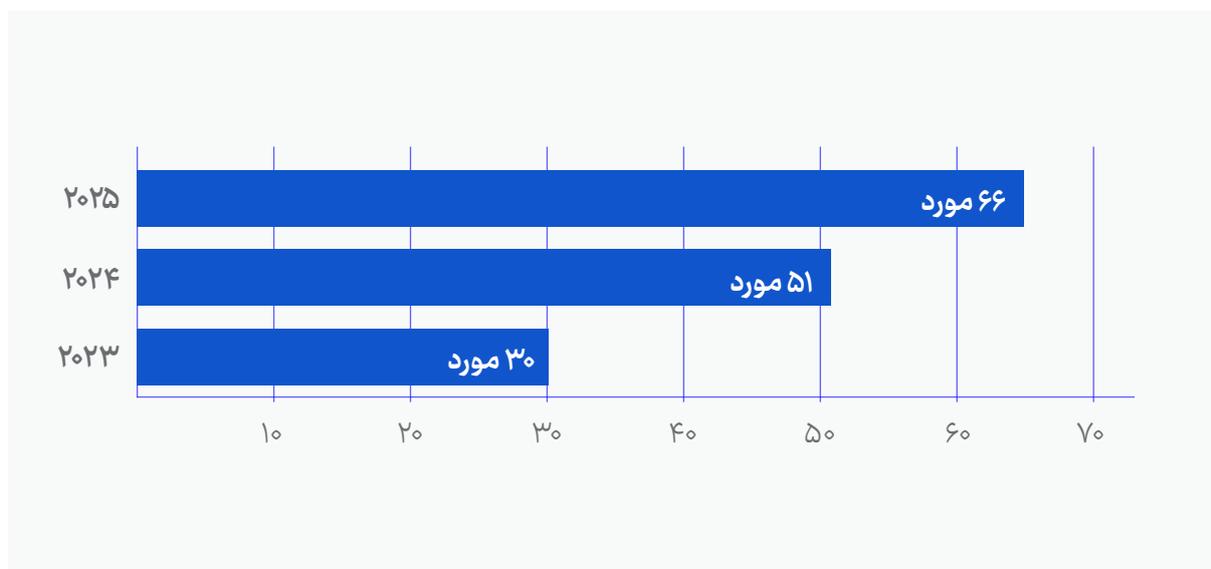
20 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری، (۲۰ دسامبر، ۲۰۰۶)، قطع‌نامه، ۱۷۷/۶۱ ماده ۲.

21 . شورای حقوق بشر، گروه کاری ناپدیدسازی‌های اجباری یا غیرارادی، گزارش شانزدهمین نشست، A/HRC/16/48، جنوری ۲۰۱۱، تفسیر عمومی بند ۱.

22 . اساسنامه رم، دادگاه جزایی بین‌المللی، (۱۷ جولای ۱۹۸۸)، UNTS 90 2187، ماده ۷، (۱)، (۲).

23 . غزنی، هرات، نیمروز، غور، بدخشان، قندهار، فراه، میدان وردک، بامیان، هلمند، بلخ و تخار.

24 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۱۲.



قربانیان موارد مستند شده ناپدیدسازی اجباری، عمدتاً شامل کارمندان حکومت پیشین، افراد متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف و نیز برخی بزرگان قومی یا مذهبی بوده‌اند. اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که این افراد پس از بازداشت، از دسترسی به تضمین‌های بنیادین محاکمه عادلانه از جمله حق دسترسی به وکیل مدافع، امکان ارتباط با خانواده و سایر حمایت‌های قانونی محروم بوده‌اند. با این وصف، طالبان به صورت عمدی از اطلاع‌رسانی در مورد محل نگهداری و سرنوشت این افراد خودداری کرده و در برخی موارد، آن‌گونه که شواهد نشان می‌دهد، بازداشت‌شدگان در نتیجه شکنجه شدید جان باخته و سپس اجسادشان شناسایی شده است.

بر اساس یافته‌های این گزارش، اداره استخبارات طالبان در موارد متعدد از ناپدیدسازی اجباری به عنوان ابزاری برای انتقام‌جویی، سرکوب و حتا حذف فیزیکی مخالفان، منتقدان و کارمندان حکومت پیشین استفاده کرده است. این افراد پس از بازداشت، از حقوق اساسی خود به‌ویژه حق اطلاع‌رسانی فوری به خانواده درباره محل نگهداری محروم شده و عملاً خارج از حمایت‌های قانونی قرار گرفته است. در برخی موارد، قربانیان پس از مدتی ناپدید شدن، جسدشان شناسایی یا به خانواده‌های شان تحویل داده شده است. به‌طور مثال،

در تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۲۵ یک کارمند پیشین امنیت ملی در ولسوالی الله یار ولایت غور، توسط اداره استخبارات طالبان بازداشت شد. بر اساس یافته‌های این گزارش، او توسط «قطعه کوهستانات» استخبارات بازداشت شده بود که دو روز بعد جسد وی با جسد یک فرد دیگر که هویت‌اش تاکنون مشخص نشده است، در روستای «سفید رخنه» این ولسوالی پیدا شد.

قابل یادآوری است که این نظامی سابق پیش‌تر نیز دو بار توسط اداره استخبارات بازداشت شده بود؛ بار اول پس از تحویل یک میل سلاح آزاد شد و بار دوم پس از سپری کردن شش ماه حبس که از سوی دادگاه نظامی طالبان صادر شده بود، رها گردید. او دانش‌آموخته رشته اقتصاد از کشور هندوستان بود و پیش از سقوط نظام جمهوری در اداره امنیت ملی کار می‌کرد.

در یک رویداد دیگر، در ماه نوامبر ۲۰۲۵ یک نظامی پیشین از ولسوالی لعل و سر جنگل ولایت غور ناپدید شد. او قبلاً به عنوان کارمند اداره پیشین امنیت ملی در کابل وظیفه داشت. بر اساس اظهارات یکی از بستگان وی، افراد مسلح که خود را وابسته به طالبان معرفی کرده‌اند، شب‌هنگام به زور او را از خانه‌اش با خود برده‌اند. افراد مسلح از او خواسته که برای پاسخ به چند پرسش باید همراه آنان برود. از آن زمان تا کنون هیچ اطلاعی درباره سرنوشت یا محل نگهداری او در دست نیست. این منبع هم‌چنین اظهار داشته است که خانواده و بستگان فرد مذکور بارها به اداره محلی طالبان مراجعه کرده‌اند اما آن‌ها از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

با این وجود، تا هنوز هیچ سند رسمی از بازداشت، محل نگهداری یا وضعیت این نظامی پیشین ارائه نشده است و مطابق با معلومات بدست‌آمده، او قبلاً نیز تحت نظر اداره استخبارات بوده و چندین بار به این نهاد احضار شده بود.

همین‌طور، جسد یک نظامی پیشین از ولسوالی اندر ولایت غزنی در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۵ در مربوطات ولسوالی دهیک این ولایت پیدا شد. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که او ده روز قبل از این رویداد، ناپدید شده بود اما اداره محلی طالبان اعلام کرده است این فرد به دلیل داشتن رابطه نامشروع به قتل رسیده و جسدش به آتش کشیده شده است. با این حال، تا کنون اطلاعی مبنی بر بازداشت یا محاکمه عاملان این رویداد منتشر نشده و منابع محلی ضمن رد این ادعا، گفته‌اند که عامل ناپدیدسازی اجباری و قتل این نظامی پیشین خود طالبان می‌باشند.

در تاریخ ۱۶ آگست ۲۰۲۵ طالبان یک باشنده ولایت هلمند را بازداشت و سپس ناپدید کردند. اعضای خانواده این فرد به رغم مراجعه مکرر به مقامات محلی تا یک هفته در مورد سرنوشت و محل نگهداری او اطلاعی نداشتند. بعداً مشخص گردید که فرد مذکور به اتهام داشتن رابطه خانوادگی با یک فرمانده پیشین پولیس در دوره جمهوریت در این ولایت، توسط طالبان بازداشت شده است. او در نهایت با ضمانت رها گردید؛ اما معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که هنوز تحت فشار و نظارت طالبان قرار دارند.

در یک مورد دیگر، یک نظامی پیشین که به تازگی از ایران به افغانستان اخراج شده بود در تاریخ ۲ دسامبر ۲۰۲۵ توسط اداره استخبارات در مرز اسلام قلعه بازداشت و متعاقباً ناپدید شد. از آن زمان تا حالا هیچ‌گونه اطلاعات رسمی درباره محل نگهداری یا سرنوشت وی در دسترس قرار نگرفته است.

مواردی نیز وجود دارد که اداره استخبارات طالبان از ناپدیدسازی اجباری به عنوان ابزار فشار و کسب منفعت مالی استفاده کرده‌اند. چنان‌که در این باره یک نظامی پیشین گفته است که پس‌روی پس از چهار ماه ناپدید بودن، در یک نظارت خانه استخبارات طالبان در کابل پیدا شد. طالبان بعداً مبلغ ۶ هزار دالر امریکایی از او مطالبه کرده بودند تا پسرش را زنده رها کنند.

افزون بر موارد یاد شده، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که شماری از نیروهای طالبان به صورت خودسرانه اقدام به بازداشت، ناپدیدسازی و شکنجه افراد کرده‌اند. وضعیتی که بیانگر وجود رفتارهای فراقانونی، فقدان نظارت مؤثر بر عملکرد نهادهای تحت کنترل طالبان و عدم پاسخگویی می‌باشد.

هم‌زمان، یک نظامی پیشین در ولسوالی ورس ولایت بامیان توسط طالبان بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شده است. بر اساس اطلاعات مستند شده، او حوالی ساعت ۱۰ صبح روز ۲۳ نوامبر ۲۰۲۵ در یکی از هتل‌های بازار این ولسوالی توسط چند تن از سربازان طالبان بازداشت شد. خانواده این نظامی پیشین بارها به ادارات مربوطه طالبان در ولایت بامیان مراجعه نموده؛ اما تا کنون هیچ‌گونه اطلاعات رسمی درباره وضعیت و محل نگهداری او بدست نیاورده‌اند. این فرد پس از سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان به ایران رفته و اخیراً به افغانستان بازگشته بود.

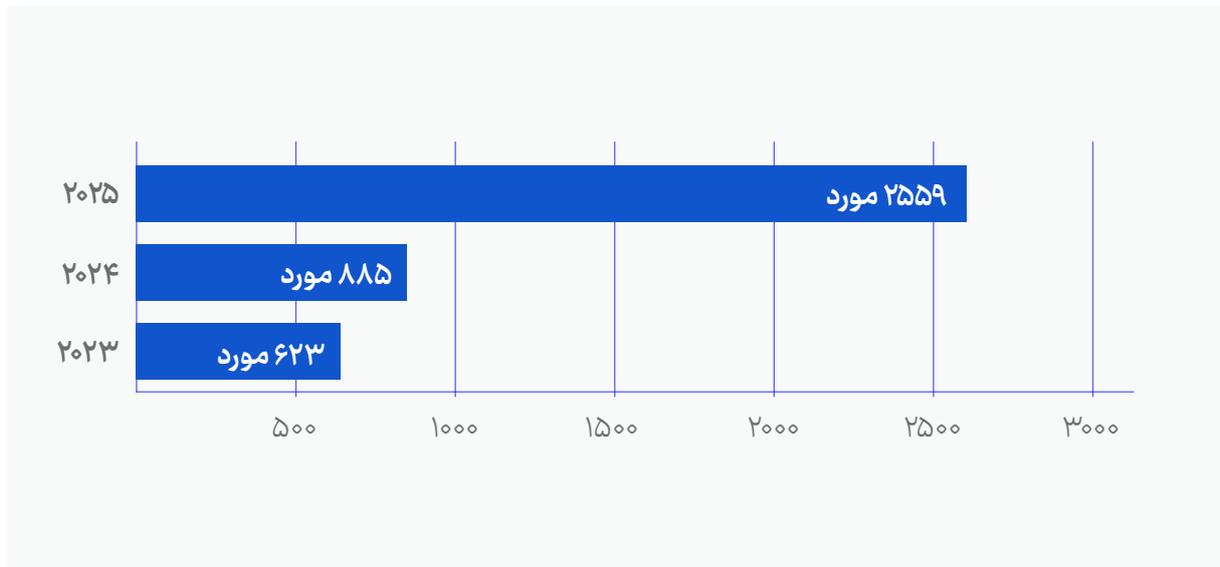
در ۱۸ دسامبر ۲۰۲۵ سه نظامی پیشین که به تازگی از ایران به کشور بازگشته بودند، از یک هتل در میدان شهر، مرکز ولایت میدان وردک، توسط افراد ناشناس بازداشت و ناپدید شدند. از زمان وقوع این رویداد تا هنگام نوشتن این گزارش، درباره سرنوشت و محل نگهداری این افراد هیچ‌گونه اطلاعات رسمی منتشر نشده است. منابع محلی گفته‌اند که این افراد با جبهه مقاومت ملی ارتباط داشتند و بازداشت شان نیز در پیوند با همین مسأله صورت گرفته است.



بازداشت خودسرانه و غیرقانونی

به موجب ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر فرد حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ‌کس نباید به‌طور خود سرانه بازداشت یا دستگیر شود. سلب آزادی تنها در مواردی مجاز است که بر اساس قانون و در چارچوب اصول محاکمه عادلانه صورت گیرد.^{۲۵} بنابراین، هرگونه بازداشت بدون حکم معتبر قضایی یا عدم رعایت تضمین‌های بنیادین محاکمه عادلانه می‌تواند مصداق نقض حق آزادی و امنیت شخصی تلقی شود.

با این حال، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که طی سال ۲۰۲۵، دست کم ۲۵۵۹ نفر به‌صورت خودسرانه و غیرقانونی بازداشت و زندانی شده‌اند. رواداری در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۸۸۵ مورد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی را ثبت نموده بود.^{۲۶} مقایسه هردو آمار نشان می‌دهد که میزان بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی در این دوره گزارش دهی دو برابر افزایش یافته است. همین‌طور، مقایسه داده‌های مربوط به سال ۲۰۲۵ با سال ۲۰۲۳ که ۶۲۳ مورد بود، حاکی از افزایش ۴ برابری می‌باشد.



بر بنیاد شواهد و اطلاعات بدست‌آمده، اجرای «قانون امر به معروف و نهی از منکر» و به‌ویژه اعطای اختیارات گسترده به ماموران امر به معروف در زمینه سلب آزادی و بازداشت خودسرانه‌ی شهروندان اعم از زنان و مردان چنان‌که در بخش‌های بعدی این گزارش توضیح داده خواهد شد، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش آمار در این بخش می‌باشد. افزون بر این، اقدامات انتقام‌جویانه علیه مخالفان و منتقدان، سرکوب گسترده فعالیت‌های مدنی، عدم رعایت اصول بنیادین محاکمه عادلانه و تداوم رفتارهای فرا قانونی از دیگر عوامل افزایش موارد بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی در این دوره گزارش دهی به شمار می‌رود.

افزایش قابل توجه آمار در این بخش، نگرانی‌های جدی را در خصوص حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان ایجاد کرده است. با این حال، اطلاعات مندرج در گزارش حاضر لزوماً بازتاب‌دهنده آمار واقعی بازداشت‌های خود سرانه و غیرقانونی

25 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹.

26 . رواداری، وضعیت حقوق بشر در سال ۲۰۲۴، ص ۱۴.

نیست؛ زیرا به دلیل محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان و نیز عدم دسترسی به محلات سلب آزادی تحت کنترل آن‌ها امکان مستندسازی موارد بیشتر فراهم نبوده است.

کارمندان حکومت پیشین و اعضای خانواده‌های آنان، افراد متهم به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف نظامی و سیاسی، فعالان مدنی و خبرنگاران، کاربران شبکه‌های اجتماعی، علمای دینی، بزرگان قومی، معترضان و شهروندان عادی از جمله گروه‌های بوده‌اند که در جریان سال ۲۰۲۵ توسط طالبان به صورت خودسرانه بازداشت و زندانی شده‌اند.

اتهامات مطرح شده علیه مردان عمدتاً حمل سلاح، همکاری با گروه‌های مخالف نظامی و سیاسی، انتقاد یا تبلیغات علیه طالبان، سرپیچی از مقررات اداره امر به معروف در مورد اندازه ریش و موی سر، شنیدن موسیقی، عدم حضور در نماز جماعت، صحبت با زنان، فروش اموال به زنان در فروشگاه‌ها، و برگزاری گردهمایی‌ها و تجمعات اعتراضی بوده است. هم‌چنین، اتهامات مطرح شده علیه زنان عمدتاً سرپیچی از مقررات مربوط به محرم شرعی، نحوه پوشش و حضور در اماکن عمومی بوده است.

عاملان بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، بیش‌ترین موارد بازداشت‌های خودسرانه در این دوره گزارش دهی، توسط دو اداره امر به معروف و استخبارات صورت گرفته است. نیروهای استخبارات عمدتاً کارمندان حکومت پیشین، مخالفان و معترضان، علمای دینی، خبرنگاران، فعالان مدنی و کاربران شبکه‌های اجتماعی را بدون ارائه هرگونه اسناد رسمی، اعلام اتهام یا رعایت موازین حقوق بشر و اصول محاکمه عادلانه، بازداشت و زندانی کرده‌اند. این افراد در مدت بازداشت از حقوق اساسی خود از جمله حق اطلاع فوری از دلایل اتهام، دسترسی به وکیل مدافع و امکان ارتباط با خانواده محروم شده‌اند. همین‌طور، مواردی نیز مستند شده است که شماری از افراد پس از سپری کردن مدت حبس تعیین شده، از شش ماه تا ۲ سال هم‌چنان در بازداشت باقی‌مانده و آزاد نشده‌اند.

اداره امر به معروف نیز بدون رعایت موازین و اصول پیش‌گفته، شهروندان را به دلیل عدم تبعیت از مقررات سخت‌گیرانه این نهاد به‌طور گسترده بازداشت کرده است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که پس از انتشار قانون امر به معروف، موارد بازداشت زنان در اماکن عمومی از جمله رستوران‌ها، وسایط حمل و نقل عمومی، شفاخانه‌ها، فروشگاه‌ها و شهرها در بخش‌های مختلف کشور، افزایش یافته است. این زنان با توجه به نوع اتهامات مطرح شده بر اساس قانون امر به معروف، بدون دسترسی به حقوق اساسی خود از چند ساعت تا چندین ماه را در بازداشت سپری کرده‌اند.

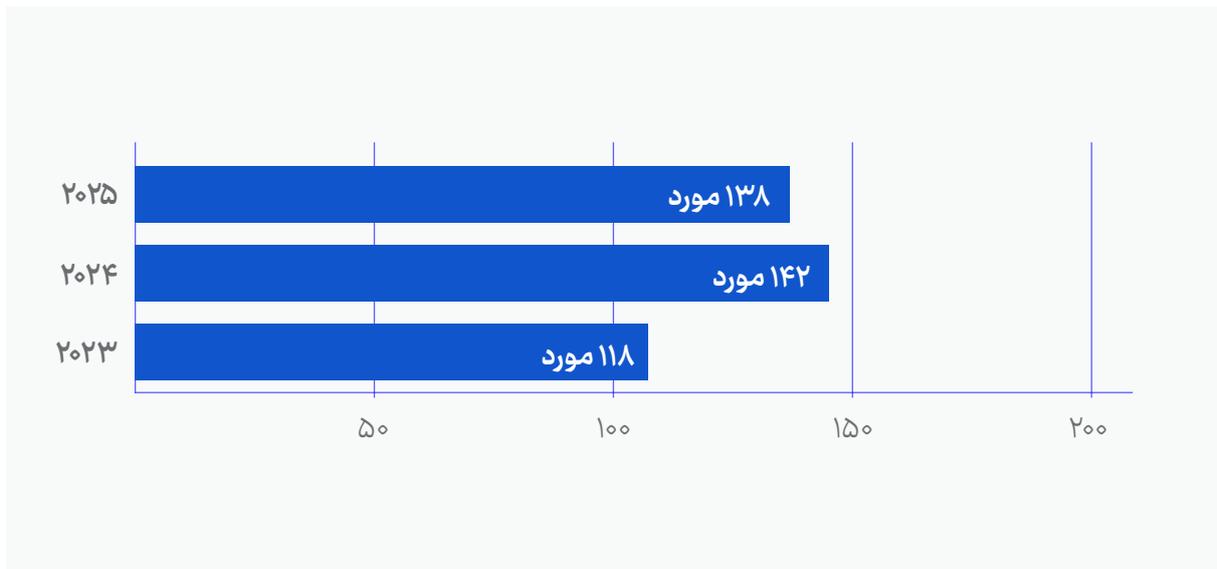
افزون بر این، برخی دیگر از نهادها و مسئولان محلی از جمله قوماندانی‌های امنیه، والی‌ها، ولسوال‌ها و مسئولان ادارات نیز، در مواردی به صورت خودسرانه حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان را نقض کرده و آنان را در بازداشتگاه‌های غیر رسمی نگهداری کرده‌اند. به‌طور مثال، مسئول اداره محلی زراعت طالبان در یکی از ولسوالی‌های حوزه جنوب غرب کشور، یک‌شخص را به دلیل عدم پرداخت اجاره زمین، به مدت ده روز در دفتر کاری خود زندانی کرده بود. این موارد نشان می‌دهد که در نبود نظارت و پاسخگویی مؤثر برخی مسئولان در سطوح مختلف اداری می‌تواند افراد را به صورت خودسرانه و خارج از فرایندهای قانونی بازداشت و زندانی کنند.

بی‌قانونی و وجود فساد از دیگر عوامل مؤثر بر افزایش بازداشت‌های خود سرانه و غیر قانونی به شمار می‌رود. چنانکه یک مصاحبه‌شونده گفته است:

«در ماه جولای ۲۰۲۵ زمانی که به سمت محل کار خود می‌رفتم، از سوی اداره کشف پولیس سرحدی تماس دریافت کردم تا به آن اداره مراجعه کنم. وقتی آن‌جا رسیدم تلفن‌هایم را ضبط کردند و بدون ارائه هیچ توضیحی مرا در یک کانتینر انداختند که حدود یک هفته در همان‌جا بودم. وقتی می‌پرسیدم دلیل بازداشت‌ام چیست، پاسخ می‌دادند که تحقیقات جریان دارد و باید منتظر باشی. بعد از حدود یک و نیم هفته، کسی آمد و به من گفت آزاد استی و ما تو را اشتباهی بازداشت کرده بودیم.»

الف- بازداشت خودسرانه کارمندان حکومت پیشین

بنابر یافته‌های این گزارش، در سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۱۳۸ تن از کارمندان حکومت پیشین اعم از ملکی و نظامی عمدتاً توسط اداره استخبارات طالبان به صورت غیر قانونی بازداشت و زندانی شده‌اند. مقایسه این آمار با سال ۲۰۲۴ که ۱۴۲ مورد ثبت شده بود، حدود ۲.۸ درصد کاهش را نشان می‌دهد. همین‌طور این آمار در مقایسه با سال ۲۰۲۳ که ۱۱۸ مورد بود حدود ۱۶.۹ درصد افزایش یافته است.



در تاریخ اول سپتامبر ۲۰۲۵، طالبان یک نظامی پیشین را در ولسوالی خواجه عمری ولایت غزنی بازداشت و به مدت سه شب زندانی کردند. بر اساس اطلاعات بدست‌آمده، از او خواسته شده بود تا سلاح‌های مربوط به دور جمهوریت را تحویل داده یا معادل نقدی آن را پرداخت کند. این فرد پیش‌تر نیز توسط طالبان بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفته بود که سرانجام با ضمانت رها گردید. با این حال، او مؤظف شده هر زمانی که از سوی طالبان احضار شد باید در فرماندهی امنیه حضور یابد.

هم‌چنین، در تاریخ ۹ و ۱۰ نوامبر ۲۰۲۵، دو نظامی پیشین دیگر از ولسوالی‌های جاغوری و آب بند ولایت غزنی بازداشت شدند. شواهد نشان می‌دهد که طالبان از هر دو نفر خواسته‌اند سلاح‌ها و مهمات مربوط به حکومت پیشین را به آن‌ها تحویل بدهند. این افراد هم‌چنان در زندان بسر می‌برند. اتهام داشتن سلاح از رویه‌های معمول برای تحت فشار قرار

دادن کارمندان حکومت پیشین از سوی طالبان در چهار سال گذشته بوده است. چنانکه این افراد ضمن تحمل بازداشت و بدرفتاری‌های خودسرانه، در موارد بسیاری مجبور شده‌اند که قیمت سلاح مطالبه شده طالبان را نیز پرداخت کنند.

در تاریخ ۳ آگست ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین در ولسوالی خواجه دو کوه و در تاریخ ۱۷ نوامبر یک نظامی پیشین در شهر شبرغان ولایت جوزجان بازداشت شدند. افراد مذکور تا زمان نوشتن این گزارش، هم‌چنان در بازداشت بوده‌اند.

در تاریخ ۲۶ سپتامبر و ۳ اکتبر ۲۰۲۵ یک نظامی سابق و یک عضو پیشین شورای ولایتی در ولایت فاریاب، توسط طالبان بازداشت شدند. همین‌طور در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵ طالبان یک نظامی سابق در ولایت بامیان را بازداشت کردند. طالبان اتهام این فرد را دزدی اعلام کرده، اما شماری از باشندگان محل اتهام وارده را نادرست خوانده و آن را تلاشی برای توجیه بازداشت و اعمال فشار بر کارمندان حکومت پیشین می‌دانند. بر اساس اطلاعات موجود، این فرد پس از سقوط نظام جمهوری به فعالیت‌های کشاورزی و دهقانی مشغول بوده است.

افزون براین، رواداری در سال ۲۰۲۵، مواردی را مستند کرده است که نشان می‌دهد بازداشت‌ها در برخی موارد فراتر از کارمندان حکومت پیشین رفته و اعضای خانواده آنان را نیز هدف گرفته‌اند.

به‌طور مثال، در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، ماموران اداره استخبارات طالبان پدر یک نظامی پیشین را در ولسوالی کجران ولایت دایکندی بازداشت کردند. این مرد ۷۰ ساله به مدت هفت روز در بازداشت نگهداری شده و بنابر اطلاعات بدست‌آمده، طی این مدت مورد شکنجه نیز قرار گرفته است. طالبان از او ۱۲ میل سلاح خواسته‌اند.

در یک رویداد دیگر، در ماه نوامبر ۲۰۲۵ اداره استخبارات طالبان در ولایت ارزگان بر خانه یک فرمانده پیشین پولیس این ولایت در دوره جمهوریت که پیش‌تر کشته شده بود، حمله نموده و سه پسر وی را به اتهام نگهداری سلاح بازداشت کردند. این افراد پس از سه روز بدون طرح اتهام رسمی، آزاد و بی‌گناه اعلام شدند.

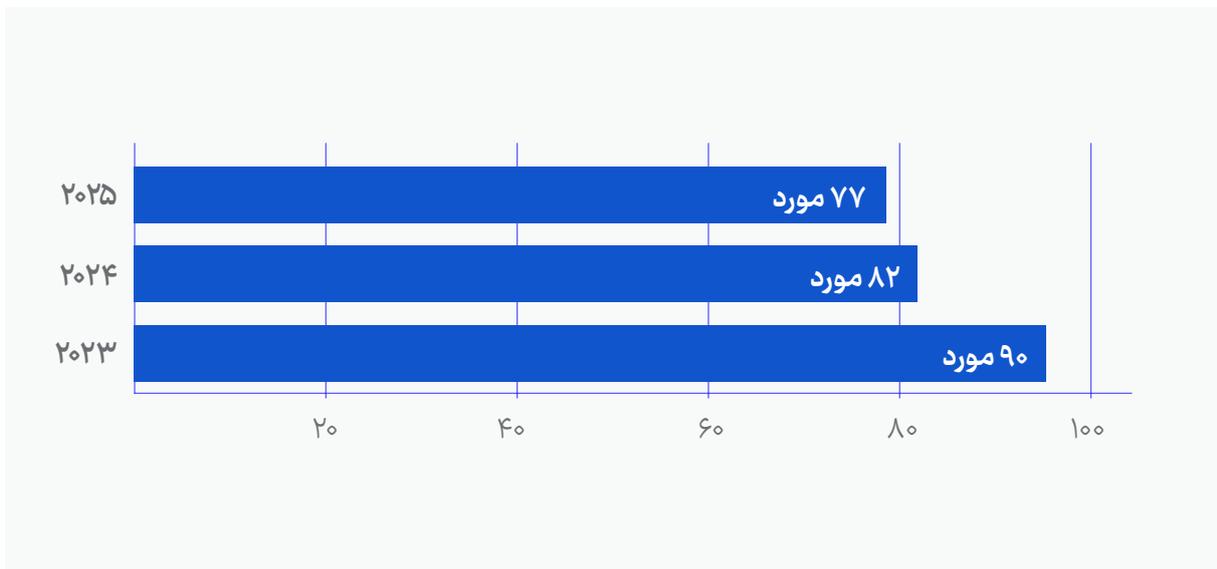
هم‌زمان، در ماه آگست ۲۰۲۵ طالبان در حوزه جنوب غرب بر خانه یک مقام محلی حکومت پیشین حمله نموده و موتر شخصی او را با خود بردند. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که برادر این مقام محلی حکومت پیشین نیز در زمان حمله مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. او بعداً برای باز پس‌گیری موتر، به فرماندهی امنیه رفته بود، اما به گفته خودش توسط طالبان بازداشت و مورد لت و کوب قرار گرفت. او در اظهارات خود به رواداری گفته است: «وقتی برای گرفتن موتر برادرم رفتم، یکی از افراد طالبان دستم را گرفت، مرا در یک کانتینر انداخت و گفت شما برادر کارمند کافر حکومت جمهوریت هستید. سپس شروع به لت و کوب من کردند. بعد از چند روز آزاد شدم اما صدایم را کسی نشنید.»

در یک رویداد مشابه دیگر، گروهی از طالبان مسلح بر خانه یک نظامی پیشین در ولایت پکتیکا حمله نموده و برادر وی را شدیداً لت و کوب کرده‌اند. این رویداد در روستای «سگانی» ولسوالی خیرکوت رخ داده است.

ب- بازداشت خودسرانه فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، طالبان در سال ۲۰۲۵ حداقل ۷۷ تن از فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر به شمول ۷ زن را به طور خودسرانه بازداشت و زندانی کرده‌اند. اتهامات مطرح شده علیه این افراد عمدتاً شامل برگزاری کورس‌های آموزشی برای زنان و دختران، تبلیغ علیه طالبان و انتقاد از سیاست‌های این گروه در مورد حقوق زنان و مسایل دیگر بوده است.

رواداری در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۸۲ مورد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و خبرنگاران را ثبت کرده بود. مقایسه آمار مذکور نشان می‌دهد که میزان بازداشت خودسرانه و غیرقانونی فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و خبرنگاران در سال ۲۰۲۵، حدود ۶ درصد کاهش یافته است. همین‌طور این آمار نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۹۰ مورد بود ۱۴ درصد کاهش را نشان می‌دهد.



در این دوره گزارش دهی، بیش‌ترین موارد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی فعالان مدنی، خبرنگاران و مدافعان حقوق بشر توسط اداره استخبارات طالبان انجام شده است. اطلاعات نشان می‌دهد که این افراد عمدتاً به دلیل اعتراض مسالمت‌آمیز و انتقاد از سیاست‌های طالبان به خصوص در ارتباط با محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق و آزادی‌های اساسی زنان، بازداشت و زندانی شده‌اند. افراد بازداشت شده، بدون توجه به موازین محاکمه عادلانه از جمله تفهیم اتهام، ارجاع رسمی پرونده‌ها به مراجع ذیصلاح و طی مراحل قضایی، زندانی شده‌اند.

با این حال، اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که طالبان از بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی، به عنوان ابزاری برای محدودسازی و سرکوب صداهای منتقد و مخالف استفاده نموده و هرگونه اعتراض به سیاست‌های خود را در هر سطح و اندازه‌ای که بوده با توسل به زور و شیوه‌های خشونت‌آمیز پاسخ داده‌اند. در این میان، اداره استخبارات طالبان به طور مستمر فعالیت خبرنگاران، فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و حتا کاربران شبکه‌های اجتماعی را تحت نظارت قرار داده‌اند که در مواردی به بازداشت، احضار یا سایر اشکال فشار و ارباب انجامیده است.

رواداری در سال ۲۰۲۵ موارد متعددی را مستند کرده است که در آن افراد صرفاً به دلیل انتشار یادداشت‌های انتقادی در شبکه‌های اجتماعی، بازداشت و زندانی شده‌اند. به طور مثال در تاریخ ۴ آگست ۲۰۲۵ مسئول یک خبرگزاری در ولایت هرات توسط طالبان بازداشت شد. اتهام وارد شده علیه این فرد نشر گزارش‌های جنایی بدون تأیید قبلی از ادارات ذیربط طالبان خوانده شده است. همین‌طور، در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵ یک زن از ولایت هرات به اتهام فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری، توسط ماموران اداره امر به معروف بازداشت شد. این فرد پس از چند ساعت و با ارائه ضمانت از سوی خانواده‌اش مبنی بر ادامه ندادن فعالیت‌های قبلی آزاد گردید.

در یک مورد دیگر، در تاریخ ۲۵ جون ۲۰۲۵ ماموران اداره استخبارات طالبان یک فعال مدنی مرد و استاد دانشگاه در ولایت بامیان را بازداشت کردند. دلیل بازداشت وی نشر مطالب انتقادی در شبکه‌های اجتماعی و اعتراض به وضعیت موجود عنوان شده است. او در صفحه فیس‌بوک خود نسبت به وضعیت حقوق بشری زنان و محرومیت آنان از حق آموزش انتقاد کرده بود. این فعال مدنی پس از ۱۲ روز، با ضمانت بزرگان محل از بازداشتگاه طالبان آزاد شد.

هم‌چنین، نیروهای استخبارات، یک فعال شبکه‌های اجتماعی در ولایت خوست را بازداشت کردند. منابع نزدیک به این فرد گفته است که دلیل بازداشت وی انتقاد از طالبان در شبکه‌های اجتماعی بوده است. او قبل از این نیز چندین بار به دلیل نشر مطالب انتقادی، از سوی مسئولان محلی طالبان احضار شده بود.

در ۱۵ اپریل ۲۰۲۵، طالبان مدیر مسئول یک رسانه محلی در ولایت غزنی را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» بازداشت و به سه ماه مجازات حبس محکوم کردند. او در تاریخ ۳ جولای از زندان رها شد و بر اساس معلومات بدست‌آمده، دلیل بازداشت وی اعتراض به مشکلات موجود و انتقاد از سیاست‌های طالبان در شبکه‌های اجتماعی بوده است.

هم‌زمان، طالبان در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵ یک باشنده ولسوالی شهدای ولایت بدخشان را به دلیل نشر یک پست فیس‌بوکی بازداشت کردند. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که این فرد از آن زمان تا حالا که نزدیک به شش ماه می‌شود در بازداشت به سر می‌برد. در یک مورد دیگر، در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵ ماموران اداره استخبارات یک فعال مدنی از شهر فیض‌آباد این ولایت را به دلیل نشر مطالب انتقادی درباره طالبان در شبکه‌های اجتماعی، بازداشت و به مدت یک ماه زندانی کردند.

افزون بر موارد یاد شده، رواداری موارد متعددی از بازداشت فعالان حقوق بشر به خاطر ارائه برنامه‌های آموزشی به زنان و دختران را نیز مستند کرده است که در بخش‌های بعدی گزارش به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

ج- بازداشت خودسرانه افراد به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان

طالبان در این دوره گزارش‌دهی حداقل ۱۹۲ تن را به اتهام همکاری و داشتن ارتباط با گروه‌های مخالف نظامی و سیاسی خود بازداشت و زندانی کرده‌اند. این آمار نسبت به سال ۲۰۲۴ که ۲۸۲ مورد ثبت شده بود، حدود ۳۱.۹ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، داده‌های مربوط به این دوره گزارش‌دهی در مقایسه با سال ۲۰۲۳ که ۱۲۴ مورد بود حدود ۵۴.۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد.



افراد یاد شده به صورت مشخص به اتهام عضویت یا همکاری با جبهه مقاومت ملی، جبهه آزادی و نیز عضویت در حزب التحریر توسط اداره استخبارات و پولیس طالبان بازداشت گردیده اند. در میان این افراد، دست‌کم یک زن نیز حضور دارد که به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان بازداشت شده است.

شواهد و اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که در روند بازداشت و نگهداری این افراد، معیارها و موازین محاکمه عادلانه از جمله دسترسی به وکیل مدافع و رسیدگی قضایی به دوسیه‌ها در مدت معقول، رعایت نشده است. به طور مثال، شماری از مخالفان سیاسی و فکری طالبان در ولایت‌های قندهار، هلمند، پکتیا، پکتیکا و خوست از مدت ۶ ماه تا ۲ سال به این سو بدون آن‌که پرونده‌های شان به دادگاه ارسال شده باشد، در بازداشت به سر می‌برند.

در ماه آگست ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین توسط ماموران اداره استخبارات در ولایت هلمند به اتهام داشتن ارتباط با گروه‌های مخالف طالبان بازداشت شد. معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که این فرد در جریان بازداشت در معرض شکنجه و سایر اشکال بدرفتاری گرفته است.

در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۲۵، یک باشنده ولایت هرات به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان، توسط ماموران اداره استخبارات بازداشت و زندانی شد. او در تاریخ ۳ نوامبر با ارائه ضمانت معتبر از زندان آزاد گردید. بر بنیاد اطلاعات بدست‌آمده، این فرد در دوران بازداشت به شدت مورد لت و کوب قرار گرفته است. همچنین،

در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین زن در ولایت هرات، به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان، توسط اداره استخبارات بازداشت شد. او پس از ۱۰ روز به دلیل عدم اثبات اتهام، از زندان زنانه مرکز ولایت آزاد گردید.

در یک رویداد دیگر، در تاریخ ۵ نوامبر ۲۰۲۵، یک افسر پیشین اردوی ملی به اتهام همکاری با گروه‌های مخالف طالبان توسط نیروهای وزارت دفاع این گروه از ولسوالی کرخ ولایت هرات گرفتار شد. او سپس به قول اردوی «الفاروق» منتقل گردید اما در مورد وضعیت فعلی وی اطلاعی در دسترس نیست.

موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که برخی از این افراد در حالی که مدت تعیین شده محکومیت خود را سپری کرده‌اند، اما همچنان در بازداشت باقی مانده و رها نشده‌اند. معلومات بدست آمده از ولایت قندهار نشان می‌دهد که محاکم طالبان برای آزادی این افراد به مسئولان زندان نامه ارسال کرده‌اند؛ اما اجرای آن با تاخیر مواجه شده و تا کنون عملی نشده است.

بازداشت افراد به اتهام عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف طالبان، بدون رعایت اصول اساسی محاکمه عادلانه چنانکه در موارد پیش گفته اشاره شد، مصداق نقض حق آزادی و امنیت شخصی افراد و نقض تعهدات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌رود.

د- بازداشت خودسرانه به دلیل سرپیچی از قانون امر به معروف طالبان

در جریان سال ۲۰۲۵، دست‌کم ۲۱۲۵ نفر به‌شمول ۸۸ زن به صورت خودسرانه و بدون رعایت موازین قانونی، بازداشت و زندانی شده‌اند. بر بنیاد یافته‌های این گزارش، اتهامات منتسب به این افراد، عمدتاً سرپیچی از قانون امر به معروف از جمله مقررات مربوط به نوع پوشش، سبک و اندازه ریش و موی سر، نبستن دستار، شنیدن موسیقی، عدم حضور در نماز جماعت، بی‌حجابی، نداشتن محرم شرعی، صحبت با نامحرم و موارد مشابه بوده است.



Photo (C) dpa picture alliance / Alamy

علاوه بر این، شمار دیگر از شهروندان در جریان برگزاری گردهمایی‌های اعتراضی بازداشت شده‌اند که در بخش مربوطه به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که بازداشت خودسرانه و غیرقانونی افراد یاد شده، در سال ۲۰۲۵ بیش از ۵ برابر افزایش یافته است. رواداری در سال ۲۰۲۴ حدود ۳۷۹ مورد بازداشت خودسرانه و غیرقانونی سایر شهروندان غیر نظامی را ثبت کرده بود. همچنین، داده‌های مربوط به سال ۲۰۲۵ در مقایسه با آمار ثبت شده در سال ۲۰۲۳ که ۲۹۱ مورد ثبت شده بود، بیش از هفت برابر افزایش را نشان می‌دهد.

یکی از عوامل اصلی افزایش آمار بازداشت‌های خودسرانه در این حوزه، گسترش اقدامات فراقانونی و مداخلات گسترده ماموران امر به معروف در عرصه‌های زندگی عمومی و خصوصی شهروندان و به‌ویژه زنان می‌باشد. این اقدامات با توجه به ابعاد گسترده و روش اجرای آن، نگرانی‌های جدی را در مورد نقض حریم خصوصی، آزادی‌های فردی و امنیت شخصی‌ها ایجاد کرده است.

با این وجود، شواهد و اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که ماموران امر به معروف طالبان در سال ۲۰۲۵ با راه اندازی گشت‌های شبانه و حضور مستمر در شهرها، روستاها، هتل‌ها، رستوران‌ها، دکان‌ها، زیارتگاه‌ها، مساجد، مکاتب دولتی و خصوصی و دکان‌ها شهروندان را هدف آزار و اذیت قرار داده و در مواردی آن‌ها را به صورت گروهی بازداشت کرده‌اند. به‌طور مثال آن‌ها در ۷ آگست ۲۰۲۵، ۲۷ تن از دانش‌آموزان یک لیسه در مرکز ولایت دایکندی را به اتهام نداشتن ریش و کوتاه کردن موی سر به سبک غربی، بازداشت و برای سه شبانه روز زندانی کردند. همچنین، در تاریخ ۸ آگست ۲۰۲۵ دست‌کم ۴۶ نفر از دکانداران «بازار کهنه نیلی» ولایت دایکندی به اتهام شرکت نکردن در نماز جماعت از سوی ماموران امر به معروف بازداشت و مورد بدرفتاری قرار گرفتند.

هم‌زمان، در ماه دسامبر ۲۰۲۵ ماموران امر به معروف در ولسوالی دامان ولایت قندهار تنها در یک روز از دو هتل ۱۰ نفر را به اتهام «ترک الصلوات» و کم کردن ریش بازداشت کردند. در ولایت هلمند نیز در ماه جولای ۲۰۲۵ به تعداد ۱۷ تن از باشندگان محل که بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن و اکثرشان شغل دهقانی داشتند، به اتهام سرودن موسیقی محلی بازداشت شدند. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که ماموران امر به معروف پس از زندانی کردن این افراد آن‌ها را مورد لت و کوب و شکنجه نیز قرار داده‌اند.

در یک مورد دیگر در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۵، ماموران امر به معروف طالبان، یک زن را در شهرک جبرئیل ولایت هرات، به اتهام «بی‌حجابی» بازداشت کردند. او پس از پنج روز، با ارائه ضمانت از زندان زنانه مرکز شهر هرات آزاد شد. به گفته این زن او در جریان بازداشت مورد تحقیر و توهین و بدرفتاری قرار گرفته است. او گفته است که ماموران امر به معروف او را «هزاره کثیف» «بی‌دین» و «بدقیافه» خطاب کرده‌اند.

همچنین، در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۲۵ ماموران امر به معروف ۵ دختر را از مرکز ولایت بامیان به اتهام بی‌حجابی بازداشت و زندانی کردند. این افراد مدت یک هفته در بازداشت به سر برده و در نهایت با ارائه ضمانت از سوی خانواده‌های شان آزاد شده‌اند. در یک مورد دیگر، در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۲۵، یک باشنده ولایت پروان به اتهام عدم شرکت در نماز جماعت از نزدیکی خانه‌اش بازداشت شد. او بعد از یک شبانه روز از زندان طالبان آزاد گردید؛ اما به دلیل فشار و ترس از آزار و اذیت دوباره مجبور شد با خانواده‌اش به ولایت دیگری نقل مکان کند.

در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵، ماموران امر به معروف در ولایت غزنی پدر و برادر یک عروس را در جریان برگزاری مراسم «شب حنا» بازداشت کردند. یک عضو این خانواده گفته است:

«شب حنای خواهرم بود و ما در خانه موسیقی پخش کرده بودیم. حوالی ساعت ۱۲ بجه شب موتر ماموران امر به معروف پیش روی دروازه توقف کرد. آن‌ها سراغ پدر عروس را گرفتند. پدرم خود را معرفی کرد و می‌خواست به خاطر پخش موسیقی عذر خواهی کند، اما آن‌ها او را به زور داخل موتر انداختند و برادر بزرگم را نیز بازداشت کردند. با وجود درخواست‌ها و میانجیگری مردم، ماموران امر به معروف هردو را با خود بردند. آن شب مراسم عروسی به ناراحتی و نگرانی تبدیل شد و خواهرم تا صبح گریه می‌کرد. روز بعد، شماری از بزرگان محل به اداره امر به معروف مراجعه کردند و پدر و برادرم با ضمانت آزاد شدند.»

یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان در ولایت غزنی اظهار داشته است که در اول دسامبر ۲۰۲۵، مراسم عروسی برادرش را در یکی از تالارهای این شهر برگزار کرده بودند، که ماموران امر به معروف با حضور در تالار تلاش کردند پدرش را به دلیل پخش موسیقی در بخش زنانه و فیلمبرداری از مراسم، با خود ببرند. او می‌گوید که پدرش با پادمانی بزرگان اجازه یافت در مراسم بماند و به مهمانان رسیدگی کند. اما ماموران امر به معروف او را به جای پدرش با خود بردند. او که سه شب در بازداشت بوده، می‌گوید: «در طول روز چندین نفر در داخل یک کانتینر بودیم و هر روز افراد جدید را می‌آوردند.»

نقض حق کرامت انسانی

کرامت انسانی جز حقوق ذاتی و مبنای حقوق برابر انسان‌ها به شمار می‌رود. این حق بر حرمت و شرافت انسان‌ها تأکید دارد که نباید در هیچ شرایطی نادیده گرفته شود. بنابراین، احترام به کرامت انسانی مستلزم رعایت حقوق دیگران از جمله مصونیت از هر نوع شکنجه، تحقیر و توهین و دیگر اشکال رفتار ظالمانه می‌باشد.^{۲۷} با این وجود، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که طالبان در جریان سال ۲۰۲۵، افراد را به منظور ارباب، تنبیه، تحقیر، کسب معلومات یا اخذ اقرار و اعتراف، با شیوه‌های گوناگون مورد شکنجه و بدرفتاری قرار داده‌اند.

افزون بر این، دادگاه‌های طالبان در مدت زمان یاد شده، به صورت گسترده احکام مربوط به مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را صادر و اجرا کرده‌اند؛ امری که نگرانی‌های جدی را در خصوص رعایت موازین محاکمه عادلانه و حق کرامت انسانی به همراه داشته است.

الف- شکنجه و بدرفتاری با زندانیان

مصونیت از شکنجه در زمره حقوق مطلق، سلب ناپذیر و غیر قابل تعلیق افراد می‌باشد که تحت هیچ شرایطی و حتا در وضعیت‌های استثنایی مانند تهدید به جنگ، بی‌ثباتی داخلی، ناامنی یا هر وضعیت اضطراری دیگر نمی‌توان آن را نقض کرد. کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، اعمال شکنجه و تعذیب افراد را منع قرار داده‌اند.^{۲۸}

27. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقدمه و ماده ۱.

28. کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، ماده ۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷.

در حال حاضر، چارچوب قانونی مشخص برای جرم‌انگاری شکنجه در افغانستان وجود ندارد، زیرا طالبان قانون اساسی پیشین، قوانین جزایی و قانون اختصاصی منع شکنجه را تعلیق کرده‌اند.^{۲۹} به همین دلیل شکنجه و بدرفتاری به عنوان شیوه‌های رایج در نهادهای عدلی و قضایی و محلات سلب آزادی تحت کنترل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

افزون بر این، نبود مکانیسم‌های مستقل و مؤثر پاسخگو ساختن عاملان و رسیدگی به شکایات مرتبط با شکنجه و بد رفتاری، موجب تداوم مصونیت از مجازات و عدم دسترسی قربانیان به عدالت شده است.

به دلیل عدم دسترسی رواداری به بازداشتگاه‌ها و محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان، امکان ارائه آمار دقیق در خصوص موارد شکنجه و بدرفتاری با زندانیان وجود ندارد. با این حال اما معلومات بدست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که شکنجه به صورت گسترده به منظور اخذ اعتراف، کسب اطلاعات یا تنبیه زندانیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. قربانیان عمدتاً شامل کارمندان حکومت پیشین، افراد متهم به داشتن ارتباط با گروه‌های مخالف طالبان، خبرنگاران و فعالان مدنی بوده‌اند.

۱- انواع و شیوه‌های شکنجه در محلات سلب آزادی طالبان

یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵ وضعیت برخی از زندان‌های عمومی (محابس) در مراکز ولایت‌ها به لحاظ دسترسی زندانیان به امکانات اولیه نسبتاً بهبود یافته و موارد کمتری از شکنجه و بدرفتاری در این محلات گزارش شده است. با این وجود، اما بیش‌ترین شکنجه و بدرفتاری در نظارت خانه‌های اداره استخبارات، پولیس و به خصوص حوزه‌ها و نظارت خانه‌های قوماندانی‌های امنیه در سطح ولسوالی‌ها ارتکاب یافته است.

وارد کردن شوک برقی، چپه ولچک نمودن، آویزان کردن اشیای سنگین به اندام تناسلی مردان، دادن ادویه نشه‌آور، قرار دادن سر قربانیان در خریطه‌های پلاستیکی و ایجاد خفگی، غرق مصنوعی، خوراندن اجباری آب، آویزان کردن با موی سر یا دست و پا به پنجره، سقف یا طناب، وادار کردن به ایستادن و نشستن طولانی مدت در وضعیت‌های دردناک، لت و کوب با چوب، مشت و لگد، قن‌داق تفنگ، کیبل، کشیدن موی سر و ناخن‌های دست، انداختن در چاه، محروم کردن از آب و غذا، یا محروم کردن از دسترسی به تشناب، نگهداری طولانی مدت در سلول انفرادی، تحقیر و توهین جنسی، قومی و مذهبی، خفه کردن، قتل و تهدید به قتل زندانیان و اعضای خانواده‌های آنان از شیوه‌های رایج شکنجه در زندان‌ها و محلات سلب آزادی طالبان می‌باشند.

۲- روایت‌های قربانیان

بر بنیاد اطلاعات و شواهد بدست‌آمده، طالبان از شکنجه به عنوان ابزاری برای تنبیه، ارعاب یا تحقیر، کسب اطلاعات، اقرار یا اعتراف از قربانیان، استفاده کرده و حتی افرادی را که بنابر اطلاعات نادرست و اشتباه، بازداشت نموده نیز مورد شکنجه و بدرفتاری قرار داده‌اند. به‌طور مثال یک زندانی رها شده از ولایت هلمند گفته است که: «صبح زود تاریخ ۸ ماه جون سال جاری، زمانی که به سمت بازار ولسوالی می‌رفتم توسط طالبان بازداشت شدم. آن‌ها مرا به قوماندانی امنیه بردند و هر شب با قن‌داق تفنگ، مشت و لگد مرا شکنجه می‌کردند. مدت یک هفته آنجا بودم و هیچ چیزی هم در مورد اتهام خود نمی‌دانستم. بعد از یک هفته مرا آزاد کردند و گفتند تو را با کسی دیگری اشتباه گرفته بودیم.»

29. رواداری، وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان، ص ۱۳. https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/03/RW_Rule-of-Law-Report-Dari.pdf

یک قربانی دیگر از یکی از ولایت‌های جنوبی کشور که در نظارت خانه استخبارات شکنجه شده بوده، در مصاحبه با رواداری چنین روایت کرده است:

«...شب سوم مردی که پشتو را به سختی صحبت می‌کرد و به نظر می‌رسید پاکستانی باشد، به من گفت تا فردا وقت داری که اقرار کنی وگرنه کشته می‌شویی. گفت ما دوستانت را هم دستگیر کرده ایم و همه به جرم خود اعتراف کرده‌اند. من اصلاً نمی‌دانستم درباره چه چیزی صحبت می‌کنند و گناه من چیست، زیرا من هیچ جرمی مرتکب نشده بودم. ساعت دو بجه بعد از ظهر بود که دو نفر به شکنجه کردنم شروع کردند. زمانیکه به من شوک برقی می‌دادند پوست بدنم می‌سوخت و بوی سوختگی آن را حس می‌کردم. پیوسته سیم برق را در پاها، نرمه‌ی گوش و بخش‌های مختلف بدنم وصل می‌کردند و می‌گفتند اعتراف کن که جاسوس آمریکایی‌ها هستی و با آن‌ها کار کرده‌ای. هر بار که پاسخ منفی می‌دادم با شدت بیشتر شکنجه‌ام می‌کردند. چشمانم را در برابر نور شدید قرار می‌دادند؛ طوری که تا دو ساعت چیزی را دیده نمی‌توانستم. دو روز غذا نخورده بودم و آب را در گیل‌اس آلوده که نیمی آن از خاک پر شده بود به من می‌دادند. واقعاً خسته شده بودم و جوابی برای سوالات شان نداشتم. روزها پی در پی با روش‌های مختلف شکنجه‌ام می‌کردند، وزنه سنگی به آلت تناسلی آویزان می‌کردند که حتی تصورش نیز برایم دشوار بود... در یکی از روزها که داکتر برای معاینه زندانیان آمده بود، متوجه شدم که پسران نوجوان شانزده ساله نیز در جمع زندانیان حضور دارند. یکی از آن‌ها که چشمانش سرمه کشیده و وضعیت اش غیرعادی به نظر می‌رسید به من نزدیک شد و گفت، کاکا تو هم اعتراف کن و گرنه با تو هم همین کار را می‌کنند.. پرسیدم چه کاری؟ با اشاره به بدن کبود و زخمی‌اش، نشان داد که مورد آزار و سوءاستفاده جنسی قرار گرفته است. او به خاطر شکنجه شدید کنترل مواد غایبه خود را از دست داده بود. دیدن آن صحنه برایم بسیار تکان دهنده بود. هرگز تصور نمی‌کردم انسان تا این حد مورد تعرض و بی‌حرمتی قرار گیرد.»

یکی از باشندگان ولایت قندهار که به اتهام عضویت در یک گروه مخالف طالبان، به دو سال حبس محکوم و به تازگی آزاد شده است، در مصاحبه با رواداری اظهار داشته است:

«ما سه نفر بودیم و در زندان استخبارات با شدیدترین شیوه‌ها شکنجه می‌شدیم؛ طوریکه من تا ۱۴ شبانه روز نتوانستم بخوابم. حالا اعصابم به درستی کار نمی‌کند و با مشکلات جدی روانی مواجه شده‌ام. بدون دوا خوابم نمی‌برد و حافظه‌ام نیز مشکل پیدا کرده است. به خاطر گرفتن اعتراف با کبیل ما را به شدت می‌زدند، تا جایی‌که در این مدت ۱۰ کیلو وزن باختیم.» او همچنین گفته است که یکی از دوستانش در زندان مریض شده بود چون طالبان او را در معرض گرمای شدید قرار می‌دادند و شکنجه می‌کردند.

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت غزنی که مدت سه ماه در زندان طالبان بوده، گفته است:

«روش شکنجه به این صورت بود که دستان زندانیان را به سقف می‌بستند تا پاهای آنان از زمین بالا شود. سپس با چوب، زنجیر و قنداق تفنگ به پشت، پاها، و دستان آن‌ها می‌زدند. مسئول بلاک ما را شکنجه می‌کرد او یک آدم بی‌سواد بود که حتا امضایش را کسی دیگری انجام می‌داد. بسیار ظالم بود و همه روزه سه تا چهار زندانی را با همین روش شکنجه می‌کرد.»

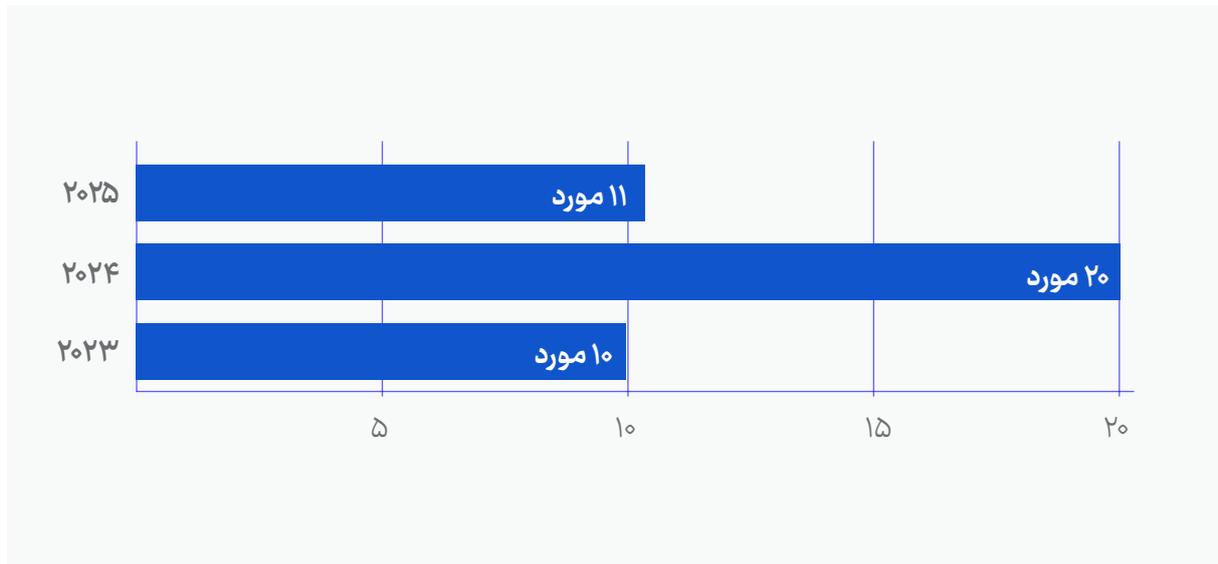
همچنین، یک باشنده ولایت هرات که در ماه نوامبر ۲۰۲۵ از زندان طالبان آزاد شده، گفته است که در نظارت‌خانه استخبارات و زندان مرکزی هرات به شدت شکنجه شده طوری که فعلاً ادرار خود را کنترل نمی‌تواند، توانایی جنسی‌اش را نیز از دست داده و اکنون در وضعیت بد روانی قرار دارد.

یکی از کارمندان محاکم طالبان در حوزه قندهار، ضمن تأیید شکنجه توسط اداره استخبارات و قوماندانی امنیه، گفته است افرادی که در این نهادها شکنجه می‌شوند، زمانی به محاکم معرفی می‌گردند که به‌طور کامل بهبود یافته باشند. به گفته این منبع، طالبان برای پنهان نگه داشتن موارد شکنجه و جلوگیری از دسترسی نهادهای حقوق بشری به قربانیان، از روش‌های گوناگون استفاده می‌کنند. برای نمونه در گذشته قربانیان شکنجه در این ولایت به شفاخانه حوزوی میرویس منتقل می‌شدند؛ اما اخیراً آنان را به شفاخانه‌های نظامی انتقال می‌دهند تا هیچ‌گونه سند یا مدرکی از آثار شکنجه در دسترس افراد و نهادهای دیگر قرار نگیرد. از سوی دیگر، قربانیان شکنجه تهدید می‌شوند تا در مورد آنچه در زندان‌ها تجربه کرده‌اند، سکوت اختیار کنند.

مواردی که توضیح داده شد نمونه‌هایی از مجموع قضایای شکنجه در زندان‌های تحت کنترل طالبان است که در سال ۲۰۲۵ مستند شده است. رواداری در یک گزارش تحقیقی و مبتنی بر روایت‌های دست اول و مستند قربانیان، وضعیت محلات سلب آزادی و نحوه رفتار طالبان را از لحظه بازداشت تا زمان رهایی افراد، با تفصیل و جزئیات بررسی کرده است.^{۳۰}

۳ - قتل زندانیان

بر اساس داده‌های این گزارش، در جریان سال ۲۰۲۵، حداقل ۱۱ تن در زندان‌های تحت کنترل طالبان پس از شکنجه شدید به قتل رسیده‌اند. رواداری در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۲۰ رویداد شکنجه منجر به قتل را ثبت کرده بود. مقایسه هر دو آمار نشان می‌دهد که قتل زندانیان در سال ۲۰۲۵، حدود ۴۵ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین این آمار نسبت به سال ۲۰۲۳ که ۱۰ مورد بود ۱۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.



بر اساس اطلاعات و شواهد بدست‌آمده، در سال ۲۰۲۵ بیشترین موارد شکنجه منجر به قتل در نظارت‌خانه‌های مربوط به اداره استخبارات طالبان اتفاق افتاده است. قربانیان عمدتاً کارمندان حکومت پیشین و افرادی بوده‌اند که به عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف متهم شده‌اند.

۳۰. رواداری، شکنجه و بدرفتاری: وضعیت زندان‌ها در افغانستان تحت تسلط طالبان، (جون ۲۰۲۵). https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/06/RW_TortureReport_Dari-Final.pdf

به‌طور مثال، در ماه دسامبر ۲۰۲۵، ماموران استخبارات طالبان به خانه یک نظامی پیشین در ولایت هلمند یورش برده و او را به اتهام سرقت یک عراده موتورسایکل بازداشت کردند. بر اساس معلومات بدست‌آمده از منابع محلی، این فرد در یک اتاق تاریک در نظارت‌خانه استخبارات نگهداری می‌شد که سه روز بعد، در نتیجه شکنجه شدید جان باخت. پس از وقوع این رویداد، طالبان با تهدید از خانواده قربانی خواسته بودند که سکوت نموده و درباره چگونگی مرگ وی با رسانه‌ها یا دیگران صحبت نکنند. مسئولان محلی طالبان همچنین به این خانواده گفته بودند که اگر کسی در مورد این رویداد چیزی پرسید باید بگویند که قربانی در اثر حمله قلبی جان باخته است. با این وجود یک تن از اقارب قربانی گفته است که آثار شکنجه و ضرب و جرح شدید در بدن قربانی آن‌ها را متقاعد کرده است که مرگ او در نتیجه شکنجه در نظارت‌خانه استخبارات رخ داده است.

هم‌زمان، در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین در ولسوالی اندرولایت غزنی توسط طالبان بازداشت و با شکنجه شدید به قتل رسید. بر اساس معلومات بدست‌آمده، جسد این نظامی سابق چند روز بعد توسط مردم محل شناسایی و پیدا شد. شاهدان عینی گفته که آثار واضح شکنجه بر بدن قربانی را مشاهده کرده‌اند. با این حال، مسئولان محلی طالبان در ولایت غزنی درباره این رویداد تا کنون اظهار نظر نکرده‌اند.

در یک رویداد دیگر در تاریخ ۲۱ آگست ۲۰۲۵، یک نظامی پیشین پس از بازداشت و تحمل شکنجه شدید در حوزه اول امنیتی شهر غزنی جان باخت. طالبان هنگام تسلیم دادن جسد این نظامی سابق به خانواده‌اش اعلام کرده‌اند که وی در جریان درگیری با یک فرد معتاد کشته شده است. خانواده قربانی ضمن رد این ادعا گفته است که او توسط طالبان بازداشت شده بود و آثار شکنجه شدید نیز در بدنش دیده می‌شد. همین‌طور، در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵، یک نوجوان ۱۷ ساله در زندان مرکزی ولایت غزنی جان باخت و طالبان جسد او را به خانواده‌اش تحویل داده‌اند. بستگان قربانی گفته‌اند که او سال گذشته به اتهام قتل یک مرد بازداشت و زندانی شده بود. طالبان هنگام تحویل دادن جسد، اعلام کرده‌اند که او به دلایل نامعلوم خود را حلق آویز نموده و خودکشی کرده است؛ ادعایی که خانواده قربانی آن را نمی‌پذیرد.

موارد یاد شده که بخشی از رویدادهای شکنجه منجر به مرگ در بازداشتگاه‌های طالبان را تشکیل می‌دهد، بیانگر آن است که مقامات حاکم نه تنها برای تحقیق، پیگرد قانونی و مجازات عاملان هیچ اقدامی نکرده‌اند، بلکه با انکار و نسبت دادن این مرگ‌ها به عوامل دیگر و همچنان تهدید و ارباب، تلاش نموده خانواده‌های قربانیان را به سکوت وادار کنند.

همچنین، در ماه اکتبر ۲۰۲۵، یک باشنده ولسوالی خدیر ولایت دایکندی، تنها یک روز پس از رهایی از زندان جان باخت. او ۱۹ سال عمر داشت و به اتهام خرید و فروش مواد مخدر به ۶ ماه حبس محکوم به مجازات شده بود. بر اساس معلومات بدست آمده، او تنها سه ماه از مدت تعیین شده حبس خود را سپری کرده بود اما به دلیل شکنجه شدید، پیش از تکمیل دوره محکومیت از زندان آزاد شد و فردای آن روز جان باخت.

۴ - نبود مکانیسم موثر نظارت بر زندان‌های طالبان

یکی از عوامل مؤثر بر تداوم شکنجه و بدرفتاری در مراکز سلب آزادی تحت کنترل طالبان، فقدان ساز و کارهای نظارتی مستقل و نبود امکان رسیدگی مؤثر و بی‌طرفانه به شکایات زندانیان است.^{۳۱} بر اساس استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر از جمله تعهدات ناشی از منع مطلق شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، دولت‌ها مکلف اند امکان نظارت مستقل بر مراکز سلب آزادی را فراهم کرده و ساز و کارهای مؤثر برای ثبت، بررسی و پیگرد شکایات مبنی بر شکنجه ایجاد کنند.^{۳۲}

با این حال، طالبان در حال حاضر به هیچ نهاد مستقل داخلی و بین‌المللی اجازه دسترسی و نظارت مؤثر بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها را نمی‌دهد و خود نیز از یک مکانیسم شفاف، پاسخگو و مؤثر برای رسیدگی به شکایات زندانیان در زمینه شکنجه و دیگر اشکال بدرفتاری، پیروی نمی‌کند. این وضعیت در عمل زمینه تداوم نقض‌های جدی حقوق بشری بازداشت‌شدگان و تداوم مصئونیت عاملان از پاسخگویی را فراهم کرده است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که ادارات امر به معروف و تعقیب احکام و فرامین، در برخی ولایت‌ها، اقداماتی را برای ثبت و رسیدگی به شکایات مربوط به شکنجه انجام می‌دهند؛ اما بخش قابل توجهی از نهادهای امنیتی این کار را نوعی مداخله در صلاحیت‌های خود تلقی می‌کنند یا تمایلی به همکاری با ادارات یاد شده نشان نمی‌دهند.

بر اساس شواهد بدست‌آمده، تنها در ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۵، در ولایت قندهار اداره امر به معروف ۱۶۰ مورد شکایت مرتبط با ادعای شکنجه در نهادهای امنیتی را ثبت کرده است. با این وجود، اما تاکنون گزارشی درباره چگونگی رسیدگی به این شکایات و به‌خصوص پیگرد مرتکبان شکنجه منتشر نکرده‌اند.

با این وجود، گزارش‌های بدست‌آمده از ولایت خوست نشان می‌دهد که اگر خانواده‌های زندانیان به بخش سمع شکایات اداره امر به معروف شکایت کنند، رسیدگی صورت می‌گیرد. همین‌طور، در ولایت پروان اداره تعقیب فرامین و احکام، اداره امر به معروف و محاکم ضمن نظارت از محلات سلب آزادی از زندانیان خواسته‌اند که شکایات احتمالی خود را به صورت مکتوب به آن‌ها ارائه کنند. با این وجود در مورد شیوه‌های ارسال شکایات به ادارات پیش گفته معلوماتی وجود ندارد.

هم‌زمان، اداره تنظیم امور زندان‌های طالبان، در تشکیل خود یک بخش نظارت دارد که برخی اوقات از زندان‌های عمومی ولایت‌ها نظارت می‌کنند. در شماری دیگر از بخش‌های کشور از جمله ولایت بامیان، کمیسیون‌های تحت نام امر به معروف و نهی از منکر برای نظارت از زندان‌ها تشکیل می‌شود که عمدتاً وضعیت عمومی و معیشتی زندانیان و میزان دسترسی آن‌ها به غذا و دیگر امکانات اولیه را نظارت می‌کنند. در مواردی نیز، دادگاه مرافعه یا والی این ولایت هیأتی را به خاطر ارزیابی وضعیت زندان‌ها موظف می‌سازند. این نهادها نیز، هیچ وقت گزارش‌های علنی منتشر نمی‌کنند و بر اساس معلومات بدست‌آمده، نهادهای یاد شده تنها وضعیت عمومی و شرایط دسترسی زندانیان به امکانات اولیه را نظارت می‌کنند و اصولاً صلاحیت رسیدگی به شکایات مرتبط با بی‌سرنوشتی، عدم دسترسی به وکیل مدافع، شکنجه و بدرفتاری را ندارند.

31. رواداری، گزارش شکنجه و بدرفتاری، ص ۶۲

32. کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۲ و ماده ۱۱

افزون براین، بخش حقوق بشر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، در چارچوب ماموریت نظارتی خود، از برخی محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان بازدید و نظارت می‌کنند. این نظارت عمدتاً توقیف‌خانه‌ها و زندان‌های عمومی زنانه و مردانه در مراکز ولایات را شامل می‌شود. بر اساس شواهد بدست‌آمده، نظارت یوناما مشروط به هماهنگی و کسب اجازه از قبلی مسئولان ذیربط می‌باشد و این نهاد نمی‌تواند به صورت سرزده و بدون هماهنگی قبلی از این مراکز نظارت کنند؛ محدودیتی که بر مؤثریت نظارت و امکان مستند سازی مستقل موارد شکنجه و بدرفتاری، تأثیر می‌گذارد.

در این میان، نظارت‌خانه‌های مربوط به اداره استخبارات و امر به معروف و حوزه‌های امنیتی مربوط به قوماندانی‌های امنیه در تمامی ولایت‌ها که بنابر اطلاعات موجود، بیش‌ترین موارد شکنجه و بدرفتاری در آن‌ها گزارش شده است، همچنان از دسترس یوناما خارج بوده و این نهاد اجازه‌ی نظارت بر این مراکز را ندارد.

ب- اجرای مجازات ظالمانه و غیرانسانی

ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تصریح کرده است که هیچ‌کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا تحت مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی یا ترذیلی قرار داد.^{۳۳} کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۷ این میثاق به ممنوعیت مطلق مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی از جمله مجازات‌های بدنی و اعدام در ملاء عام به دلیل ماهیت وحشتناک و تحقیرآمیز آن برای افراد و جامعه، پرداخته و تأکید می‌کند که هیچ وضعیت اضطراری از جمله جنگ یا بی‌ثباتی سیاسی نمی‌تواند اجرای این‌گونه مجازات‌ها را توجیه کند.^{۳۴}

با این وجود، معلومات نشان می‌دهد که دادگاه‌های طالبان در این دوره‌ی گزارش‌دهی، مجموعه‌ای از مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را تطبیق نموده و یا حکم آن را صادر کرده‌اند. این مجازات‌ها شامل اعدام، سنگسار، مجازات‌های بدنی و روش‌های دیگر برای تحقیر علنی متهمان بوده است.

از آن‌جا که نهادهای قضایی طالبان به اصول محاکمه عادلانه، از جمله مصونیت افراد از شکنجه و دسترسی به وکیل مدافع پابندی ندارند و اعترافات بدست آمده تحت شکنجه را مبنای صدور حکم خود قرار می‌دهند، تطبیق مجازات‌های از این دست، به شدت نگران‌کننده است. به ویژه این که خطر مجازات افراد بی‌گناه نیز وجود دارد؛ زیرا آن گونه که در بخش‌های پیشین این گزارش مطرح شد طالبان در این دوره گزارش‌دهی، شماری از افراد را بنابر اطلاعات نادرست بازداشت و شکنجه کرده‌اند.

دادگاه‌های طالبان دست‌کم ۸۵۷ تن به شمول ۱۱۴ زن را به اتهام فرار از منزل، روابط خارج از ازدواج، سرقت، لواط، قاچاق، تولید، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، را شلاق زده‌اند. هم‌چنین، در جریان سال ۲۰۲۵ حکم قصاص ۶ مرد متهم به قتل را اجرا نموده و حکم سنگسار ا زن متهم به رابطه نامشروع را صادر کرده‌اند.

33 - میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷.

34 - کمیته حقوق بشر، دیدگاه عمومی شماره ۷: اجرای ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۳۰ جولای ۱۹۸۲، سند شماره ۷/۲۳، 2008/70، Vol. 1، Rev. 9 (HRI/GEN/1/Rev.9)

۱. مجازات سنگسار و قصاص

در جریان سال ۲۰۲۵ دادگاه‌های طالبان دست کم ۶ حکم قصاص را در ولایت‌های خوست، نیمروز، فراه و بادغیس اجرا نموده و نیز حکم سنگسار یک زن را در ولایت دایکندی صادر کرده‌اند.

در تاریخ ۲ دسامبر ۲۰۲۵، دادگاه عالی طالبان با نشر خبرنامه‌ای اعلام کرد که «حکم الهی قصاص بر یک قاتل» تطبیق شد. این حکم پس از تایید مولوی هبت الله آخندزاده رهبر طالبان، در استادیوم ورزشی ولایت خوست به اجرا درآمد. در خبرنامه دادگاه عالی طالبان تصریح شده است که فرد اعدام شده باشنده اصلی ولسوالی سیدکرم ولایت پکتیا و ساکن ولسوالی علی شیر ولایت خوست بوده که به ارتکاب قتل عمد یک مرد محکوم شده بود.^{۳۵}

همچنین، در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵، دادگاه عالی طالبان از اعدام یک مرد در ورزشگاه ولایت بادغیس خبر داد. بر اساس یک خبرنامه دادگاه عالی طالبان، این فرد به اتهام قتل یک مرد و یک زن محکوم شده بود که حکم قصاص وی پس از تایید رهبر طالبان با حضور تماشاگران اجرا شد.^{۳۶}

همزمان، در تاریخ ۱۱ اپریل ۲۰۲۵ دادگاه عالی طالبان حکم قصاص چهار مرد متهم به قتل را در سه ولایت کشور اجرا کرد. بر اساس خبرنامه دادگاه عالی طالبان، دو تن در شهر قلعه نو ولایت بادغیس، یک تن در شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز، و یک تن دیگر در مرکز ولایت فراه در استادیوم‌های ورزشی و در حضور صدها تن از تماشاگران با شلیک مرمی اعدام شدند. این احکام پس از تایید توسط رهبر طالبان اجرا گردید و افراد مذکور در حالیکه دستان و چشمان شان بسته بوده قصاص شدند.^{۳۷}

در ولایت قندهار حکم قصاص یک متهم به قتل توسط دادگاه مرافعه صادر شده بود که خانواده مقتول بعداً او را عفو نموده و به این ترتیب حکم قصاص از سوی ستره محکمه لغو گردید. همچنین محکمه ابتدائیه شهری ولایت دایکندی مجازات «قطع دست» برای یک کودک ۱۵ ساله از مرکز ولایت دایکندی را به اتهام سرقت ۸۰۰۰ افغانی صادر کرده بود که توسط محکمه استیناف تعدیل و کودک مذکور، به حجز (نگهداری در مرکز اصلاح و تربیت کودکان) محکوم شد.

از سوی دیگر، در تاریخ ۱۹ مارچ ۲۰۲۵ دادگاه ابتدائیه طالبان در ولسوالی اشترلی ولایت دایکندی، یک زن را به اتهام به دنیا آوردن یک کودک نامشروع به مجازات سنگسار محکوم کرد. معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که به دلیل ثبت اعتراض رسمی از سوی این زن، حکم صادر شده تاکنون تطبیق نشده و همچنان در حالت تعلیق قرار دارد.

اجرای علنی مجازات اعدام به‌ویژه در اماکن عمومی و در حضور تماشاگران با توجه به ماهیت وحشتناک و پیامدهای زیان‌بار آن بر جامعه، از مصادیق مجازات ظالمانه و غیر انسانی به شمار می‌رود که به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به شدت منع شده است.

35. امارت اسلامی افغانستان، ستره محکمه، خبرنامه، ۲ دسامبر ۲۰۲۵.

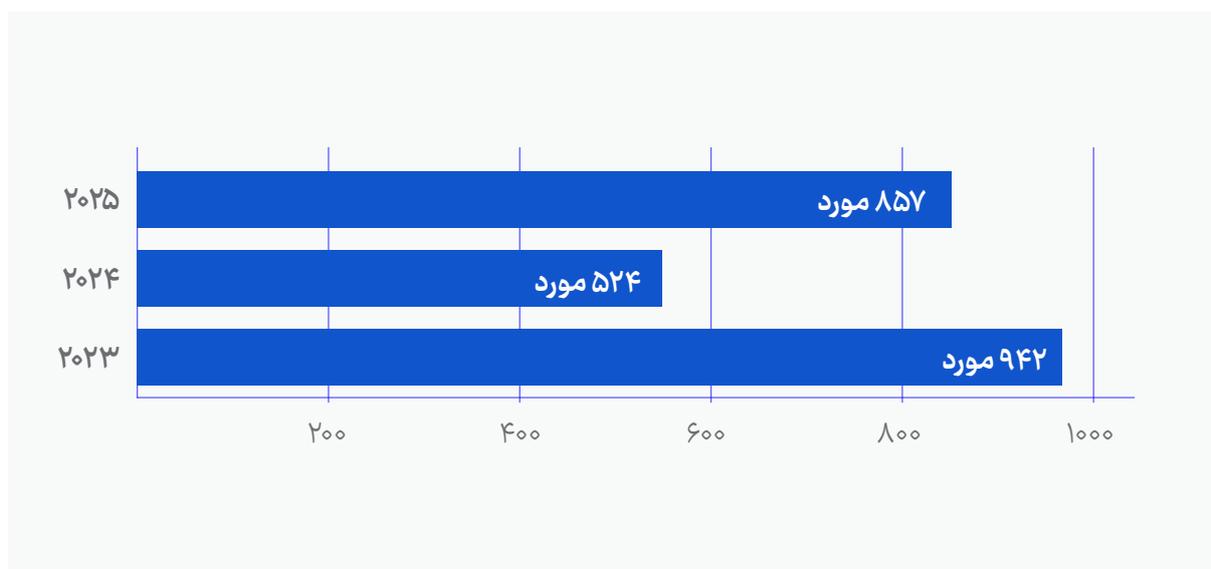
36. همان، <https://supremecourt.gov.af/ps/all-news?page=30>

37. آژانس خبری پژواک، «حکم قصاص بر چهار مرد در سه ولایت تطبیق شد»، ۱۱ اپریل

https://pajhwok.com/ps/2025/04/11/retaliatory-punishment-was-carried-out-on-four-people-in-three-provinces/?utm_source=chatgpt.com

۲. تنبه بدنی

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که دادگاه‌های طالبان در جریان سال ۲۰۲۵ دستکم ۸۵۷ تن به شمول ۱۱۴ زن را به اتهام فرار از منزل، لواط، روابط خارج از ازدواج، سرقت، تولید، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکولی، شلاق زده‌اند. این آمار در مقایسه با سال ۲۰۲۴ که ۵۲۴ مورد بود، ۶۳.۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد. همین‌طور این رقم در مقایسه با داده‌های مربوط به سال ۲۰۲۳ که ۹۴۲ مورد بود، بیش از ۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد.



بر بنیاد شواهد بدست آمده، دادگاه‌های طالبان در اغلب انواع جرایم، مجازات شلاق را به عنوان مجازات تکمیلی صادر می‌کنند که بخش عمده ای آن دور از انتظار عمومی اجرا می‌شود. در برخی موارد، به‌ویژه در ارتباط با آنچه جرایم اخلاقی خوانده می‌شود، این مجازات به صورت علنی اجرا شده و ماموران امر به معروف و امامان مساجد از طریق تبلیغات و خبرنگارها مردم را به حضور در محل اجرای مجازات فرا می‌خوانند. یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که شمار قابل توجهی از شرکت کنندگان را استادان و دانش‌آموزان مدارس دینی از جمله کودکان تشکیل می‌دهند.^{۳۸}

بر اساس معلومات بدست آمده از محاکم طالبان در ولایت قندهار، آن‌ها همه روزه افراد را به صورت غیرعلنی و دور از دید مردم شلاق می‌زنند. به‌طور مثال تنها در یک ماه، محاکم این ولایت، ۷۸ تن را با حضور قضات، شاهدان و مراجعین محاکم شلاق زده‌اند. مجازات شلاق چنان که گفته شد، به عنوان مجازات تکمیلی بر متهمان تطبیق می‌شود و این افراد هم زمان به مجازات حبس نیز محکوم می‌شوند. به‌طور مثال، در دسامبر ۲۰۲۵ دادگاه ابتدایی شهری ولایت هرات، پس از تایید دادگاه عالی طالبان، ۸ تن را به اتهام تولید و خرید و فروش مشروبات الکلی در حضور قضات و مراجعین ۳۹ ضربه شلاق زدند. این افراد همچنان هرکدام به مجازات دو سال حبس نیز محکوم شدند.

هم‌زمان، در ولایت غزنی نیز در ۱۰ دسامبر دو تن به اتهام رابطه خارج از ازدواج در ولسوالی مقر این ولایت در محضر عام، شلاق زده شدند. بر اساس معلومات بدست آمده، یکی از این افراد به سه سال و دیگری به پنج سال حبس محکوم شدند. افزون بر این، در ولسوالی «ازره» ولایت لوگر یک زن و یک مرد به اتهام فرار از منزل در ملا عام هریک ۲۰ ضربه شلاق

زده شده و به یک سال حبس تعزیری محکوم گردیدند. هم‌چنین، در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵، دادگاه ابتداییه طالبان در ولایت میدان وردک، یک مرد و یک زن را به اتهام رابطه نامشروع در محضر عام ۲۰ ضربه شلاق زدند.

طالبان معمولاً پیش از اجرای حکم شلاق، هویت متهمان از جمله افرادی که به جرایم اخلاقی و سرقت متهم شده اند را با ذکر جزئیات منتشر و به صورت علنی اعلام می‌کنند. این اقدام با اصل برائت الذمه و نیز با حیثیت و کرامت انسانی افراد در تعارض قرار دارد.^{۳۹}

۳. سایر اشکال مجازات غیر انسانی

داده‌ها و شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که طالبان در سال ۲۰۲۵ افزون بر موارد پیش گفته، به اجرای سایر اشکال مجازات غیر انسانی و تحقیرآمیز نیز اقدام نموده اند. چنان‌که در ماه جنوری ۲۰۲۵، طالبان در ولسوالی نادعلی ولایت هلمند، یک معتاد به مواد مخدر را که به سرقت متهم بود به یک چوب دراز بسته نموده و در برابر دید عموم قرار دادند تا همه او را ببینند.

هم‌چنین، در ماه جولای ۲۰۲۵ طالبان در ولسوالی دیشو ولایت هلمند، فرد دیگری را که هنگام سرقت از یک خانه بازداشت کرده بودند، برای نشان دادن به مردم در سراسر شهر گرداندند.

با این وجود، چنین اقداماتی که برای تنبه و مجازات افراد از سوی طالبان اعمال شده است، می‌تواند از مصادیق مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز تلقی شود که مخالف مفاد مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نقض حق کرامت انسانی می‌باشد.^{۴۰}



Photo (C) dpa picture alliance / Alamy

39 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴ و ماده ۱۷

40 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷

سرکوب تجمعات و گردهمایی‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز

برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، از حقوق بنیادین بشر است که در اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. این حق شامل برگزاری گردهمایی‌های عمومی یا خصوصی، برای بیان آزادانه دیدگاه‌ها، اعتراضات یا حمایت از اهداف مشترک می‌شود.^{۴۱} بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها نه تنها از هرگونه مداخله و جلوگیری خودسرانه در برگزاری تجمعات منع شده‌اند، بلکه مکلف‌اند شرایط لازم را برای برگزاری امن این برنامه‌ها فراهم سازند. هرگونه محدودیت بر این حق تنها زمانی مجاز است که به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حفظ امنیت ملی یا سلامت عمومی، نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی و یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشد.^{۴۲}

با این وجود، طالبان در حال حاضر به هیچ‌گونه تجمع اعتراضی یا دادخواهانه اجازه‌ی برگزاری نمی‌دهند و با استفاده از زور و شیوه‌های خشونت‌آمیز آن را سرکوب می‌کنند. چنان‌که در سال ۲۰۲۵ آن‌ها دست کم ۲۹ مورد از تجمعات اعتراضی را با خشونت سرکوب نموده و حداقل ۱۴۰ تن از معترضان را بازداشت، ۷ تن را به قتل رسانده و ۳۲ نفر دیگر را زخمی کرده‌اند. تجمعات و گردهمایی‌های برگزار شده در اعتراض به افزایش مالیات، آزار و اذیت زنان و دختران، تبعیض قومی، تخریب مزارع، غصب زمین و بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی بوده است. روش‌های به کار گرفته شده برای سرکوب این گردهمایی‌ها و اعتراضات، شامل تیراندازی هوایی، شلیک مستقیم به معترضان و بازداشت و زندانی کردن آن‌ها می‌شود.

در تاریخ ۸ جون ۲۰۲۵، طالبان دست کم ۵۰ تن از معترضان اوزبیک تبار را در روستای قوزی‌بای قلعه ولسوالی دولت‌آباد ولایت فاریاب، بازداشت کردند. این رویداد پس از آن رخ داد که دو عضو طالبان، دختران محل را مورد آزار و اذیت قرار دادند. این اقدام سپس به درگیری میان جوانان محل و طالبان منجر شد. طالبان این جوانان را بازداشت کردند؛ اما اهالی روستا در اعتراض به بازداشت جوانان محل، تجمع اعتراضی برگزار کردند که این گردهمایی سپس به انتقاد از رویکرد تبعیض‌آمیز طالبان گسترش یافت. طالبان برای سرکوب اعتراض از تیراندازی هوایی و لت و کوب معترضان استفاده کرده و بازداشت شدگان را متهم نمودند که در برابر «حکومت اسلامی» و «دین اسلام» اعتراض کرده‌اند. این افراد بعداً با میانجی‌گیری بزرگان محل آزاد شدند.

همین‌طور، در سه ماه نخست سال ۲۰۲۵ در جریان ۵ مورد تظاهرات در ولسوالی‌های خاش، جرم، ارغنج‌خواه، بهارک و وردوج ولایت بدخشان که در اعتراض به تبعیض، غصب زمین، بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی، دعوا بر سر زمین و چراه‌گاه‌ها و تخریب مزارع کوکنار برگزار شده بود، دست کم ۷ تن از معترضان کشته شده، ۵۱ نفر زخمی و ۳۲ تن دیگر بازداشت شدند. این اعتراضات در پی تخریب مزارع کوکنار تبعیض، غصب زمین، بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی، دعوا بر سر زمین و چراه‌گاه‌ها برگزار شده بودند. طالبان با شلیک مستقیم به معترضان، این تجمعات را سرکوب کردند.

در ۱۱ آگست ۲۰۲۵، شماری از دست‌فروشان در ولسوالی‌های گرشک ولایت هلمند در اعتراض به افزایش کرایه و مالیات به شهرداری مراجعه نمودند که مسئولان این اداره سه تن از آن‌ها را بازداشت و در یک کانتینر زندانی کردند. این معترضان پس از یک شبانه روز آزاد شدند. همین‌طور

41 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۱.

42 . همان.

در تاریخ ۵ آگست ۲۰۲۵ صرافان کنار جاده، در شهر لشکرگاه ولایت هلمند در اعتراض به تصمیم دافغانستان بانک که آن‌ها را از ادامه کار منع کرده بود، به صورت مسالمت آمیز تجمع اعتراضی برگزار کردند. طالبان این تجمع را با تیراندازی هوایی و برخورد خشونت آمیز متفرق نموده و سه تن از معترضان را بازداشت کردند. بازداشت شدگان پس از سه روز با ارائه ضمانت آزاد شدند.

در یک رویداد دیگر، پس از اعمال محدودیت‌های تازه بر تردد سه چرخه‌ها در شهر هرات، رانندگان در برابر دفتر والی طالبان دست به تجمع اعتراضی زدند. اما نیروهای طالبان با شلیک‌های هوایی آنان را متفرق کرده و مانع نزدیک شدن به ساختمان اداره محلی ولایت شدند. مقامات محلی اخیراً تردد سه چرخه‌ها در محدوده جاده‌های عمومی و شلوغ را به طور کامل ممنوع اعلام کرده‌اند.

همچنین، در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ شماری از بزرگان محلی در اعتراض به تصمیم طالبان مبنی بر احداثی یک پارک یا توقفگاه موترهای باربری در ساحه «دشت تلخک زار روضه»، در مرکز ولایت غزنی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. قرار است این پروژه بر زمین‌های شخصی مردم و کاریزها اجرا شود. به همین دلیل مردم اعتراض کردند اما طالبان با خشونت این تجمع را سرکوب نموده و دو تن از معترضان را برای چند ساعت بازداشت کردند.

در حالیکه طالبان در جریان سال ۲۰۲۵ تجمعات و گردهمایی اعتراضی شهروندان را به صورت خشونت آمیز سرکوب کرده اند، اما در برخی موارد مردم را به برگزاری تجمعات مورد نظر خود، وادار کرده‌اند. به طور مثال در تاریخ ۲۵ جنوری ۲۰۲۵ والی طالبان در ولایت بامیان، با تهدید و اعمال فشار شغلی، کارمندان دولتی از جمله آموزگاران مکاتب و دانشگاه‌ها را به شرکت در یک تجمع اعتراضی علیه حکم دادگاه جزایی بین‌المللی در مورد بازداشت رهبران این گروه وادار کرد. همین‌طور، در شماری از ولایت‌های دیگر، طالبان مردم را در حمایت از فلسطین به برگزاری تظاهرات و گردهمایی‌ها تشویق نموده بودند.

بخش دوم

وضعیت حقوق بشری زنان و دختران



Photo (C) Sayed Habib Bidell / Alamy

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان در جریان سال ۲۰۲۵، افزون بر محروم نگه داشتن زنان از حقوق اساسی چون آموزش، کار، آزادی گشت و گذار و دسترسی به عدالت، همچنان با اتخاذ رویکرد سختگیرانه تر و به‌ویژه از طریق اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر، دامنه تبعیض، محدودیت و کنترل اجتماعی را بر زندگی آن‌ها گسترش داده اند. این محدودیت‌ها منجر به سلب آزادی‌های بیشتر از زنان و تأثیرات عمیق بر حیات فردی و اجتماعی آنان شده است.

۱. تشدید محدودیت‌ها بر حق آموزش

حق آموزش در زمره‌ی مهم‌ترین حقوق انسانی افراد به شمار می‌رود که اسناد بین‌المللی حقوق بشر آن را به رسمیت شناخته و بر لزوم دسترسی برابر و یکسان همه افراد به فرصت‌های آموزشی و تحصیلی تأکید کرده است.^{۴۳} به موجب اسناد مذکور، قائل شدن هر نوع تبعیض در برخورداری از این حق بر مبنای جنسیت یا دلایل دیگر، عدول از مقررات یادشده به شمار رفته و نقض حقوق بشر تلقی می‌گردد.

با این وجود، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که طالبان در این دوره ی گزارش‌دهی نه تنها هیچ اقدامی برای بازگشایی دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها بر روی زنان انجام نداده؛ بلکه با اتخاذ سیاست سختگیرانه تر، تبعیض و محدودیت بیشتری را بر حق آموزش آنان اعمال کرده‌اند.

بر بنیاد شواهد و اطلاعات بدست‌آمده، اداره امر به معروف طالبان در سال ۲۰۲۵ در بخش‌های گوناگون کشور به شناسایی و مسدود کردن کورس‌های آموزشی مخفی پرداخته و نیز تدریس مضامین عصری که قبلاً در شماری از مدارس دینی صورت می‌گرفت را ممنوع اعلام کرده‌اند.

از سوی دیگر، معلومات بدست‌آمده از ولایت قندهار نشان می‌دهد که طالبان تصمیم دارند برخی از مکاتب دخترانه را به مدارس دینی تبدیل کنند. چنانکه تا حالا دو مکتب دخترانه در ناحیه پنجم شهر قندهار به مدارس دینی تغییر داده شده‌اند. همین‌طور، در تازه‌ترین مورد آن‌ها به تمامی نهادهای مربوط به تحصیلات عالی دستور داده که از تدریس کتاب‌هایی که نویسندگان آن‌ها زنان هستند، خودداری کنند.

تشدید مقررات سختگیرانه‌ی مرتبط با حجاب و محرم شرعی برای آموزگاران زن و دانشجویان دختر حتا در سطوح پایین تر از صنف سوم، ممنوعیت تدریس آموزگاران زن به دانش‌آموزان پسر بالاتر از صنف سوم، منع مشارکت زنان و دختران در برنامه‌های آموزش فن و حرفه، رسامی و خطاطی، تعطیل کردن برنامه‌های آموزشی مانند خیاطی و گلدوزی، مسدود نمودن ده‌ها کورس آموزشی که به صورت پنهانی فرصت‌های آموزشی برای زنان و دختران فراهم می‌کردند و نیز بازداشت آموزگاران و دانش‌آموزان این مراکز از مهمترین اقداماتی است که طالبان در این دوره گزارش‌دهی، به‌طور گسترده در بخش‌های گوناگون کشور اعمال کرده است.

43 . اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳.

الزام حجاب و محرم شرعی برای کودکان دختر

اجبار دانش‌آموزان دختر پایین تر از صنف ششم به پوشیدن چادر و لباس های بلند، استفاده از ماسک برای پوشاندن صورت در شماری از ولایت‌ها از جمله قندهار، هلمند، زابل، پروان، بدخشان و هرات؛ از محدودیت‌های است که پس از اجرای قانون امر به معروف به طور قابل توجهی تشدید شده است. با این وجود، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد، دانش‌آموزانی که از این مقررات سختگیرانه سرپیچی کرده، تنبیه، تحقیر، توهین و در مواردی حتا لباس‌های شان پاره شده و یا از مکتب اخراج شده‌اند.

طالبان برای ترویج قانون امر به معروف و به‌ویژه اجرای مقررات مربوط به نوع پوشش زنان و دختران و نحوه حضور آن‌ها در اماکن عمومی، در شماری از ولایت‌ها از جمله بامیان، برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی برگزار کرده‌اند. همین‌طور، ماموران امر به معروف با حضور مستمر در مکاتب دولتی و خصوصی از میزان اجرای این مقررات از جمله نحوه پوشش دانش‌آموزان دختر و آموزگاران زن نظارت می‌کنند.

همچنین، اطلاعات و شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که اداره امر به معروف در ولایت قندهار، برای دانش‌آموزان دختر پایین تر از صنف ششم که به سن ۹ سالگی رسیده‌اند، «کارت محرم» توزیع نموده و آن‌ها را ملزم به داشتن محارم شرعی هنگام رفت و آمد به مکتب کرده‌اند. افزون بر این، در برخی از مکاتب ولایت‌های هلمند و غزنی دختران پایین تر از صنف ششم که به سن ۹ سالگی رسیده و از نظر جسمی قد بلند و یا اندام بزرگ تر دارند، از حضور در صنف‌های درسی منع شده‌اند. این اقدامات به دلیل برداشتی که طالبان بر اساس فقه حنفی در مورد سن بلوغ دختران ارائه می‌کنند، اجرا شده است.

با این وصف، ماموران امر به معروف برای اجرای این محدودیت‌ها تذکره‌های دانش‌آموزان دختر را بررسی می‌کنند تا دختران ۹ ساله را شناسایی و از ادامه حضور در صنف‌های درسی منع نمایند؛ اقدامی که خطر محرومیت بیشتر و گسترده‌تر دختران از حق آموزش را به همراه دارد. زیرا کودکان در افغانستان در ۷ هفت سالگی شامل مکتب می‌شوند و بر اساس این رویه، بسیاری از دختران تنها تا صنف سوم امکان ادامه تحصیل خواهند داشت.

هم‌زمان، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در ولایت غور دختران تنها در ساعات بسیار محدود اجازه‌ی رفتن به مکتب را دارند و گاه به بهانه اختلاط و یا نبود پوشش مناسب از ورود شان جلوگیری می‌شود.

همچنین، یک دانش‌آموز دیگر از ولایت غزنی گفته است:

«بعد از چاشت در ساعت سوم درسی، سه تن از ماموران امر به معروف وارد مکتب شدند. همه ما ترسیده بودیم؛ زیرا در مکتب ما دختران بالاتر از صنف ششم به شکل غیررسمی و پنهانی درس می‌خواندند. مدیر مکتب فوراً شماری از این دختران را در صنف‌های پنجم و ششم بردند و تعدادی دیگر را در تهکویی مکتب پنهان کردند. ماموران امر به معروف به مدیر و سر معلم مکتب که هر دو مرد هستند، گفتند از این به بعد حق ندارید در این مکتب وظیفه اجرا کنید و اگر بار دیگر شما را این جا دیدیم زندانی می‌کنیم.»

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان

یک مصاحبه‌شونده در مورد نحوه برخورد ماموران امر به معروف با دانش‌آموزان دختر و بازداشت مدیر یک مکتب خصوصی در ولایت غزنی چنین روایت کرده است:

«در حال تدریس بودیم که ماموران امر به معروف وارد مکتب شدند و از نوع پوشش یک دانش‌آموز دختر که به تازگی از ایران بازگشته بود، به شدت انتقاد کردند. آن‌ها این دانش‌آموز و استادان را با الفاظ رکیک مورد تحقیر و توهین قرار دادند. این دانش‌آموز که به صورت پنهانی در صنف هفتم درس می‌خواند به رفتار ماموران امر به معروف واکنش نشان داد و گفت: شما چه کار به پوشش ما دارید و چرا به دختران اجازه درس خواندن نمی‌دهید؟ این سخنان خشم طالبان را برانگیخت و تلاش کردند تا این دانش‌آموز را با خود ببرند؛ اما او مقاومت کرد. سپس ماموران امر به معروف به صنف‌های دیگر رفتند و تمامی دختران را از مکتب بیرون نموده و اداره مکتب را مهر و لاک کردند. دانش‌آموزان خیلی ترسیده بودند و گریه می‌کردند. طالبان مدیر مکتب را بازداشت کردند و با خود بردند، اما پس از دو روز با ضمانت استادان از بازداشتگاه امر به معروف آزاد شد. آن‌ها دوباره به مکتب آمدند و اعلام کردند که دانش‌آموز معترض باید اخراج شود. علاوه بر این، ۱۶ تن از دخترانی را که به صورت غیررسمی در صنف هفتم درس می‌خوانند نیز از مکتب اخراج کردند.»

افزون بر این، مدیر یکی از مکاتب در حوزه قندهار اظهار داشته است که ماموران امر به معروف هنگام نظارت از مکتب، از دانش‌آموزان دختر در مورد احکام دینی، نماز و سایر مسایل مذهبی سوال می‌کنند و حتی در مواردی که دانش‌آموزان پاسخ‌های درست ارائه کنند نیز مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرند.

بازداشت آموزگاران به خاطر ارائه خدمات آموزشی به زنان

داده‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان در سال ۲۰۲۵ دست کم ۱۵ آموزشگاه خصوصی، ۴۱ صنف زبان انگلیسی و ۱۱ صنف کامپیوتر را که به صورت پنهانی به دختران آموزش ارائه می‌کردند، مسدود نموده و حد اقل ۱۳ آموزگار به شمول ۸ زن را بازداشت کرده‌اند. همچنین، طی این مدت دست‌کم ۲۶۷ صنف آموزشی در ولایت پکتیکا که در آن‌ها بیش از ۸۰۰ دانش‌آموز دختر درس می‌خوانند و دو مکتب سوادآموزی در ولایت بامیان را تعطیل نموده‌اند. در این مکاتب سوادآموزی، برای زنان بزرگسال تا سطح صنف ششم آموزش داده می‌شد.

بر بنیاد معلومات بدست‌آمده، اداره امر به معروف در جریان سال ۲۰۲۵ در نواحی ۲، ۵، ۷، ۱۰ شهر هرات، شهرک جبرئیل، و ولسوالی‌های زنده جان، غوریان، کرخ، انجیل و گذره، شماری از کورس‌های آموزشی را مسدود نموده‌اند. این اداره به مسئولان این مراکز هشدار داده است که در صورت ادامه فعالیت، با برخورد جدی مواجه خواهند شد. به طور مثال، در ماه دسامبر ۲۰۲۵، ماموران امر به معروف، استخبارات و پولیس طالبان در ولسوالی زنده جان و شهرک جبرئیل ولایت هرات، دو مرکز آموزشی را که به صورت مخفیانه توسط زنان در خانه‌هایشان راه اندازی شده بود، شناسایی و مسدود کردند. هرچند طالبان با ضمانت وکیل گذر و بزرگان محل از بازداشت این زنان خودداری کردند، اما به آنان هشدار دادند که در صورت تکرار چنین فعالیت‌هایی، بازداشت و زندانی خواهند شد. ماموران امر به معروف چندین بار دیگر به خانه‌های این زنان مراجعه کرده و از باشندگان محل درباره ادامه فعالیت این مراکز آموزشی معلومات گرفته‌اند.

همچنین، در ماه سپتامبر ۲۰۲۵ یک کورس آموزشی در ولایت خوست که به صورت پنهانی به دختران ۱۰ تا ۱۸ ساله آموزش ارائه می‌کرد، از سوی اداره معارف طالبان شناسایی و مسدود شد. در این مرکز، زنان به دختران آموزش می‌دادند. در یک مورد دیگر در این ولایت، طالبان مسئول یک مکتب خصوصی را که به دختران بالاتر از صنف ششم آموزش می‌داد بازداشت کردند. او بعداً با پرداخت پول از بازداشتگاه طالبان رها گردید.

از سوی دیگر، در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۲۵ طالبان دو مرکز آموزشی را در ولسوالی لعل و سرجنگل ولایت غور شناسایی و مسدود کردند. در این مراکز، دختران به صورت پنهانی مضامین بالاتر از صنف ششم را آموزش می‌دیدند. طالبان مسئولان این مراکز آموزشی را تهدید کردند که در صورت ادامه فعالیت، بازداشت و زندانی خواهند شد.

در تاریخ ۲۷ جنوری ۲۰۲۵ طالبان ۴۶ صنف آموزش زبان انگلیسی و کمپیوتر را در ولایت بامیان مسدود و ۶ تن به شمول ۴ آموزگار زن را بازداشت کردند. اتهام این افراد ارائه خدمات آموزشی به دختران بوده است. همین‌طور، در ولایت غزنی نیز یک مرکز آموزش زبان انگلیسی و یک مرکز خطاطی و رسامی به دلیل ارائه خدمات آموزشی به زنان مسدود گردید. طالبان مسئولان این دو مرکز آموزشی را از یک تا ۶ ساعت بازداشت کردند.

در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵، ماموران امر به معروف در ولایت غزنی شماری از دانش‌آموزان دختر را از دو مکتب خصوصی اخراج نموده و تعدادی از آن‌ها را مورد لت و کوب قرار دادند. این دختران به طور پنهانی در صنف هفتم درس می‌خواندند که توسط ماموران امر به معروف شناسایی شدند. ماموران امر به معروف این دختران را اخراج نموده و چهار نفر آن‌ها را در

جریان مشاجره بر سر محرومیت دختران از حق آموزش، با چوب مورد ضرب و شتم قرار دادند. پدر یکی از این دانش آموزان گفته است که آثار ضربه چوب بر پشت دختر ۱۵ ساله اش نمایان بوده و او در حالیکه گریه می کرد به خانه بازگشت. طالبان به مسئولان این دو مکتب هشدار داده اند که در صورت ادامه تدریس به دختران بالاتر از صنف ششم، مکاتب شان را مسدود نموده و آن ها را زندانی خواهند کرد.

۲. شرایط تبعیض آمیز کار

دسترسی برابر به حق کار و شرایط منصفانه‌ی شغلی، بخشی از حقوق انسانی هر فرد می باشد که در اسناد متعدد بین المللی حقوق بشر، تضمین شده است. به همین دلیل قائل شدن هر نوع تبعیض و استثنا بر مبنای جنسیت و تعلقات تباری، مذهبی و زبانی در برخورداری از این حق منع قانونی دارد و نقض حقوق بشر به شمار می رود.^{۴۴}

با این وجود، یافته های گزارش حاضر نشان می دهد که طالبان در سال ۲۰۲۵ ضمن تداوم شرایط تبعیض آمیز کار در مورد زنان، همچنان به وضع و اجرای محدودیت های تبعیض آمیز تری نیز اقدام کرده اند. چنانکه، الزام آموزگاران و کارمندان زن در بخش های صحتی به داشتن محرم شرعی و استفاده از «برقع» به عنوان پوشش مورد نظر اداره امر به معروف، اجبار برخی آموزگاران زن به ترک وظیفه از مکاتب، منع اشتغال در حرفه هایی مانند خامک دوزی و خیاطی و خودداری از صدور جواز برای کسب و کارهای کوچک از جمله در ولایت های قندهار، هلمند و ارزگان از محدودیت هایی اند که طالبان در جریان سال ۲۰۲۵، وضع کرده اند؛ اقداماتی که بیانگر تشدید سیاست های محدود کننده و تبعیض آمیز مقامات حاکم در زمینه حق کار زنان افغانستان است.

با این وجود، اداره امر به معروف زنانی را که در بخش های آموزشی و صحتی کار می کنند، مکلف به داشتن محارم شرعی حین رفت و آمد به محل کار و در جریان انجام وظیفه کرده اند. داشتن ریش بلند، دستار و پوشش مورد نظر طالبان، از مهمترین شرایط محارم شرعی زنان می باشد. مردانی که ریش کوتاه و پوشش متناسب با معیارهای اداره امر به معروف را نداشته باشند واجد شرایط دریافت «کارت محرم» نیستند. این محدودیت ها پیامد مستقیم اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان می باشد که در عمل دسترسی زنان به حق کار را بیش از پیش محدود کرده است.

اجبار زنان به ترک وظیفه از بخش های صحتی و آموزشی

تشدید محدودیت های سختگیرانه از جمله الزام به داشتن محرم شرعی و استفاده از پوشش مورد نظر اداره امر به معروف (برقع) به عنوان پیش شرط کار زنان در بخش های آموزشی و صحتی در نظر گرفته می شود؛ وضعیتی که عملاً شماری از آموزگاران زن و کارمندان بخش های صحتی را وادار به ترک وظایف شان کرده است.

در این مورد یک آموزگار از ولایت هلمند در گفتگو با رواداری اظهار داشته است که: «اداره امر به معروف به تمام کارمندان و آموزگاران زن در مکاتب ابتدائیه، اعلام نموده که بدون همراهی محارم شرعی حق حضور در مکاتب را ندارند.»

همچنین، یک پرستار از ولایت پروان اظهار داشته است: «همه روزه ماموران استخبارات و امر به معروف به کلینیک می آمدند و رفتار و نوع پوشش ما را نظارت می کردند. آن ها با این کار فضا را برای کارمندان صحتی و مراجعین شبیه زندان

44. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مواد ۶ و ۷.

ساخته بودند. همیشه درباره نوع حجاب، چگونگی رفت و آمد و همراهی محرم سوال می‌کردند. به همین دلیل، مجبور شدم وظیفه ام را ترک کنم.»

یک مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت بامیان گفته است که: «من در بخش زایمان شفاخانه کار می‌کردم، اما زمانی که محدودیت‌های جدید وضع کردند شرایط برای ما بسیار سخت شده بود. مثلاً می‌گفتند باید با محرم شرعی در محل کار بیایید. من نمی‌توانستم با این شرایط بسازم؛ چون هیچ کسی از خانواده‌ام نمی‌توانست مرا همراهی کند. وقتی گفتند اجازه ندارم بدون محرم به محل کار بروم، مجبور شدم شغل ام را ترک کنم.»

با این وجود، در مواردی که زنان پوشش مورد نظر اداره امر به معروف را رعایت نکرده یا بدون همراهی محرم شرعی در محل کار حضور یافته اند، با آزار و اذیت مواجه شده و در برخی موارد از وظایف شان اخراج شده‌اند. به عنوان نمونه، در تاریخ ۱۲ فبروری ۲۰۲۵ یک کارمند زن در یکی از موسسات داخلی در ولایت غور به دلیل نداشتن محرم از سوی طالبان از کار اخراج شد. او تنها سرپرست و نان آور خانواده خود بود که به خاطر نداشتن محرم، برکنار گردید. همین‌طور، در ولایت‌های هرات و بادغیس، طالبان چند تن از قابله‌ها، نرس‌ها و واکسیناتوران زن را به دلیل نداشتن محرم شرعی، از کار اخراج نموده‌اند.

افزون براین، در ماه نوامبر ۲۰۲۵ طالبان در ولایت دایکندی، کار زنان در بخش‌های خصوصی صحتی از جمله دواخانه‌ها، بخش‌های مسلکی، قابلگی و پرستاری را ممنوع اعلام نموده و دست‌کم دو زن را از وظایف شان برکنار نموده‌اند.

در ولایت غزنی نیز اداره امر به معروف به مکاتب خصوصی پسرانه و دخترانه دستور داده است که از استخدام آموزگاران زن خودداری کنند. همچنین، اداره اطلاعات و فرهنگ طالبان در این ولایت در ۳۰ آگست ۲۰۲۵، به تمامی رسانه‌های محلی گفته است که از ادامه کار زنان و نشر صدای آن‌ها جلوگیری کنند.

در ولایت غور، اداره معارف طالبان در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵، ده‌ها تن از آموزگاران زن را که در مکاتب ولسوالی لعل و سرچنگل وظیفه اجرا می‌کردند، به روستاها و مناطق دور افتاده تبدیل کرده است. این تصمیم سبب شده است که آموزگاران زن عملاً امکان رفت و آمد به محل کار را از دست بدهند و مجبور به ترک وظایف خود شوند.

۳. چالش‌های دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی

اسناد و معاهدات مختلف بین‌المللی دسترسی موثر به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی را به عنوان یک حق بشری برای تمام افراد به رسمیت شناخته و تضمین کرده است. محروم‌سازی عمدی افراد از این حق، به‌ویژه بر مبنای جنسیت یا دلایل تبعیض‌آمیز دیگر، منع قانونی دارد و نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود. از این‌رو، دولت‌های متعهد باید اقدامات و تلاش‌ها لازم را برای تسهیل دسترسی شهروندان به این خدمات اتخاذ و اجرا نمایند.^{۴۵}

یافته‌ها و نتایج بررسی‌های رواداری نشان می‌دهد که شرایط دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و درمانی در این دوره گزارش‌دهی، به دلیل اعمال سیاست‌های محدود کننده و تبعیض‌آمیز، بدتر شده است. چنانکه در حال حاضر دریافت هرگونه خدمات صحتی برای زنان به‌ویژه در ولسوالی‌ها و مناطق دور افتاده، مشروط به رعایت مقررات سختگیرانه‌ی

45. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۲.

مرتبط با نوع پوشش و محرم شرعی می‌باشد. با این وجود، ماموران امر به معروف به‌طور مداوم بر شفاخانه‌ها و سایر مراکز بهداشتی و درمانی نظارت می‌کنند. آنان زنانی را که بدون محرم شرعی یا پوشش مورد نظر طالبان باشند، مورد تحقیر و توهین قرار داده و از ورودشان به این مراکز جلوگیری می‌کنند.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان نیز در گزارشی گفته است که محتسبان امر به معروف و نهی از منکر به کلینیک‌های صحتی، دکاکین، بازارها، دفاتر دولتی، و تکسی‌ران‌ها دستور داده‌اند که به زنان بدون محرم خدمات ارائه نکنند.^{۴۶}

شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که، ماموران امر به معروف حتا در مورد اجرای مقررات مربوط به حجاب و نوع پوشش زنان برخورد رویکرد یکسان ندارند؛ به گونه‌ای که آن‌ها در برخی ولایت‌ها از جمله قندهار، هلمند، زابل، ارزگان، هرات، بدخشان و پروان، نگاه سختگیرانه‌تری دارند و هر نوع پوشش غیر از «برقع» را مصداق «بی حجابی» یا «بد حجابی» تلقی می‌کنند.

در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۵، ماموران امر به معروف یک داکتر مرد در ولایت غزنی را به دلیل ترمیم دندان دو زن که محرم شرعی نداشته، بازداشت و برای یک روز زندانی کردند. علاوه بر این، در شماری از ولایت‌ها چندین معاینه‌خانه به دلیل آنچه تخطی از مقررات پیش گفته عنوان شده، از سوی طالبان مسدود گریده است.

بر اساس یافته‌های گزارش حاضر، در برخی از مناطق کشور از جمله حوزه جنوب غرب، در صورت نبود داکتران زن، بیماران زن به‌صورت گروهی و با حضور کارمندان صحتی زن توسط داکتر مرد معاینه می‌شوند. در صورتی که کارمند زن در این مراکز حضور نداشته باشد، داکتران مرد اجازه معاینه بیماران زن را ندارند. همچنین، مطابق با محدودیت‌های اعمال شده از سوی اداره امر به معروف، مردان بیمار تحت هیچ شرایطی مجاز به مراجعه به داکتران زن نیستند.

اجرای گسترده این محدودیت‌ها دسترسی برابر، مؤثر و به موقع زنان به خدمات صحتی را با موانع جدی روبرو ساخته و هم‌چنین موجب شده است تا شماری از داکتران و پرستاران زن وظایف خود را ترک کنند. با این وجود، اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که در جریان سال ۲۰۲۵ به دلیل اعمال فشارهای تبعیض آمیز ماموران امر به معروف، تعداد کارمندان زن در بخش‌های صحتی، اعم از داکتران و پرستاران در سراسر کشور کاهش یافته است.

افزون بر این، طالبان در جریان سال ۲۰۲۵ تمامی بست‌های مشاوران صحت روانی در شفاخانه‌ها را که دست‌کم ۳۰۰ بست در اختیار زنان قرار داشت، لغو کرده‌اند.

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان

یک فعال مدنی از ولایت هلمند گفته است که:

«در مورد داکتران زن همان محدودیت‌های سختگیرانه، از قبیل اجبار به استفاده از برقع و حجاب مورد نظر طالبان اجرا می‌شود. این وضعیت که با گذشت هر روز بدتر نیز می‌شود، باعث کاهش حضور داکتران زن در مراکز صحتی شده است. مشکل دیگر این است که طالبان از دختران فارغ‌التحصیل رشته‌های طبی امتحان اخذ نمی‌کنند و به همین دلیل آن‌ها امکان استخدام در بخش‌های صحتی را ندارند.

یک زن ۵۰ ساله از ولایت غزنی در مورد تجربه خود از مراجعه به مراکز صحتی گفته است:

«هفته یک بار برای تزریق پیچکاری به کلینیک می‌رفتم. یک روز شوهرم برای کار به بازار محل رفته بود و من ناچار شدم به تنهایی به کلینیک مراجعه نمایم تا هم پیچکاری بگیریم و هم فشارخونم را معاینه کنم. اما وقتی آن‌جا رسیدم به من اجازه ورود ندادند. توضیح دادم که دفعات قبلی شوهرم همراهم بود و امروز خانه نبود و من تنها آمده‌ام. هرچه اصرار کردم نه پذیرفتند، بعد یک داکتر زن آمد و گفت: خاله برو جنجال درست نکن. گفتم مشکلی نیست همین‌جا پیش روی دروازه پیچکاری را به دستم بزنید، اما قبول نکردند.»

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت پروان گفته است در تاریخ ۲۳ می ۲۰۲۵ زمانی که برای تداوی به داکتر مراجعه کرده، به دلیل نداشتن محرم او را به معاینه‌خانه اجازه نداده است. این مصاحبه‌شونده گفته که بیش‌تر از ۵۰ سال سن دارد و یگانه پسرش برای کار به ایران مهاجر شده است. او روایت کرده است: «به داکتر التماس کردم که مرا معاینه کند اما ناراحت شد و با صدای بلند گفت محرمات کجاست؟ به خاطر معاینه زنان بدون محرم اداره امر به معروف معاینه‌خانه‌ام را بسته کرده بود.»

محدودیت‌های پیش‌گفته چنانکه که مطرح شد، بروضعیت دسترسی زنان به خدمات اساسی صحتی تأثیر مستقیم وارد کرده و مطابق با شواهد بدست‌آمده، در حال حاضر اکثر ولادت‌ها در خانه صورت می‌گیرد. این در حالی است که طالبان در برخی از مناطق کشور دسترسی به داروها و دیگر مراقبت‌های مرتبط به پیش‌گیری از بارداری را منع کرده‌اند.

همچنین، مسئول یکی از شفاخانه‌ها در حوزه جنوب - غرب اظهار داشته است:

«فشار و محدودیت‌ها بر داکتران زن افزایش یافته است. به آن‌ها گفته اند که محرم شرعی حتماً همراه شان باشد و این محدودیت برای داکترانی که در شیفت شب کار می‌کنند بسیار دشوار است. بسیاری از آن‌ها قادر به حضور در محل کار نیستند و قصد داشتند وظایف خود را ترک کنند. بالاخره به سختی توانستیم اداره امر به معروف را قناعت دهیم که پیش روی معاینه خانه داکتران زن یک زن سال خورده تعیین شود تا او به جز بیماران از ورود سایر افراد جلوگیری کند. با این حال، همچنان تحت فشار اداره امر به معروف هستیم.»

۴. نقض حق گشت و گذار آزادانه

حق گشت و گذار آزادانه از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر به‌شمار می‌رود و تضمین می‌کند که هر فرد بتواند بدون محدودیت‌های غیر موجه و تبعیض‌آمیز، در داخل کشور یا خارج از آن رفت و آمد نموده و محل اقامت خود را آزادانه انتخاب نماید.^{۴۷} دولت‌های عضو معاهدات بین‌المللی موظف‌اند که ضمن پرهیز از هرگونه اقدامات تبعیض‌آمیز، حقوق زنان را در زمینه گشت و گذار آزادانه به‌صورت برابر با مردان تضمین و حمایت کنند.^{۴۸}

اطلاعات و شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد که محدودیت‌های ناشی از اجرای قانون امر به معروف در سال ۲۰۲۵، آزادی گشت و گذار زنان را به‌صورت بی‌سابقه محدود نموده و میزان حضور آنان در عرصه‌های عمومی را به شدت کاهش داده است. چنانکه در حال حاضر زنان در شمار زیادی از بخش‌های کشور، حتی با داشتن حجاب و محرم شرعی، حق دسترسی به اماکن تفریحی، ورزشی، زیارتگاه‌ها و مراکز مذهبی، پارک‌ها، سالن‌های عروسی، فروشگاه‌ها و دیگر اماکن عمومی را ندارند. در حوزه جنوب غرب، زنان اگر محرم هم داشته باشند، اجازه رفتن به دکان‌های شیرین و آیسکریم فروشی، رفتن به جوی آب و قدم زدن در بیرون از خانه را نیز ندارند.

ماموران امر به معروف با گشت‌های شهری و ایجاد ایست‌های بازرسی در برخی مناطق، از اجرای محدودیت‌های یاد شده و نیز مقررات مربوط به رفت و آمد زنان نظارت می‌کنند. در همین مورد، مالک یک رستوران در یکی از ولسوالی‌های قندهار به رواداری گفته است که: «طالبان زنان را رفتن به رستوران‌ها منع کرده‌اند، حتی اگر رستوران‌ها جای جداگانه‌ای برای خانواده‌ها و زنان در نظر گفته باشند. از آن‌جا که این محدودیت تاثیر منفی بر کار و درآمد ما ایجاد کرده است، مجبوریم به طالبان پول پرداخت کنیم. آن‌ها در مقابل پول چیزی نمی‌گویند.»

رانندگانی که زنان بدون محرم شرعی را سوار وسایط نقلیه خود کنند یا فروشندگانی که به زنان چیزی بفروشند، مورد بازجویی قرار گرفته و بازداشت می‌شوند. با این وجود، در ولایت قندهار زنانی که برای خریداری کالا یا مواد غذایی به شهر و بازار رفته‌اند، از سوی ماموران امر به معروف با تحقیر و توهین مواجه شده‌اند.

یکی از دکانداران ولایت قندهار به رواداری گفته است: «بعضی از ماموران امر به معروف برخوردهای بسیار افراطی دارند. چندین بار به ما گفته‌اند که نباید به زنان اجازه داخل شدن به دکان را بدهید و باید در دروازه یک مانع فیزیکی ایجاد کنید تا کسی نتواند داخل شود. یکی از آن‌ها حتی گفت باید ظرف جداگانه‌ای روی میز دکان بگذارید تا وقتی زنان چیزی می‌خرند، پول را در داخل آن بگذارند و شما مستقیم از دست شان پول نگیرید.»

بر اساس یافته‌های این گزارش، ماموران امر به معروف به‌ویژه در ولایت‌های بدخشان، تخار و قندهار، تنها «برقع» را به عنوان حجاب قابل قبول برای زنان تبلیغ می‌کنند و سایر اشکال پوشش را نمی‌پذیرند. به همین دلیل، آن‌ها دکانداران را به فروش برقع تشویق نموده و از عرضه سایر انواع پوشش یا حجاب متفاوت منع کرده‌اند. همچنین، اداره امر به معروف در ماه اکتبر ۲۰۲۵، یک کمپاین را به منظور تأکید بر ضرورت استفاده زنان از برقع در اکثر مساجد ولایت قندهار راه اندازی کردند که با همکاری امامان مساجد در خطبه‌های نماز جمعه اجرا می‌شد.

47 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۲.

48 . مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹)، ماده ۱۵.

همچنین، اطلاعات بدست آمده از حوزه جنوب غرب نشان می دهد، زنانی که برای خریداری لوازم ضروری به فروشگاه‌ها رفته بودند، از سوی ماموران امر به معروف مورد تحقیر و توهین قرار گرفته و حتا شماری از آن‌ها بازداشت شده‌اند. به طور مثال، در ماه فبروری ۲۰۲۵ یک زن بزرگ سال از این حوزه، که برای خریداری مواد اولیه به شهر رفته بود، توسط طالبان بازداشت و مستقیماً به زندان عمومی منتقل شد.

در ولایت غزنی نیز، ماموران امر به معروف در دو رویداد جداگانه در تاریخ ۲۱ جولای و ۲۵ آگست سه تن از دختران را به اتهام «بی‌حجابی» بازداشت کردند که پس از چند ساعت با ضمانت بزرگان محل و خانواده‌های شان رها شدند. همین‌طور در ولایت هرات تنها در یک روز ماموران امر به معروف ده تن از زنان را از زیارتگاه خواجه عبدالله انصاری بازداشت کردند که پس از چند ساعت و با ارائه ضمانت معتبر آزاد شدند.

یوناما نیز، در گزارشی اعلام کرده است که مواردی از آزار و اذیت یا لت و کوب زنان در محلات تلاشی به دلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی، طبق تفسیر مقامات اداره حاکم، یا مواردی از دستور برگشتن به خانه از بازار به دلیل رفتن به خریداری بدون محروم را مستند کرده است.^{۴۹}

در همین حال، اطلاعات بدست آمده از ولایت قندهار نشان می دهد که طالبان اخیراً قدم زدن و ورزش صبحگاهی یا شام که در مواردی به خاطر سلامتی و کنترل برخی امراض مانند شکر و کلسترول از سوی داکتران توصیه می‌شوند را برای زنان منع کرده‌اند. با این وجود اگر زنان برای ورزش کردن از خانه‌های خود بیرون شوند، از سوی ماموران امر به معروف مورد تحقیر و آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان

در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۲۵ ماموران امر به معروف یک زن را در مرکز شهر غزنی به اتهام بی‌حجابی بازداشت کردند. یک شاهد عینی در این باره گفته است:

«دیروز یک مرد با خانم‌اش که بر موتور سائیکل سوار بودند، توسط ماموران امر به معروف متوقف شد. آن‌ها بعد از صحبت و مشاجره کوتاه، می‌خواستند زن را سوار موتور خود کنند که با مقاومت شوهرش مواجه شد. او بسیار عذر و التماس کرد اما ماموران امر به معروف قبول نکردند و هر دو را سوار موتور نموده با خود بردند.»

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از ولایت هرات که همراه با شوهرش از یکی از ولسوالی‌ها برای اخذ پاسپورت به مرکز ولایت رفته بودند، در مورد تجربه خود از آزار و اذیت توسط طالبان گفته است: «چون «برقع» نداشتم مامور امر به معروف اجازه داخل شدن به اداره پاسپورت را به من نداد. گفتم ما از راه دور آمده‌ایم و این جا کسی را نداریم که بروم برقع بگیرم، مامور امر به معروف به من گفت: شما فاحشه‌ها کشور را خراب کردیده‌اید. وقتی به من دشنام داد من هم با دشنام پاسخ دادم، در همان لحظه با سیلی به صورت‌م زد و مانع داخل شدنم به اداره پاسپورت شد.»

49 . هیأت معاونت سازمان ملل متحد، عدم موجودیت پناهگاه امن: افرادی که به‌طور غیردوطلبانه به افغانستان برگشته‌اند با خطرات حقوق بشری مواجه‌اند، جولای ۲۰۲۵، ص ۸.
<https://unama.unmissions.org/human-rights-monitoring-and-reporting-0>

در ولایت بامیان در تاریخ ۱۳ اپریل ۲۰۲۵، طالبان یک دانش‌آموز دختر را به اتهام نداشتن حجاب مناسب، بازداشت کردند. او روایت کرده است که: «در بازار بودم و چادری نداشتم اما روسری و لباس بلند پوشیده بودم که موتر ماموران اداره امر به معروف کنارم توقف کرد. سه مرد از آن پیاده شد و یکی از آن‌ها فریاد زد که چرا چهره‌ات برهنه است، شرم نداری؟ تلاش کردم برای شان توضیح بدهم اما اعتنایی نکردند، مرا به زور سوار موتر کردند و به اداره امر به معروف بردند. پدرم را خواستند و تهدید کردند که اگر بار دیگر این گونه در اماکن عمومی حضور پیدا کنی، دوباره تو را بازداشت می‌کنیم و شلاق می‌زنیم. پس از آن که تعهد کتبی از پدرم گرفتند مرا آزاد کردند.»

۵. عدم دسترسی به عدالت

اسناد بین‌المللی حقوق بشر از حق همه افراد؛ اعم از زنان و مردان برای دسترسی به محاکم مستقل و بی‌طرف، دسترسی به وکیل مدافع و دیگر موازین محاکمه عادلانه حمایت می‌کند.^{۵۰} کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض از زنان، کشورهای عضو را مکلف کرده که با اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی، دسترسی برابر زنان به عدالت، حمایت‌های قانونی، محاکم و نهادهای قضایی را برای رسیدگی به شکایات و دفاع از حقوق آن‌ها تضمین نمایند.^{۵۱}

با این وجود، طالبان پس از بازگشت به قدرت، با تعلیق اجرای قوانین قبلی، تمامی چارچوب‌های حقوقی تضمین حقوق بشر و حمایت از زنان را از بین برده اند. به گونه‌ای که در حال حاضر هیچ سازوکار حقوقی موثر برای تامین عدالت در مورد زنان قربانی خشونت و نقض حقوق بشر وجود ندارد. از سوی دیگر، محدودیت‌های سختگیرانه و شرایط تبعیض‌آمیز موجود، سبب شده است که زنان قربانی خشونت، به صورت مضاعف متضرر شوند؛ وضعیتی که موجب تداوم فرهنگ مصونیت از مجازات و به تبع آن گسترش اشکال مختلف خشونت، بدرفتاری و نقض حقوق بشر علیه زنان شده است.

یافته‌های گزارش حاضر حاکی از آن است که اجرای قانون «امر به معروف و نهی از منکر» طالبان به گسترش دامنه تبعیض و نابرابری ساختاری علیه زنان در افغانستان انجامیده و دسترسی آنان به عدالت را به شدت محدود کرده است

عدم رسیدگی به خشونت علیه زنان

نهادهای قضایی طالبان بر بنیاد تفسیر سختگیرانه از احکام اسلامی و با رویکرد تبعیض‌آمیز، در بسیاری موارد به شکایات مربوط به خشونت علیه زنان، به ویژه درخواست‌های طلاق و تفریق، رسیدگی نمی‌کنند. این رویه در عمل به محرومیت زنان از حمایت‌های قانونی، تحمیل خشونت بیشتر و انکار عدالت انجامیده است.

عدم دسترسی به وکیل مدافع، نبود مراکز حمایتی برای نگهداری زنان قربانی خشونت و فقدان هرگونه برنامه‌های حمایتی از دیگر چالش‌هایی اند که در مورد دسترسی زنان به عدالت وجود دارد. در نتیجه این وضعیت و به خصوص نبود مراکز حمایتی، زنان قربانی خشونت اغلب دوباره به خانواده‌های شوهران شان بازگردانده می‌شوند و در مواردی که از بازگشت به خانه شوهر خودداری کنند، به زندان‌های زنانه و نظارت خانه‌های اداره امر به معروف فرستاده می‌شوند.

50 . میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴.

51 . کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ماده ۱۵، ۱۸.

از سوی دیگر، بر اساس قانون امر به معروف، زنان نمی‌توانند به صورت مستقیم و بدون همراهی یکی از محارم شرعی خود، برای ثبت شکایت و دادخواهی به نهادهای عدلی و قضایی مراجعه کنند. اگر زنان به این دستور عمل نکنند نه تنها به شکایت شان اعتنایی صورت نمی‌گیرد بلکه با رفتار تحقیرآمیز، خشونت و بدرفتاری نیز مواجه می‌شوند.

روایت‌های مصاحبه شونده‌گان

یکی از کارمندان نهادهای عدلی و قضایی از حوزه جنوب غرب در این مورد گفته است:

«زنانی که در محاکم طالبان از خشونت خانگی شکایت می‌کنند، با بی‌توجهی قضات مواجه می‌شوند و در بسیاری موارد حکم شرعی صادر نمی‌شود. بر عکس قضات به آنان توصیه می‌کنند که از شکایت خود صرف نظر نموده و با شوهران شان به زندگی ادامه دهند، حتی اگر در شرایط بسیار سخت و دشوار نیز بسر ببرند.»

یک مصاحبه‌شونده دیگر از این حوزه معلومات داده است:

«زنان قربانی خشونت به وکیل مدافع دسترسی ندارند تا بتوانند از حقوق قانونی و انسانی خود دفاع کنند. علاوه بر این، مطابق با رویه‌های جاری در محاکم طالبان، حق تفریق برای زنان به رسمیت شناخته نمی‌شود، یعنی اگر زنی در این مورد به محاکم شکایت کند، قاضی او را به صلح با شوهرش مجبور کرده و شکایت اش را نادیده می‌گیرد. در حال حاضر تنها موضوعی که به گونه نسبی رسیدگی می‌شود، حق میراث زنان است.»

یک شاهد عینی مرد از ولایت بدخشان گفته است:

«یک زن ۲۲ ساله که به دلیل خشونت شدید خانگی به دادگاه طالبان مراجعه نموده و خواستار تفریق شده بود، قاضی گفت باید مبلغ ۸۰۰ هزار افغانی پرداخت کند تا به این درخواست اش رسیدگی شود. من برای پیگیری یک دعوای حقوقی دیگر به دادگاه رفته بودم و شخصا شاهد این صحنه بودم. از قاضی پرسیدم چرا چنین مبلغ گزافی باید در قبال درخواست طلاق پرداخت شود؟ پاسخ داد اگر این شرایط سخت را برای زنان متقاضی طلاق وضع نکنیم، ممکن است تعداد زیادی از زنان از شوهران شان جدا شوند. او گفت این کار را می‌کنیم تا زنان هر سختی و مشکلاتی را تحمل کنند و به زندگی شان ادامه دهند.»

همچنین، مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت دایکندی در این باره گفته است:

«زنانی قربانی خشونت که به دادگاه‌های طالبان مراجعه می‌کنند، با برخورد منفی قضات مواجه می‌شوند؛ زیرا به باور آن‌ها زنی که از خانه بیرون شود «زن خوب» نیست. از سوی دیگر حتی اگر زنان مورد خشونت قرار گرفته باشند، نمی‌توانند آن را اثبات کنند؛ چرا که روند رسیدگی در دادگاه‌های طالبان عمدتاً مبتنی بر شهادت شهود است. بسیاری از زنان به‌ویژه در مناطق روستایی، به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و هزینه‌های اقتصادی امکان معرفی شاهد یا پیگیری پرونده‌های خود را ندارند.»

معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که قضات طالبان حتی در جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر علیه زنان، به جای اتخاذ تصمیم حمایتی در قبال قربانیان، احکامی صادر کرده‌اند که با اصول بنیادین محاکمه عادلانه و حمایت موثر از قربانیان مغایرت دارد. به طور مثال یک مصاحبه‌شونده از حوزه جنوب غرب گفته است که «در ماه جون ۲۰۲۵ یک مرد در

بدل قرض خود، دختر ۷ ساله‌اش را به عقد نکاح یک مرد که بیش‌تر از ۵۰ سال سن دارد در آورده بود. این قضیه در شبکه‌های اجتماعی سرو صدای زیادی ایجاد کرد که در نهایت، طالبان مجبور به بازداشت هر دو طرف شدند. این پرونده بعداً به دادگاه طالبان ارجاع داده شد و قضات فیصله کردند که دختر پس از آن‌که به سن ۹ سالگی رسید به عقد نکاح این مرد در آورده شود.»

در همین حال، بر اساس یک تصمیم تازه که توسط فرماندهی امنیه، ریاست امر به معروف، حج و اوقاف، اداره محلی ولایت و بزرگان قومی در پکتیکا اتخاذ شده است، میزان مهریه برای زن دوم ۵۰۰ هزار افغانی، برای دختر مجرد ۳۰۰ هزار افغانی و برای زن بیوه ۲۰۰ هزار افغانی تعیین شده است. این تصمیم که با حقوق قانونی و اختیار زنان در تعیین شرایط عقد نکاح در تعارض قرار دارد، نگرانی‌های جدی را درباره افزایش ازدواج‌های دوم و سوم و تضعیف بیشتر جایگاه حقوقی زنان در عقد نکاح ایجاد کرده است.

بخش سوم

وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی آسیای پذیر



Photo (C) KYRYLO KULAHIN / Alamy

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که در جریان سال ۲۰۲۵، رفتار مقامات حاکم در عرصه‌های مختلف اداری، اقتصادی و مذهبی، به تداوم و تشدید تبعیض علیه گروه‌های قومی و مذهبی آسیب پذیر در افغانستان منجر شده است. شواهد و اطلاعات بدست‌آمده حاکی از آن است که تبعیض در دسترسی به فرصت‌های شغلی، خدمات عمومی، کمک‌های بشردوستانه و منابع ملی، نتیجه سیاست‌ها و اقدامات هدفمند گروه طالبان بوده است که اصل برابری و عدم تبعیض در برخورداری شهروندان افغانستان از حقوق اقتصادی و اجتماعی را نادیده گرفته‌اند.

هم‌زمان، اعمال محدودیت‌های سختگیرانه بر آزادی اجرای مناسک مذهبی، مداخله و تحمیل آموزش‌های دینی بر کودکان و حتا اجبار اقلیت‌ها در برخی مناطق به تغییر مذهب، از دیگر مواردی است که در جریان سال ۲۰۲۵ مستند شده است.

۱. تبعیض علیه گروه‌های قومی و مذهبی در ارائه خدمات دولتی و پروژه‌های انکشافی

در حالی که اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر مصونیت افراد از هرگونه تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب و به‌ویژه تضمین دسترسی برابر به منابع و فرصت‌ها در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی تأکید کرده است.^{۵۲} اما بر اساس یافته‌های این گزارش طالبان در توزیع خدمات دولتی، پروژه‌های انکشافی و کمک‌های بشردوستانه، نسبت به گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر، رفتار تبعیض‌آمیز داشته‌اند. چنانکه مناطق مشخصی از کشور، به‌ویژه بخش‌هایی که در دوره دولت جمهوری اسلامی افغانستان تحت کنترل طالبان بوده، سهم بیشتری از خدمات عمومی و منابع اقتصادی دریافت کرده‌اند.

ولسوالی‌های سیاه گرد، شینواری و کوه صافی ولایت پروان که پیش‌تر تحت نفوذ طالبان بوده‌اند، بیشترین تعداد پروژه‌های انکشافی را در سال ۲۰۲۵ دریافت کرده‌اند. به‌طور مثال بر اساس گزارش رسانه‌های محلی، در جریان سال ۲۰۲۵ تنها در ولسوالی شینواری، ۱۳۶ پروژه مختلف انکشافی اختصاص داده شده است، در حالی که سایر ولسوالی‌های این ولایت، به کمترین میزان این گونه برنامه‌ها دسترسی نداشته است.

همین‌طور، در فاصله ۱۷ تا ۱۴ فبروری ۲۰۲۵، برای ۹۸۲۰ خانواده در ولسوالی‌های اندر، گیلان، قره باغ، آب بند و مقر ولایت غزنی، کمک‌های نقدی و مواد غذایی شامل ۲۹۰۰ افغانی پول نقد، توزیع شده است، اما اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که در میان دریافت‌کنندگان این بسته‌های کمکی، حتا یک خانواده از هزاره‌ها، تاجیک‌ها، بیات‌ها و سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی حضور نداشته است. در نمونه‌ای دیگر، طالبان در اوایل سال ۲۰۲۵، از آغاز ۹۸ پروژه انکشافی به ارزش بیش از ۶ میلیون دالر امریکایی در ولایت غزنی خبر دادند که در بخش‌های زراعت، مالداري، اعمار بند آب و دامداری در سه ولسوالی زنه خان، خوگیانی و رشیدان طی چهار سال آینده تطبیق خواهد شد. این ولسوالی‌ها قبلاً از ساحات و مناطق تحت نفوذ طالبان بوده است. با این وجود، گزارش‌ها نشان می‌دهد که سهم سایر ولسوالی‌های غزنی در سال ۲۰۲۵، صرفاً سه پروژه به ارزش ۴۶ هزار دالر می‌باشد.

52 . مجمع عمومی، منشور سازمان ملل متحد، (۱۹۴۵)، بند ۳، ماده ۱، بند ۳، ماده ۵۵ و بند ۹ ماده ۳. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ و بند ۲، ماده ۲.

در ولایت بدخشان نیز، مناطق اسماعیلیه نشین از دسترسی متوازن به منابع و خدمات دولتی، محروم مانده و چنان‌که شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد، بخش قابل توجهی از پروژه‌های انکشافی در سال ۲۰۲۵ در ولسوالی وردوج، زادگاه دو تن از فرماندهان محلی طالبان تطبیق شده است. به همین ترتیب در ولایت دایکندی، پروژه‌های انکشافی اختصاص یافته مانند برنامه‌های سرک سازی عمدتاً در ولسوالی‌ها و مناطقی عملی شده است که قبلاً محل تجمع، فعالیت و نفوذ طالبان بوده اند.

با این همه، طالبان همواره در توجیه این اقدامات خود گفته‌اند که پروژه‌های بیشتر را به مناطقی اختصاص می‌دهند که در دوره حکومت پیشین به دلیل منازعات مسلحانه از روند بازسازی و انکشاف محروم بودند.

۲. تبعیض در استخدام

به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تضمین حق کار و فراهم کردن شرایط عادلانه کاری، امنیت شغلی و جلوگیری از استخدام یا اخراج کارکنان دولتی بر اساس ویژگی‌های قومی، زبانی و مذهبی در زمره حقوق اساسی و بنیادین همه افراد می‌باشد.^{۵۳} دولت‌های عضو این اسناد مسئولیت دارند که با وضع و تصویب قوانین داخلی و اجرای دیگر اقدامات، شرایط عادلانه کار را برای همه شهروندان صرف‌نظر از هرگونه تعلق قومی، زبانی و مذهبی فراهم کنند.^{۵۴}

با این حال، شواهد نشان می‌دهد که طالبان وابستگی‌های ایدیولوژیک، سابقه همکاری و میزان وفاداری افراد را به عنوان معیار اصلی استخدام و برکناری کارمندان ادارات دولتی در نظر می‌گیرند. چنان‌که آن‌ها در جریان چهار سال گذشته، کارمندان حکومت پیشین را به صورت گسترده از تمامی گروه‌های قومی و مذهبی از ادارات دولتی برکنار کرده و به جای آنان افراد وفادار و نزدیک به خود را گماشته‌اند. در این مورد یک عضو جامعه اهل تشیع از ولایت هلمند به رواداری گفته است: «طالبان در استخدام افراد به کسانی توجه می‌کنند که سابقه همکاری با آن‌ها را داشته باشند و برای شان فرقی نمی‌کند که از کدام قوم، مذهب یا منطقه است. آن‌ها حتا برای استخدام کارمندان در بست‌های پائین، شرطشان این است که در دوره جمهوریت وظیفه اجرا نکرده باشد.

هرچند که رویکرد طالبان در مورد استخدام یا برکناری افراد از ادارات دولتی، چنان‌که اشاره شد، همه گروه‌های قومی و مذهبی را متأثر کرده است اما، پیامدهای این سیاست به‌طور نا متناسبی بر دسترسی اقلیت‌های قومی و مذهبی اثر گذاشته و دسترسی آنان به فرصت‌های شغلی در ادارات دولتی را بیش از دیگران محدود ساخته است. چنانکه، در جریان سال ۲۰۲۵، مقامات حاکم تنقیصاتی را در ساختار تشکیلاتی وزارت تحصیلات عالی، از جمله بست‌های هیأت علمی و بخش‌های اداری دانشگاه‌های کابل، پنجشیر و بامیان اعمال کردند که اغلب در اختیار افراد متعلق به گروه‌های قومی و مذهبی آسیب پذیر بودند.

در ولایت غزنی نیز در جریان سال ۲۰۲۵، دست‌کم ۱۹ بست متعلق به کارمندان هزاره تبار و تاجیک تبار از اداره محلی ولایت، ریاست اطلاعات و فرهنگ و فرماندهی امنیه حذف شده‌اند.

53. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده های ۶، ۷ و ۸.
54. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۷

همچنین شواهد بدست آمده از ولایت نیمروز نشان می دهد که اقلیت های قومی و مذهبی از فرصت های شغلی به ویژه در حوزه تجارت مرزی و بست های کمرگی کنار گذاشته شده و این فرصت ها عمدتاً به اقوام و بستگان مسئولان محلی داده شده است. گزارش های نیز از این ولایت وجود دارد که کارمندان ادارات دولتی برای اینکه برکنار نشوند، مذهب یا زبان خود را در تذکره های الکترونیکی تغییر داده اند.

در ولایت غور یک متقاضی استخدام در یکی از ادارات محلی گفته است: «سه ماه پیش وقتی یک بست اداری در یکی از ادارات محلی اعلام شد، درخواست دادم، چون تمامی شرایط آن با تجربه و تحصیلاتم برابر بود. مدرک لیسانس داشتم و چند سال نیز در ادارات دولتی کار کرده بودم. امتحان کتبی را موفقانه سپری نمودم، اما روز مصاحبه وقتی از محل تولدم پرسیدند و متوجه شدند که هزاره هستم، لحن شان تغییر کرد. یکی از مسئولان مستقیم به من گفت که ما به کسانی ضرورت داریم که با ما همسو باشد.»

در ولایت هرات نیز موارد مشابهی گزارش شده است، یک معلم مرد برکنار شده اظهار داشته است: «من در یک مکتب معلم بودم و بدون این که مرتکب خطایی شده باشم، فقط به دلیل تعلق به گروه قومی هزاره توسط ریاست معارف طالبان برکنار شدم. رئیس معارف به جای من یکی از اقوام خود را که تحصیل کرده مدرسه دینی است استخدام کرد.» هم چنین، یک مصاحبه شونده زن از ولسوالی غوریان ولایت هرات گفته است: «چهار ماه قبل از بست معلمی در یکی از مکاتب دولتی بدون هیچ دلیلی و صرفاً به خاطر این که تاجیک هستم از وظیفه برکنار شدم. مدیر معارف بعداً یک خانم از اقوام خود را به جای من گماشت که تحصیلات عالی ندارد.»

۳. اعمال محدودیت بر آزادی های مذهبی

بر اساس آنچه در اسناد و معاهدات بین المللی حقوق بشر آمده است، آزادی مذهبی متضمن آزادی عقیده و آزادی در اجرای تعلیمات و مراسم دینی است.^{۵۵} میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خواه به طور فردی یا جمعی خواه به طور علنی یا در خفا و آزادی در اجرای عبادات، آداب، اعمال و تعلیمات مذهبی را به رسمیت شناخته است.^{۵۶}

همین طور، سند مذکور اعلام نموده که اشخاص متعلق به اقلیت های نژادی، قومی و دینی حق دارند به طور خصوصی یا عمومی، آزادانه و بدون مداخله یا اعمال هر نوع تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره مند باشند، به دین خود معترف بوده و بدان عمل و از زبان خاص خود استفاده کنند.^{۵۷}

نتایج بررسی های رواداری نشان می دهد که طالبان در جریان سال ۲۰۲۵، محدودیت های گسترده ای را بر آزادی اجرای مناسک مذهبی در سراسر کشور اجرا کرده اند. به طور مثال، در ایام دهه محرم، محدودیت هایی بر برگزاری مراسم عزاداری شیعیان در بخش های مختلف از جمله شهر کابل و ولایت های غزنی، هرات، پروان، نیمروز، بامیان و دایکندی اعمال کردند. اطلاعات بدست آمده نشان می دهد که نیروهای طالبان پرچم ها و نمادهای عزاداری را از سطح شهرها جمع آوری نموده و ضمن ممانعت از برپایی دسته های عزاداری، همچنین در برخی موارد، محلات توزیع نذر و طعام را تخریب کرده اند.

55. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷.

56. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸.

57. همان، ماده ۲۷.

یک مصاحبه‌شونده از ولایت هلمند گفته است: «اهل تشیع می‌توانند مراسم مذهبی شان را در داخل مساجد انجام دهند اما در اجرای برنامه‌های عمومی و خارج از مساجد، محدودیت‌هایی وجود دارد و حتی در بعضی مناطق استفاده از بلندگو در مساجد اهل تشیع نیز محدود شده است.» موارد مشابهی در ولایت نیمروز نیز گزارش شده است. چنانکه پیروان مذهب جعفری از برگزاری مراسم مذهبی خود در اماکن عمومی منع گردیده و به آن‌ها گفته شده است که این مناسک صرفاً در مکان‌های سربسته برگزار شود.

افزون براین، در یکی از تازه‌ترین موارد، به مساجد اهل تشیع اعلام شده است که یا زمان نشر اذان خود را با مساجد اهل تسنن هماهنگ کنند یا از پخش اذان خودداری نمایند. این در حالی است که میان زمان اذان شیعیان و اهل تسنن، حدود پانزده دقیقه تفاوت وجود دارد. در ولایت غزنی، طالبان در اوایل سال ۲۰۲۵ با تشکیل کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ادارات دولتی، به مساجد و مراکز مذهبی شیعیان اعلام کردند که استفاده از بلندگوها در طول شب و روز ممنوع است و عزاداری نباید در فضای باز برگزار شود.

همین‌طور، معلومات بدست‌آمده از ولایت دایکندی نشان می‌دهد که ماموران امر به معروف با نظارت بر مدارس دینی اهل تشیع، مسئولان این مدارس را مورد بدرفتاری قرار داده و همواره در مورد نصاب آموزشی آن‌ها مداخله می‌کنند. در ولایت بادغیس، طالبان دانش‌آموزان پسر در مکاتب را مکلف کرده‌اند که بدون توجه به مذهب شان در نماز جماعت ظهر یا عصر شرکت کنند و در صورت عدم توجه، از مکتب اخراج خواهند شد.

هم‌زمان، ماموران امر به معروف در ولایت غزنی سه عالم دینی شیعه مذهب را به دلیل برگزاری نماز عید یک روز پس از اعلام رسمی طالبان، بازداشت کردند. همچنین، در ولسوالی‌های جاغوری و مالستان، شماری از شهروندان شیعه مذهب که مطابق باورهای دینی خود روزه دار بودند، از سوی نیروهای امر به معروف طالبان مجبور به افطار و نوشیدن آب شده است. قبل از آن، اداره امر به معروف طالبان در این ولایت با احضار اعضای شورای علمای شیعه اعلام کرده بود که ماه مبارک رمضان باید مطابق اعلام رسمی طالبان و بر اساس فقه حنفی آغاز گردد.

اجبار شیعیان اسماعیلی به تغییر مذهب و آموزش فقه حنفی

شواهد و معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که طالبان در جریان ۲۰۲۵ هم‌چنان به تحمیل فشارهای ایدئولوژیک و اجبار شیعیان اسماعیلی به تغییر مذهب در ولایت بدخشان ادامه داده‌اند. چنان‌که در حال حاضر در تمام ولسوالی‌های اسماعیلی‌نشین، طالبان مدارس دینی را فعال نموده و به اجبار به فرزندان آن‌ها فقه حنفی را آموزش می‌دهند. اقدامی که در نوع خود، شدیدترین نقض حقوق بشر و به خصوص نقض آزادی مذهبی به شمار می‌رود. بر بنیاد یافته اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که روند تغییر مذهب اعضای جامعه اسماعیلیه، در برخی موارد با استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز مانند، ارباب، تهدید، بازداشت و شکنجه پیگیری شده است.

رواداری در ماه دسامبر ۲۰۲۵ گزارش تحقیقی را منتشر کرد که بر اساس اطلاعات مستقیم و دست اول از مصاحبه شونده‌گان تهیه شده است. یافته‌های این گزارش نشان داده است که طالبان در بخش‌های از ولایت بدخشان و ولایت بغلان، به صورت سازمان یافته و هدفمند، به تحمیل آموزش اجباری فقه حنفی بر کودکان اسماعیلی اقدام نموده و نیز از طریق تکفیر علنی و اعمال فشارهای سازمان یافته، اعضای این جامعه را به ترک مذهب و باورهای دینی شان وادار کرده‌اند.^{۵۸}

هیأت معاونت سازمان ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرده است که مقامات اداره حاکم در برخی از ولسوالی‌های ولایت بدخشان به اعضای جامعه اسماعیلیه فشار می‌آورند تا به مذهب سنی روی آورند. در این گزارش همچنان آمده است که طالبان دریافت کمک‌های دولتی را مشروط به پایبندی به مذهب سنی کرده است.^{۵۹}

58. رواداری، وضعیت حقوق بشری شیعیان اسماعیلی در افغانستان، دسامبر ۲۰۲۵. <https://rawadari.org/wp-content/uploads/2025/12/RW-Ismaili-Report-Dari.pdf>

59. هیأت معاونت سازمان ملل متحد، وضعیت حقوق بشر در افغانستان: گزارش تازه جولای - سپتامبر ۲۰۲۵، ص ۶. <https://unama.unmissions.org/update-human-rights-situation-afghanistan-july-sept-2025>

بخش چهارم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

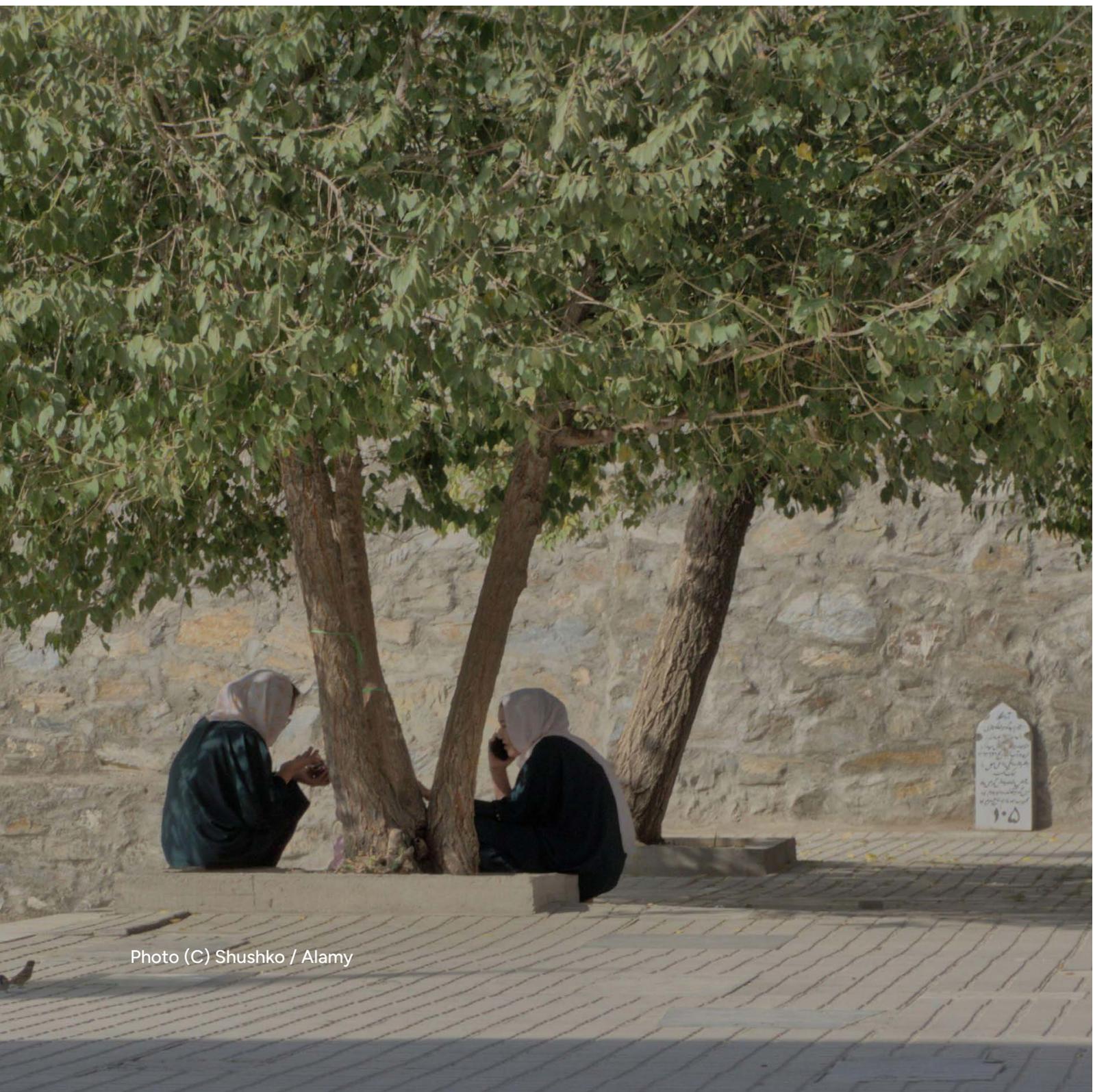


Photo (C) Shushko / Alamy

نتیجه‌گیری

افزایش قابل توجه قتل‌های هدفمند و فراقضایی، ناپدید سازی اجباری، بازداشت‌های خودسرانه، اعمال مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده و نیز اجرای محدودیت‌های تبعیض‌آمیز بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی زنان از برجسته‌ترین موارد نقض حقوق بشر در جریان سال ۲۰۲۵ بوده است.

مقامات حاکم در این دوره گزارش دهی، با پیگیری سیاست‌های سازمان یافته و هدفمند خود علیه زنان و دختران این کشور، به‌ویژه از طریق اجرای قانون امر به معروف، تبعیض در عرصه‌های آموزش، کار، گشت و گذار آزادانه و دسترسی به عدالت را تشدید کرده‌اند. بر بنیاد یافته‌های این گزارش، اجرای قانون مذکور در جریان سال ۲۰۲۵ به سلب آزادی بیشتر از زنان و تأثیرات عمیق بر زندگی فردی و اجتماعی آنان منجر شده است.

گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر نیز به صورت عمدی و تبعیض‌آمیز از دسترسی عادلانه به فرصت‌های شغلی، منابع و امکانات ملی و پروژه‌های انکشافی محروم شده‌اند. همان‌گونه که یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد، طالبان علاوه بر رفتار تبعیض‌آمیز در عرصه‌های یاد شده، همچنین بر آزادی اجرای مناسک مذهبی محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده‌اند.

هم‌زمان، کارمندان حکومت پیشین، مخالفان و معترضان، فعالان حقوق بشر و خبرنگاران، هدف حملات خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه قرار گرفته و به‌طور خودسرانه و غیرقانونی بازداشت، ناپدید، شکنجه و حتی به قتل رسیده‌اند. همین‌طور، طالبان گردهمایی‌ها و تجمعات اعتراضی را با توسل به زور و خشونت سرکوب نموده و معترضان را بازداشت، زخمی و به قتل رسانده‌اند.

میزان تطبیق مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده از جمله اعدام و شلاق زدن در انظار عمومی نیز در این دوره گزارش دهی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است که نشان‌دهنده بی‌اعتنایی مقامات حاکم به اصول محاکمه عادلانه و موازین حقوق بشر می‌باشد.

با این وجود، تداوم فرهنگ ریشه‌دار مصونیت از مجازات و عدم پاسخ‌گویی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش میزان نقض حقوق بشر در این کشور می‌باشد و تا زمانی که عوامل و مسئولان وضعیت کنونی به‌صورت مؤثر از طریق سازوکارهای قضایی بین‌المللی، پاسخ‌گو ساخته نشوند نقض حقوق بشر همچنان ادامه خواهد یافت.

در جریان سال ۲۰۲۵، دستاوردهای تاریخی و ارزشمندی در زمینه پاسخگویی مرتکبان نقض حقوق بشر در افغانستان بدست‌آمده است. از جمله این دستاوردها می‌توان به صدور حکم بازداشت رهبران طالبان به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت از سوی دادگاه جزایی بین‌المللی و همچنین برگزاری دادگاه مردمی برای زنان افغانستان اشاره کرد. با این حال رسیدگی مؤثر به نقض گسترده حقوق بشر و به‌خصوص پایان دادن به تبعیض سیستماتیک و سازمان یافته علیه زنان و دختران این کشور، مستلزم به کارگیری تمامی ابزارهای قانونی و سازوکارهای قضایی بین‌المللی می‌باشد.

پیشنهادات

رواداری برای رسیدگی به وضعیت نگران‌کننده‌ی حقوق بشر در افغانستان و رسیدگی به چالش‌ها و مشکلات موجود پیشنهادات ذیل را به مقامات حاکم و جامعه جهانی ارائه می‌کند.

به مقامات حاکم:

- از مقامات حاکم جدا می‌خواهیم که بیش‌تر از این به ارتکاب نقض حقوق بشر ادامه ندهد و به مسئولیت‌های خود در راستای اجرای مفاد و مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان به آن‌ها پیوسته است، عمل نمایند.
- محروم‌سازی عامدانه و هدفمند زنان از حقوق و آزادی‌های بشری‌شان، علاوه بر وارد ساختن آسیب‌های پایدار و دایمی بر فرایند توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، پیامدهای حقوقی سنگینی نیز در پی دارد. از این‌رو از مقامات حاکم می‌خواهیم که با رعایت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی زنان و دختران افغانستان تمامی فرامین، پالیسی‌ها و قوانین تبعیض‌آمیز خود از جمله قانون امر به معروف را لغو کنند.
- از مقامات حاکم درخواست می‌کنیم که به منظور تأمین حق حیات کودکان و رفع تهدیدات موجود، برای پاک‌سازی مناطق آلوده به ماین و دیگر بقایای جنگ، اقدام نموده و در این زمینه با سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی همکاری مؤثری داشته باشند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که به مسئولیت‌های قانونی برای تأمین امنیت و مصونیت شهروندان اقدام نموده و فوراً به قتل‌های فرا قضایی کارمندان حکومت پیشین، مخالفان و منتقدان خود و مدافعان حقوق بشر پایان دهند. همچنین از اقدامات خود برای پیگرد قضایی و مجازات مرتکبان چنین قتل‌ها به خانواده‌های قربانیان و مردم افغانستان گزارش بدهند.
- علاوه بر این، از مقامات حاکم می‌خواهیم که زمینه و امکان دسترسی مؤثر سازمان‌های حقوق بشری به محلات سلب آزادی را فراهم نموده و بیش‌تر از این مرتکب شکنجه و بدرفتاری با زندانیان نشوند.

به جامعه جهانی

- مبارزه پی‌گیر با فرهنگ معافیت از مجازات و پاسخ‌گو ساختن طالبان، از پیش‌شرط‌های اصلی پایان دادن به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در افغانستان می‌باشد. با این حال، از جامعه جهانی جدا می‌طلبیم که از تمامی ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک و قضایی استفاده نموده و از دسترسی قربانیان به عدالت، حمایت نمایند.
- از جامعه جهانی می‌خواهیم که از مبارزات عدالت‌طلبانه‌ای مدافعان حقوق بشر و به‌خصوص زنان و دختران این کشور حمایت نموده و به پرونده‌های بازداشت، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه و قتل معترضان در داخل افغانستان، رسیدگی موثر نمایند.
- همان‌گونه که یافته‌های این گزارش نشان داده است، کارمندان حکومت پیشین و اعضای خانواده‌های آنان همچنان در معرض حملات انتقام‌جویانه و هدفمند طالبان و دیگر افراد مسلح ناشناس قرار دارند. بنابراین، از جامعه جهانی درخواست می‌کنیم که برای اعمال فشار بر مقامات حاکم و تأمین امنیت و مصونیت کارمندان حکومت پیشین، اقدامات عملی را اتخاذ و اجرا نمایند.
- از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که در مورد قتل‌های هدفمند، فراقضایی و مشکوک، به‌ویژه حملات انتقام‌جویانه علیه کارمندان حکومت پیشین به‌صورت همه‌جانبه تحقیق نموده و نتایج آن را با مردم و جامعه جهانی شریک نماید.
- از سازمان ملل متحد در خواست می‌کنیم که به وظیفه و مسئولیت قانونی خود برای حفاظت از مردم افغانستان و به‌ویژه زنان و گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر عمل نموده و در این زمینه اقدامات و تمهیدات مؤثری را عملی نماید.

